



پوهنتون علوم طبي کابل "ابو علي ابن سينا"

پوهنځی نرسنگ

ديپارتمنت ثقافت اسلامي

فقه تعامل میان زن و شوهر

و جلوه هايی از خانواده نبوت

تأليف: ابو عبد الله مصطفى بن العَدَوِيّ

مترجم: احمد خالد "عزيز"

سال: ۱۴۰۰ هـ ش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# فقه تعامل میان زن و شوهر و جلوه هایی از خانواده نبوت

تألیف: ابو عبد الله مصطفى بن العَدَوِيّ

مترجم: پوهیالی احمد خالد " عزیز "

استاد پوهنتون علوم طبی کابل ( ابو علی ابن سینا )

این کتاب به عنوان ممد درسی مضمون ثقافت اسلامی برای محصلان  
پوهنتون علوم طبی کابل، ترجمه گردیده است.

ناشر:

سال: ۱۴۰۰ هـ ش

سرشناسه:	بنُ العَدَوِي، ابي عبدالله مصطفي، عزيز، احمد خالد، ١٣٦٥ هـ-ش
عنوان، نام مؤلف و مترجم:	فقه تعامل ميان زن و شوهر و جلوه هايي از خانواده نبوت، ابي عبدالله مصطفي بنُ العَدَوِي، احمد خالد عزيز
مشخصات نشر:	
مشخصات ظاهري:	تک جلدی ١٢٧ صفحه
شابک:	
ياداشت:	
موضوع:	نظام خانواده گي در اسلام.



**ابو عبد الله مصطفي بنُ العَدَوِيُّ**  
**فقه تعامل ميان زن و شوهر**  
**و جلوه هايي از خانواده نبوت**  
**پوهيالي احمد خالد عزيز**

ويراستار:

نوبت چاپ:

تيراژ:

سال چاپ:

نوعيت چاپ:

قيمت كتاب:

شابک:

آدرس فروش:

حق چاپ و نشر اين كتاب براي پوهنتون علوم طبي کابل ابوعلی ابن سینا و وزارت  
تحصيلات عالی محفوظ است.



## پیشگفتار

الحمدلله حمد الشاکرین و الصلاة و السلام علی سید المرسلین محمد بن عبدالله  
و علی آله و أصحابه و من اهتدی بهدیه الی یوم الدین و بعد.

سیاس و شکران خداوند سبحانه و تعالی را که برایم توفیق داد تا عنوان منتخب  
شده (فقه تعامل میان زن و شوهر و جلوه هایی از خانواده نبوت) را از محضر استادان  
دانشمند کسب نمایم، برای من جای نهایت خرسندی است که مرحله ترجمه و نوشتاری  
آنها به اتمام رسانیده ام.

شکی نیست که خانواده بیشتر روی موضوعات مهم و حیاتی می چرخد، که  
کتاب های فقهی و نظریات دانشمندان موضوعات را یکایک بیان نموده اند که صدور این  
حقایق از کتاب جامع قرآن عظیم الشان صورت می گیرد، بنابر آن مبحث هذا شایسته  
ترجمه است، از این رو بنابر حدیث شریف که از ترمذی رحمه الله روایت است: (من لم  
یشکر الناس لم یشکر الله).

لهذا می خواهم سیاس، تشکر و اظهار امتنان داشته باشم از جناب استاد گرانقدر  
و دانشمند گرامی «پوهنوال اونیا صیقل»، استاد رهنمای بنده که در حقیقت رهنمائی های  
استاد عالیقدر یک بخش دیگری از اندوخته های علمی ام بود که در غنا مندی تجارب  
زندگی ام اثر گذاشت و هکذا تشکر از ترغیب استادان محترم پوهنتون طبی کابل و  
پوهنهی شرعیات بالخصوص پوهاند دوکتور عبدالله نور عباد که با دقت و حوصله مندی  
زیاد رساله ترجمه شده را مطالعه نموده و زحمات زیاد را متقبل شدند، برای همه شان از  
الله اجر عظیم را خواهانم.

با احترام

پوهیالی احمد خالد عزیز







## فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۱	مقدمه
۷	سرپرستی زنان توسط مردان
۱۱	تعلیم برای خانواده
۱۱	سرپرستی مرد از تمام اعضای خانواده
۱۲	خوش رفتاری با زنان و عدم خشونت بر آن ها
۱۷	در مورد ویژگی ها و شوائب عقلی و دینی زنان
۲۱	تیز هوشی زنان
۲۳	خود داری از عدم شکر و ناسپاسی
۲۵	خود داری از بد پنداشتن خانم توسط شوهر
۳۴	خوش رفتاری توأم با تشویق نمودن بر عبادت
۴۱	تفریح و خوش طبعی وقتا فوقتا
۴۲	تشویق نمودن اهل و عیال بر عبادت
۴۴	تشویق خانم به آرایش و تشویق شوهر به مباشرت
۴۹	ترک همبستر شدن با شوهر گناه کبیره است

۴۹	خودداری از گیر ماندن در چنگ زنان
۵۲	اصلاح خانم هنگام کجروی و ستمگری
۵۴	حدود رضایت شوهر
۵۷	اساس و میانه روی در معیشت
۵۸	پیامد های ناگوار تشدد و بُخل
۵۹	عدم بدگمانی همراه احتیاط و محافظه کاری
۶۱	حکم دروغ گفتن میان زن و شوهر
۶۳	منظور از تنبیه نمودن بدنی زنان
۶۷	صلح میان زن و شوهر
۷۰	انجام دادن امور منزل توسط خانم و کمک نمودن شوهر با وی
۷۳	مثالی که می باید آن را سرمشق قرار داد
۷۸	صبر و سپاسگزاری
۸۳	نصائح گهر بار در مورد فضائل اعمال و خُلق نیکو
۸۵	سخنانی برای شوهر
۸۷	سخنانی برای خانم
۸۹	سخنانی برای زن و شوهر
۹۰	لحظه ای با فرزندان

- ۱۰۶ سخنانی برای فرزندان
- ۱۰۸ سخنانی برای تمام اعضای فامیل
- ۱۱۱ خاتمه (سخنان پایانی)



## مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ  
وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. أَمَا بَعْدُ:

بدون شك که یگانه راه نجات، سعادت و خوشبختی تمام انسان ها در تمسک به  
قرآن کریم و سنت رسول صلی الله علیه وسلم است که هیچ مؤمن و عاقلی در آن شک  
ندارد، الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ  
يُحْشَرُونَ ﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: ما هیچ چیزی را در کتاب فرو گذار نکرده ایم سپس [همه] به سوی  
پروردگارشان محشور خواهند گردید.

همچنان الله متعال فرموده است: ﴿ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ  
مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ ﴾<sup>۲</sup>

ترجمه: این (قرآن) رهنمودی است و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار کردند  
بر ایشان عذابی دردناک از پلیدی است.

و فرموده است: ﴿ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴾<sup>۳</sup>

ترجمه: این [کتاب] برای مردم بینش بخش و برای قومی که یقین دارند رهنمود و  
رحمت است.

احادیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیانگر آیات قرآن کریم و وحی (خفی)  
است که الله متعال در مورد آن می فرماید: ﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ،  
عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴾<sup>۴</sup>

۱- الأنعام/ ۳۸

۲- الجاثية/ ۱۱

۳- الجاثية/ ۲۰

۴- النجم/ ۵-۳

ترجمه: و (پیامبر) از سر هوس سخن نمی‌گوید، این سخن بجز وحی که وحی می‌شود نیست، آن را [فرشته] شدیداً نیرومند به او فرا آموخت.

بنا برآن بر هر فرد خیر اندیش لازم است که به تمام معنی در حد توان، اهتمام و توجه خود را به قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم مبذول داشته و خود را به مرحله فقاہت در دین به طوری برساند که نصوص شرعی را در جایگاه مناسب آن قرار دهد، در این صورت است که انسان به خوبی اهمیت فرموده الله متعال را درک نموده که می‌فرماید: ﴿يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَدْرِكُهُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾<sup>۵</sup>

ترجمه: (خدا) به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان (برای او) داده شده است؛ جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد.

نیز در همین صورت است که انسان میزان اهمیت قول رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را درک می‌کند که فرموده است: ﴿مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُقَفِّهِ فِي الدِّينِ﴾<sup>۶</sup>

ترجمه: شخصی را که خداوند به او اراده خیر کند، در دین دانشمندش می‌سازد. هرگاهی که خداوند متعال برای انسان علم قرآن و حدیث را آموختاند و انسان به مفهوم حدیث صحیح و ضعیف پی برد و از طرف خداوند منان مورد احسان قرار گرفت که به قرآن و حدیث معرفت فقهی حاصل نماید و در عین زمان خداوند متعال، اخلاص و عمل را نصیب وی گردانید، این جاست که انسان سعادت دنیا و آخرت را کسب نموده و در تعامل خود با مخلوقات (از امتحانات زندگی) پیروز و سرفراز بدر می‌آید، پس فقاہت در قرآن و حدیث یک امر مهم و اساسی است که سبب پیروزی انسان در تمام شئون زندگی وی گردیده و باعث تقرب به درگاه الله سبحانه و تعالی می‌گردد.

۵- {البقرة/۲۶۹}

۶- محمد بن اسماعیل ابو عبدالله البخاری الجعفی (۱۴۲۲ هـ.ق). الجامع المسند الصحیح، محقق: محمد زهیرالناصر، دار طوق النجاة، جلد (۳)،



موضوع پیش رو، یکی از همان موضوعات مهم و اساسی است که هر انسان، نیازمند به دانستن آن می باشد، زیرا این موضوع متعلق به (حقوق و واجبات) پدر، فرزند، مادر، دختر، شوهر، خانم و طفل بوده که تمام اعضای فامیل از آن بهره مند گردیده و هرکدام آن ها (با درک جایگاه و مسئولیت خود) نقش خویش را در خانواده ایفا می نمایند. این کتاب بیانگر مسائل فقه خانوادگی است، من از این جهت آن را انتخاب نمودم که تمام اعضای خانواده حق و حقوق یک دیگر را در روشنایی قرآن کریم، احادیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و سیره ای سلف صالح؛ به شکل صحیح و درست درک نموده و زندگی خود را مطابق آن عیار نمایند؛ این عمل باعث خواهد شد که هر عضو خانواده راه درست را پیش گرفته و به سبب آن به سوی بهشت جاویدان راه یاب گردد.

من در گام نخست خودم، سپس تمام خوانندگان گرامی را تشویق می کنم که از درگاه رب العلمین مغفرت بخواهند، زیرا گناه باعث می شود که انسان از فهم و برداشت دور مانده و بر قلب وی لکه های سیاه ایجاد گردد چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد آن فرموده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذُنَبَ كَانَتْ نَكْتَةٌ سَوْدَاءُ فِي قَلْبِهِ فَإِنْ تَابَ وَنَزَعَ وَاسْتَعْفَرَ صَبَلَ قَلْبُهُ وَإِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى يَعْلُوَ قَلْبُهُ ذَاكَ الرَّيْنُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ»<sup>۷</sup>

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۸</sup>

یعنی مؤمن چون گناهی کند لکه های سیاه در دل وی پدید آید، پس اگر توبه کرد و از آن باز ایستد و آمرزش خواست دل وی از آن نکته زدوده و پاک می شود، و اگر گناه زیاد کند سیاهی آن زیاد می شود تا بر دل وی غالب گردد و آن همان (آلودگی) است که حق تعالی گفته است: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۹</sup>

ترجمه: نه چنین است بلکه آنچه مرتکب می شدند زنگار بر دلهايشان بسته است.

۷- أخرجه احمد، (۲/۲۹۷) یاساند حسن، من حدیث ابی هریره رضی الله عنه.

۸- (المطفین/۱۴).

۹- (المطفین/۱۴).

بدین معنا اصلاً کردار و تلاش پلید و زشت ایشان دل‌های شان را زنگ زده کرده است و همچون زنگاری بر قلوب‌شان نشسته است و راه‌های هدایت را بر روی ایشان بسته است.

گناه و آلودگی در پلیدی‌ها باعث زوال نعمت و سبب فراهم شدن مصیبت‌ها می‌گردد، الله رب‌العزت فرموده است: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾<sup>۱۰</sup>

ترجمه: و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد.

الله متعال فرموده است: ﴿فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ وَبِصَدُّهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا﴾<sup>۱۱</sup>

ترجمه: پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم.

جهل و نادانی در مورد قرآن کریم و احادیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم یک مصیبت است اما تقوی و پرهیزگاری باعث می‌شود که انسان در مورد قرآن کریم و احادیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم علم حاصل کند، طوری که الله تعالی فرموده است: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمِكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۱۲</sup>

ترجمه: و از خدا بترسید (اوامر و نواهی او را پیش چشم دارید) و خداوند (آنچه را که به نفع شما یا به زیان شما است) به شما می‌آموزد، و خداوند به آنچه که انجام می‌دهید آگاه است.

توصیه نگارنده بر ای تمام خوانندگان کتاب مذکور این است که همواره (بخصوص زمانی که از محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم نامبرده می‌شود) بر وی صلی‌الله‌علیه‌وسلم درود بفرستند، زیرا فرشته‌هایی وجود دارند که درود ما و شما را به او انتقال می‌دهند.

۱۰- {الشوری/۳۰}

۱۱- {النساء/۱۶۰}

۱۲ {البقره/۲۸۲}

محمدصلی الله علیه وسلم نیز فرموده اند: « مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ عَشْرًا »<sup>(۱۳)</sup>.

یعنی کسی که بر من یک بار درود بفرستد، خداوند متعال بر او ده بار درود می فرستد.

در پایان قابل یاد آوری میدانم که این کتاب در اصل عبارت از لکچر هایی بود که بنده آنها را در

شهر (منصوره) جمهوری عربی کشور مصر، ارائه نمودم که مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت و از من خواسته شد که در سائر شهر های دیگر آن را ارائه نمایم، بعد از آن، تمام لکچر های ارائه شده خود را ویراستاری نموده، احادیث آن را تخریج و اضافاتی که لازم بود در آن وارد نمودم تا من حیث یک کتاب مفید برای چاپ آماده گردد. من از خداوند منان آرزو دارم که این عمل بنده را به درگاه خود قبول فرموده و توسط آن خانواده خودم و خانواده های تمام مسلمان را از آن بهره مند گردانیده و توفیق دهد.

نویسنده: ابو عبد الله / مصطفی بن العدوی شلبای مصر - الدقهلیة - منیة سموند.



## سرپرستی زنان توسط مردان

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾<sup>۱۴</sup>

ترجمه: مردان سرپرست زنانند.

خانواده، نیازمند سرپرست و رئیسی است که امور آن را سامان بخشد و در مواقع گوناگون، با تصمیم‌گیری صحیح، مشکلات آن را برطرف سازد و تا زمانی که بر گناه دستور نداده باشد، لازم است که از رئیس خانواده اطاعت شود، بدون شک شخصی که در اسلام، من حیث رئیس خانواده معین مرد می باشد که از طرف خداوند متعال تعیین گردیده است. آیه (۳۴) سوره نساء تبیین کننده دیدگاه قرآن درباره سرپرستی خانواده است که الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾<sup>۱۵</sup>

ترجمه: مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموال شان خرج می‌کنند.

در آیه فوق، قیومیت مردان بر زنان به دو علت مبتنی شده است:

۱. این که خداوند به مردان برتری‌هایی داده است که آنها را نسبت به زنان قیّم می‌گرداند. یعنی مردان نسبت به زنان دارای قوت جسمی بیشتر، رجحان عقلی،

---

۱۴- {النساء / ۳۴}

۱۵- {نساء: ۳۴}

صلابت و شکیبایی اند، همین طور نبوت<sup>(۱۶)</sup> و خلافت<sup>(۱۷)</sup> را از ویژگی آنها قرار داده است، شهادت دو زن مساوی به شهادت یک مرد است و مردان نسبت به زنان در مورد میراث دارای حقوق بیشتر اند و نیز مردان حق دارند که با چهار خانم ازدواج نمایند، طلاق، نکاح و رجعت مربوط به مردان می شود، اولاد نیز به پدر منسوب می گرداند<sup>(۱۸)</sup>، جهاد را بر مردان فرض نموده است، همین طور امر به معروف و نهی از منکر بر عهده مردان است<sup>(۱۹)</sup> و بسا موارد دیگر که مختص به مردان است نه زنان، تمام موارد یاد شده، نمایانگر برتری مردان بر زنان (در امور سرپرستی) می باشد.

این که مردان از مال خود، نفقه زنان را می پردازند و بدین دلیل، مسلط بر زندگی آنها می شوند. سبب آن فرموده الله تعالی است: { وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ } النساء/۲۴. که قبلاً ترجمه شد، بنا بر آن مرد از ابتدای عقد نکاح مکلف به انفاق بر زن بوده که پرداخت مهر، خوراک، پوشاک، تهیه مسکن و غیره بر وی واجب می گردد<sup>(۲۰)</sup>، حتی در صورت وقوع طلاق واجباتی از قبیل غذا و مسکن تا مدتی بر مرد لازم است.

۱۶- طوری که الله تعالی فرموده است: (وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) الأنبياء/۷. ترجمه: و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می کردیم گسیل نداشتیم اگر نمی دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی بپرسید.

۱۷- پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است (لن يفلح قوم ولو امرهم امرأة) یعنی قومی که زن را، سرپرست خود قرار دهند هرگز رستگار نمی شوند.

۱۸- بجز در حالات استثنائی و موارد اندکی.

۱۹- در مواردی که مشکل ایجاد نشود، زنان نیز می توانند که مردم را امر به معروف و نهی از منکر نمایند، زیرا در کتاب های صحیح البخاری و مسلم روایت است که یک زن از راه عبور می کرد و مردم را دید که امام آنها عمرو بن سلمة از نداشتن لباس کافی هنگام سجده عورت او ظاهر می شود، زن مذکور آنها را به پوشانیدن عورت برای امام شان دعوت داد.

۲۰- معلوم می شود که ریاست مرد بر خانواده می تواند در موارد خاص تغییر کند؛ چراکه این ریاست بر فضیلت عقلی و اخلاقی و نیز قدرت بر انفاق مرد مبتنی شده است در برخی موارد، زنان هم می توانند این نقش را بر عهده بگیرند؛ بنابراین، اصل ریاست مرد بر خانواده پذیرفته شده است و مرد قیّم و صاحب اختیار تام زن نیست. صحّت انتخاب مرد به عنوان سرپرست و مدیر خانواده برتری های جسمانی و عقلی اقتصادی مرد است که به او قدرت انفاق می دهد، ولی این ریاست مطلق نیست که می باید به آن توجه داشت.

بنا بر دو سببی که قبلا بیان شد مردان حق سر پرستی زنان را دارند که الله تعالی آن را در کتاب خود تذکر داده می‌فرماید: ﴿بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾<sup>۲۱</sup>

آیت قبلا ترجمه شد، اما متباقی آیت قرآنکریم تاکید آن را بیشتر می‌کند که فرموده است: (وَلِكُلِّ رَجَالٍ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)<sup>۲۲</sup>

ترجمه: مردان بر آنان (زنها) درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است.

حدیث ذیل نیز همین معنی را مورد تاکید بیشتری قرار می‌دهد که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لو كنتُ امرأةً أحدًا أن يسجدَ لأحدٍ لأمرتُ المرأةَ أن تسجدَ لزوجها» (۲۳)

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر کسی را دستور می‌دادم تا به دیگری سجده کند، زن را دستور می‌دادم تا به شوهرش سجده کند.

در حدیث دیگری که آن را ابوسعید خدری روایت نموده، شخصی با دختر خود نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد که ای رسول الله، این دختر من نمی‌خواهد که ازدواج نماید، پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دختر فرمود: از پدر خود اطاعت کن، دختر گفت: نه خیر، من زمانی از پدر خود اطاعت می‌کنم که بدانم حق شوهر بر خانمش چیست؟ همین سخنان خود را چندین بار تکرار کرد، بالاخره رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: حق شوهر بر خانم این است که اگر شوهر زخمی شود و یابینی او متورم شود؛ اگر خانمش آن را با دهان خود هم پاک کند، باز هم حق وی را ادا نکرده است.

۲۱- [نساء: ۳۴]

۲۲- البقره/۲۲۸.

۲۳- ترمذی وقال: حدیث حسن صحیح.

دختر در پاسخ گفت: قسم به الله که هرگز به ازدواج تن نخواهم داد: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: دختران را بدون اجازه آن ها به ازدواج ندهید<sup>(۲۴)</sup>.

همچنین زمانی که از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام یکی از زنان بهتر است؟ فرمود: «الَّذِي تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ وَلَا تُخَالِفُهُ فِيمَا يَكْرَهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ» یعنی بهترین زن آنست که چون شوهرش بدو ننگرد مسرورش سازد، چون به او فرمان دهد اطاعتش نماید و در عدم حضورش از مال و آبروی او محافظت کند<sup>(۲۵)</sup>.

همین طور زن نباید بدون اجازه شوهر خود به روزه های نفلی مبادرت ورزد و نباید بدون اجازه او کسی را اجازه داخل شدن به خانه دهد و نباید بدون اجازه او به مسجد برود، نباید از همبستر شدن با او (در صورت تقاضا و بدون عذر) ممانعت ورزد، ورنه فرشته ها بر وی نفرین می فرستند، الله تعالی از وی نا راض می شود (۲۶).

بر علاوه در این مورد دلایل فراوان دیگری وجود دارد که بر سر پرستی مردان تاکید دارند و جای اعتراض هم برای زنان وجود ندارد، زیرا احکام مذکور از جمله تقسیمات الهی است که به تمام امور آگاهی دارد و بهتر می داند، در اینجا آیت دیگری است که الله جل جلاله فرموده است: ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾<sup>۲۷</sup>

ترجمه: آنچه را خداوند به [سبب] آن بعضی از شما را بر بعضی (دیگر) برتری داده آرزو مکنید برای مردان از آنچه (به اختیار) کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان (نیز) از آنچه (به اختیار) کسب کرده اند بهره ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی داناست.

۲۴ - مسند احمد، ابن ابی شیبیه، المصنف، ۳۰۳/۴، البیهقی، سنن الکبری، ۲۹۱/۷.

۲۵ - مسند احمد، ۲۵۱/۲. با اسناد صحیح، همراه با شواهد.

۲۶ - صحیح البخاری و صحیح مسلم

۲۷ - ﴿النساء ۳۲﴾.



## تعلیم برای خانواده

مرد می‌باید در قسمت تعلیم اهل و عیال خود مبادرت ورزد و تمام چیزهایی که برای آن‌ها در امور دین و دنیا نیاز باشد می‌باید آن را برای ایشان بیاموزاند، زیرا الله سبحانه و تعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾<sup>۲۸</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسان تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگها است حفظ کنید بر آن (آتش) فرشتگانی خشن (و) سختگیر (گمارده شده) اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سربیزی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند.

در جای دیگر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای مالک بن حویرث و همراهان او فرمود: «ارْجِعُوا إِلَىٰ أَهْلِكُمْ فَأَقِيمُوا فِيهِمْ، وَعَلِّمُوهُمْ وَمُرُوهُمْ»<sup>(۲۹)</sup>

به خانواده‌های خود برگردید، با آنها بود و باش نمایید و برای ایشان تعلیم داده و آن‌ها را به (خوبی‌ها) امر نمایید.

## سرپرستی مرد از تمام اعضای خانواده

سرپرستی مرد منحصر به خانم او نبوده بلکه مرد مسئول تمام اعضای خانواده خود است، زیرا الله جلّ جلاله فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾<sup>۳۰</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسان تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگها است حفظ کنید بر آن (آتش) فرشتگانی خشن (و) سختگیر (گمارده

۲۸- ﴿التحریم/۶﴾.

۲۹- صحیح مسلم ۶۱۱/۳. البخاری (۵۱۹۴).

۳۰- ﴿التحریم/۶﴾.

شده) اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْإِمَامُ رَاعٍ، وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا، وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»<sup>(۳۱)</sup>.

همه‌ها شما شبان‌اید، همه‌ها شما مسئول رعیت خویش هستید. امام شبان است و مسئول رعیت خویش است و مرد در خانواده اش شبان است و مسئول است از رعیت اش و زن در خانه شوهرش شبان است و مسئول است از رعیت اش، خادم در مال آفایش شبان است و مسئول است از رعیت اش و همه‌ها شما شبانید و مسئول رعیت خویش هستید.

### خوش رفتاری با زنان و عدم خشونت بر آن‌ها

معنی سرپرستی و قوامت این نیست که مرد هرچه بخواهد آن را بر خانم و اعضای خانواده خود تحمیل، نموده تند خوی و سخت دل باشد، بلکه او می‌باید نرم خوی، برده‌بار و حلیم باشد، پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم با داشتن اخلاق پسندیده عالی که مؤظف به پیروی از وی هستیم، الله تعالی او را از روش نرم و ملایم بر خور دارگر دانیده و او را به نرم رفتاری با مؤمنان دستور داده بود که می‌فرماید: «فِي مَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَكَوْنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفِصُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»<sup>۳۲</sup>

ترجمه: پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برایشان

۳۱- متفقاً علیه، به روایت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما.

۳۲- آل عمران/۱۵۹

آمزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد و فرموده است: ﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳۳</sup>

ترجمه: و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند بال خود را فرو گستر (متواضع باش).

پیا مبر اکرم صلی الله علیه وسلم به ملاطفت و رفتار نرم دستور داده است می فرماید: (عَلَيْكَ بِالرِّفْقِ) ۳۴.

ترجمه: یعنی نرم خوی و حلیم باش.

پیا مبر اکرم صلی الله علیه وسلم به رفتار نرم تشویق نموده است که می فرماید: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ، وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانُهُ» ۳۵.

ترجمه: نرم رفتاری در هیچ چیزی نمی باشد، جز اینکه آن را زینت می دهد و از هیچ چیزی بدور نمی شود، مگر اینکه آن را زشت می سازد، همین طور فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ» ۳۶.

یعنی همانا خداوند نرم رفتار است و نرم رفتاری را در همه کارها دوست می دارد.

پیا مبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ، وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ» ۳۷.

یعنی هر آئینه خداوند نرم رفتار بوده و نرمش را دوست می دارد و در برابر نرم رفتاری ثوابی می دهد که به سخت رفتاری و دیگر کارها نمی دهد.

---

۳۳- الشعراء/ ۲۱۵

۳۴- صحیح البخاری، از عائشة رضی الله عنها.

۳۵- صحیح مسلم (۲۵۹۴) ز

۳۶- صحیح البخاری (۶۰۲۴).

۳۷- صحیح مسلم (۲۵۹۳).

پس طوری که قبلاً گفته شد از اینکه الله تعالی زن را مکلف به اطاعت از شوهر اش نموده است، در مقابل می باید که مرد هم نرمش و سهولت اختیار نموده و از رفتار خشن و ناملایم اجتناب ورزد.

از اینکه الله تعالی خانم را سبب سکون و آرامش شوهر قرار داده است پس شوهر می باید که مهربان بوده و با او صمیمانه رفتار نماید. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>۳۸</sup>

ترجمه: و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا با آنها آرام گیرید و میان تان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾<sup>۳۹</sup>

ترجمه: اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

پس زمانی که مرد دارای خانم صالحه ای شود، در حقیقت صاحب گنج بزرگ و بهترین متاع دنیا گردیده است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد آن فرموده است: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرٌ مَتَاعِهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ»<sup>(۴۰)</sup>

یعنی دنیا همه اش متاع است و بهترین متاع دنیا زن صالحه است.

بنابر آن لازم است که مرد، مهربان، نرم دل و دارای عزت نفس و اخلاق پسندیده باشد که باز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَخَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِمْ»<sup>(۴۱)</sup>

۳۸- الروم / ۲۱

۳۹- الأعراف / ۱۸۹

۴۰- صحیح مسلم (۶۵۶/۳).

۴۱- مسند احمد و ترمذی، با اسناد صحیح.

ترجمه: یعنی کاملترین مؤمنان از حیث ایمان بهترین شان از حیث اخلاق است و بهترین شما، بهترین شما با زنان شان هستند.

زن نزد مرد مانند اسیر (امانت) است که می باید با او رویه بسیار خوب صورت گیرد.

از همین جهت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «**اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا، فَإِنَّمَا هُنَّ عَوَانٌ عِنْدَكُمْ**»<sup>(۴۲)</sup>

یعنی در حق زنان از من وصیت را بپذیرید که با آن ها نیکویی کنید، زیرا آنها نزد شما اسیرند.

و باز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «**اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا، فَإِنَّهُنَّ خَلْقٌ مِنْ ضِلْعِ أَعْوَجَ، فَإِنْ ذَهَبَتْ تَقِيمُهُ كَسَرَتْهُ، وَإِنْ تَرَكَتْهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا**»<sup>(۴۳)</sup>

یعنی در حق زنان از من وصیت را بپذیرید که نیکویی کنید؛ زیرا آنان از قبرغه کجی خلق شده اند، اگر تو بخواهی که آن را راست کنی او را می شکنی و اگر بگذاری همیشه کج می ماند، پس با آنان نیکی نمایید». در کتاب (صحیح ابن حبان) از سمره بن جندب رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«**إِنَّ الْمَرْأَةَ خَلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ فَإِنْ أَقَمْتَهَا كَسَرْتَهَا فَدَارَهَا تَعِشْ بِهَا**»<sup>(۴۴)</sup>

یعنی زن از قبرغه خلق شده است، اگر تو بخواهی که آن را راست کنی او را می شکنی، پس با زن مدارا نموده و با او (خوش) زندگی کن.

۴۲- ترمذی، (۱۱۶۳).

۴۳- متفق علیه.

۴۴- صحیح ابن حبان، موارد الظمئان (۱۳۰۸).

الله سبحانه و تعالی در آیات متعددی امر نموده است که با زنان به نیکویی رفتار شود، طوری که فرموده است: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ﴾<sup>۴۵</sup>

ترجمه: و با آنها (زنان) به شایستگی رفتار کنید.

و فرموده است: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾<sup>۴۶</sup>

ترجمه: طلاق [رجعی] دو بار است پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشت یا به شایستگی آزاد کرد.

﴿فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾<sup>۴۷</sup>

ترجمه: اگر زنان شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است.

پس ای کسی که مغرور بر این هستی که من مرد، قوی و سرپرست خانواده هستم می باید هرچه خواسته باشم بر آن ها تحمیل نمایم، متوجه باش تا زمانی که اهل خانواده از تو اطاعت می کنند! اگر باز هم به ناحق در فکر حيله سازی هستی، الله تعالی در انتقام گرفتن حق مظلوم از ظالم والای بزرگ است.

ابن کثیر در تفسیر آیت فوق فرموده است: هرگاه خانم در امور مباح از شوهر خود اطاعت نماید.

دیگر جواز ندارد که مرد راهی را جهت سرزنش او جستجو نموده او را لت و یا از وی دوری نماید و آیت ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ تهدیدی است برای مردان یعنی در صورتی که زنان به ناحق مورد ستم قرار گیرند، الله تعالی مددگار و انتقام گیرنده آن ها است.

۴۵- النساء / ۱۹

۴۶- البقرة / ۲۲۹

۴۷- النساء / ۳۴

ابن جریر طبری به عین شکل آیت فوق را تفسیر نموده است، اما علاوه کرده است که خلاصه آن چنین می‌شود: در صورتی که زن شوهر خود را دوست نداشته باشد اما از وی اطاعت می‌کند مرد حق ندارد که خانم خود را به دوست داشتن خود وادار نماید، زیرا این کار خارج از توان وی است. والله اعلم

## در مورد ویژگی‌ها و شوائب عقلی و دینی زنان

یکی از رمزهای موفقیت زندگی زنا شوهری، شناخت متقابل از همدیگر است تا با خوی و خصلت همدیگر معرفت حاصل نموده و بدانند که کدام عوامل سبب رضایت و کدام عوامل سبب عدم رضایت همدیگر می‌شود، زمانی که زن آن را دانست می‌باید که در امور مشروع از شوهر خود اطاعت نموده و از مواردی که سبب خشم شوهر می‌گردد (در حدود شرع) از آن اجتناب نماید و به این اساس زندگی سالم و مملو از خوشی‌ها را داشته باشند و بر مرد هم لازم است که ویژگی‌های همسر خود را درست بداند تا اینکه امور وی را درست تدبیر نموده و رفتار مرد سبب شود که رضایت خداوند شامل حال تمام اعضای خانواده گردد، همین‌طور لازم است که اعمال مرد سبب خوشبختی و نجات خانم، اولاد آنها در آخرت نیز گردد. بنا بر آن مرد می‌باید بداند که زنان دارای ویژگی عدم پختگی عقل و نارسائی‌ها دینی هستند، زیرا به روایت صحیح از ابی‌خدری رضی‌الله عنه روایت نموده که رسول اکرم صلی‌الله علیه وسلم در خطاب به زنان فرموده است: «یا معشر النساء تصدقن، واکثرن من الاستغفار، فإني رأيتكن أكثر أهل النار» «قالت امرأة منهن: مالنا أكثر أهل النار؟ قال: «تكثرن اللعن، وتكفرن العشير ما رأيت من ناقصات عقل ودين أغلب لدي لب منكن» «قالت: ما نقصان العقل والدين؟ قال: «شهادة امرأتين بشهادة رجل، وتمكث الأيام لا تُصلي» (۴۸)

یعنی ای گروه زنان صدقه دهید و استغفار زیاد کنید، زیرا من شما را اکثر اهل دوزخ دیدم. زنی از آنها گفت: چرا ما اکثر اهل دوزخ باشیم؟

فرمود: شما لعنت را زیاد گفته و کفران نعمت شوهر را می نمائید، ندیدم از ناقصات عقل و دینی که زود تر از یکی از شما عقل انسان عاقل را از میان ببرد. گفت: نقصان عقل دین ما چیست؟ فرمود: شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است و روزهای متعددی (عادت ماهانه حیض و نفاس) درنگ کرده و نماز نمی گزارد. آیت ذیل نیز مؤید سخنان فوق می باشد که الله سبحانه و تعالی فرموده است: **وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا**،

ترجمه: و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

بسیاری از مفسرین منظور از آیت فوق زنان و اطفال را تذکر داده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: **«المرأة كالضلع إن أقمتهما كسرتهما، وإن استمتعت بها، استمتعت وفيها عوج» (۵۰)**.

یعنی زن مانند استخوان پهلو است، اگر راستش کنی، آنرا شکسته ای و اگر از آن استفاده کنی با کجی اش از آن باید استفاده کنی.

و در حدیث قبلی بیان شد که اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: **«استوصوا بالنساء خیرا، فإنهنّ خلقتن من ضلع أعوج، فإن ذهبت تقیمه کسرته، وإن ترکته لم یزل أعوج فاستوصوا بالنساء خیرا» (۵۱)**

یعنی در حق زنان از من وصیت را بپذیرید که نیکویی کنید؛ زیرا آنان از قبرغه کجی خلق شده اند، اگر تو بخواهی که آن را راست کنی او را می شکنی و اگر بگذاری همیشه کج می ماند، پس با آنان نیکی نمایید.



الله تعالی فرموده است: ﴿أَوْ مَن يَنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرَ مُبِينٍ﴾<sup>۵۲</sup>  
ترجمه: آیا کسی [را شریک خدا می‌کنند] که در زر و زیور پرورش یافته و در  
[هنگام] مجادله بیانش غیر روشن است و نیز فرموده است: ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ  
عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۵۳</sup>

ترجمه: مردان بر آنان (زنها) درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است.

تمام موارد یاد شده نمایانگر کاستی های عقلی و دینی زنان است که می باید مرد  
ها آن را بدانند و زن ها را درست درک نمایند؛ تا مرتکب رفتاری نشوند که شیرازه زندگی  
آنان را برهم زند، زیرا این یک امری است که هیچ انسان عاقل با انسان کم خرد است،  
مجنون و طفل، رفتاری را انجام نمی دهد که سبب تشنج گردد و نیز بلکه عقل آن ها را  
نگاه کرده و مطابق به عقل با ایشان برخورد می نماید، پس اگر مرد عاقلی با طفل در گیر  
شود، دیگران او را ملامت نموده و می گویند که این آدم هوشیار خود را با یک طفل نادان  
برابر می کند. الله تعالی فرموده است: ﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾<sup>۵۴</sup>

ترجمه: چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند.

بنا بر آن نباید مرد خود را با زن یک سان نماید و در مقابل اشتباهات اندکی او را  
سرزنش کند، طور مثال اگر خانمی مرتکب ده اشتباه شود مرد می باید که سه الی پنج آن  
را در نظر گرفته واز متباقی اشتباهات او چشم پوشی نماید، زیرا اگر تمام اشتباهات خانم  
خود را جدی بگیرد، این به آن معنی است که موصوف عقل خود را با عقل خانمش یک  
سان می داند که دلالت بر سفاهت و بی خردی او می کند از همین جهت است که عبد  
الله بن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا گفته است، من نمی خواهم که تمام حقوق خود را از همسر  
مطالبه نمایم بلکه از برخی حقوق خود چشم پوشی می کنم<sup>(۵۵)</sup>

۵۲- {الزخرف / ۱۸}

۵۳- البقره / ۲۲۸.

۵۴- {الفرقان / ۷۲}.

۵۵- به روایت طبری، با سندی که زیاد قوی به نظر نمی آید.

زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است: (وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)<sup>۵۶</sup>

ترجمه: مردان بر آنان (زنها) درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است.

همین طور الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْحَبِيرُ﴾<sup>۵۷</sup>

ترجمه: چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت و همین که وی آن را [به زن دیگر] گزارش داد و خدا [پیامبر] را بر آن مطلع گردانید [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود پس چون [مطلب] را به آن [زن] خبر داد وی گفت چه کسی این را به تو خبر داده گفت مرا آن دانای آگاه خیر داده است.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای برخی خانم های خود که بهترین خانم ها بودند، سخنان پنهانی را گفت و تاکید نمود که به دیگر خانم هایش گفته نشود، اما آنها سخنان پیامبر صلی الله علیه وسلم را برای دیگر خانم های او نیز رسانیدند؛ با وجود آن زمانی الله تعالی، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را از این موضوع با خبر نمود، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مقابل خانم های که چنین کاری نموده بودند رویه ملایم را اختیار نموده و تمام سخنان آن ها را به روی ایشان نیاورد بلکه صرف برخی از آن ها را یا آوری نموده و از برخی دیگر آن خویشتن داری نشان داد که الله سبحانه و تعالی موضوع را چنین یاد آورنده است: ﴿عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ﴾<sup>۵۸</sup>

یعنی [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود.

از آیات دیگر قرآن کریم هم معلوم می شود که الله سبحان و تعالی انسان های صاحب فضیلت را نسبت به کسانی که از آن ها در درجه پائینی قرار دارند به عفو و گذشت تشویق نموده است که می فرماید: ﴿وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي

۵۶- البقره/۲۲۸.

۵۷- التحريم/۳

۵۸- التحريم/۳

الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٩﴾

ترجمه: و سرمایه‌داران و فراخ دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهی‌دستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند مگر دوست ندارید که خدا شما را ببخشد؟ و خدا آمرزنده مهربان است.

### تیز هوشی زنان

در این جا مناسب است که مردها در مورد حيله و تلبیس های زنان نیز آگاهی حاصل نمایند زیرا زنان معمولاً به عملی تظاهر نموده اما بر خلاف آن؛ طور مخفیانه، عمل دیگری را انجام می دهند، گرچند این عمل در مورد مرد ها نیز صدق می کند اما زنان بهره ای بیشتری از آن می برند؛ به این ترتیب احیانا زنان کاری را انجام داده و آن را به پای دیگری چسپ می زنند، به طور مثال: خانم عزیز مصر که الله تعالی در مورد او فرموده است: ﴿وَرَأَوْتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْٓ اَحْسَنَ مَثْوَايَ اِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّآىٓ بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهٗ السُّوْءَ وَالْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ ﴿٢٤﴾ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهٗ مِنْ دُبُرٍ وَّالْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ اَرَادَ بِاَهْلِكَ سُوْءًا اِلَّا اَنْ يُسَجَّنَ اَوْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٢٥﴾﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد و درها را [پیبایی] بست و گفت بیا که از آن توام [یوسف] گفت پناه می برم به خدا، او آقای من است به من جای نیکو داده است قطعا ستمکاران رستگار نمی شوند و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می کرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود و در

۵۹- {النور/۲۲}.

۶۰- یوسف/۲۳-۲۵

حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می کرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند آن گفت کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود.

صحیح البخاری از عائشه صدیقه روایت نموده که رسول خدا در دوران بیماری خود فرمود به او فرمود: به ابوبکر بگویند برای مردم نماز بخواند. عائشه گوید: من گفتم: ابوبکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدت گریه او [قرائت را] نمی شنوند! پس به عمر دستور دهید برای مردم نماز بخواند.

عائشه در ادامه می گوید: به حفصه گفتم: به پیامبر بگو که ابوبکر وقتی در جایگاه شما بایستد، مردم از شدت گریه [او قرائت را] نمی شنوند.  
پس به عمر دستور دهید که برای مردم نماز بخواند.

حفصه این کار را انجام داد. در این حال رسول خدا به حفصه فرمود: ساکت شو! شما همچون زنان اطراف یوسف هستید. به ابوبکر بگویند برای مردم نماز بخواند. در این هنگام بود که حفصه به عائشه گفت: هیچ خیری از تو ندیدم. وجه استدلال از حدیث فوق این است که صحیح البخاری در کتاب المغازی از عائشه روایت نموده که گفته است: هدف من از گفتارهای فوق صرف این بود که نمی خواستم پدرم بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بار خلافت را به عهده گیرد.

بخاری و مسلم از عائشه روایت نموده که گفته است: زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم عزم سفر می نمود؛ میان خانم های خود قرعه کشی میکرد، که در یکی از روزها قرعه به نام من و حفصه بر آمد، ما همراهی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم همسفر بودیم و هنگام شب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با عائشه صحبت می کرد، حفصه (در غیاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم) به عائشه گفت: ممکن است که من و خودت شتران خود را عوض نماییم؟ عائشه گفت بلی! هر دو آن ها از شتران خود پایین شدند، عائشه بر شتر حفصه سوار شد و حفصه بر شتر عائشه، زمانی که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

آمد فکر کرد که عائشه بر همان شتر قبلی سوار است نزد او رفت و سلام داد سپس به سفر خود ادامه دادند اما خبر نبود که این حفصه است! زمانی که از شتر پایین شدند حفصه پاهای خود را داخل گیاهی نموده و گفت: پرودگارا! بر من گژدم یا ماری را مسلط کن، چون او (پیامبر است) برایش چیزی گفته نمی توانم<sup>(۶۱)</sup>.

اما احیانا حيله و تلبیس زنان در امور خیریه نیز می باشد طور مثال: صحیح مسلم از اسماء بنت ابی بکر و خانم زبیر رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا روایت نموده که فرموده است: من گاهی به عوض زبیر خدمت بیت الله را انجام می دادم، شخصی نزدم آمد و گفت: اگر اجازه بدهید که در سایه خانه تان چیزی بفروشم و کسب در آمد داشته باشم، من برایش گفتم: اگر من اجازه دهم شوهرم زبیر این اجازه را نمی دهد، پس وقتی بیا که خود زبیر حضور داشته باشد، زمانی که شخص مذکور در حضور داشت زبیر رضی الله عنه آمد و گفت: ای مادر عبد الله! اگر اجازه بدهید که در سایه خانه تان چیزی بفروشم و کسب در آمد داشته باشم، اسماء برایش گفت: آیا در تمام مدینه همین یک خانه ما سایه دارد؟ جای دیگری برایت پیدا نمیشه؟ زبیر به طرف خانم خود اسماء نگاه کرده گفت: چرا اجازه نمی دهی که این شخص مسکین از سایه خانه ما استفاده نماید و از آن طریق رزق و روزی پیدا کند؟ اسماء که در انتظار همین فرصت بود) برایش اجازه داد که در سایه خانه آن ها فروش نماید، بعد از مدتی شخص مذکور پول دار گردید و اسماء یک کنیز خود را نیز برای او فروخت، هنوز پول را جا بجا نکرده بود که زبیر رضی الله عنه وارد خانه گردید و برای خانمش اسماء گفت: این پول را برای من بخشش کن! اسماء گفت: من این پول را صدقه نمو

## خود داری از عدم شکر و نا سپاسی

زمانی که مرد احیانا عمل نا خوشایندی را انجام دهد نباید خانم فوراً تمام خوبی های شوهر خود را نادیده گرفته و از او ناسپاسی کند، پیامبر صلی الله علیه وسلم شدیداً در این مورد هشدار داده و آن را سبب دخول جهنم دانسته است، در زمان رسول اکرم صلی

۶۱- صحیح البخاری (۵۲۱۱) و صحیح مسلم (۲۲۴۵).

الله علیه وسلم روزی آفتاب خسوف نمود، پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از ادای نماز خسوف چنین فرمود: «أُرِيتُ النَّارَ فَإِذَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا النِّسَاءُ يَكْفُرْنَ». قِيلَ: أَيْ كَفَرْنَ بِاللَّهِ؟ قَالَ: «يَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، وَيَكْفُرْنَ الْإِحْسَانَ، لَوْ أَحْسَنْتَ إِلَى إِحْدَاهُنَّ الدَّهْرَ ثُمَّ رَأَتْ مِنْكَ شَيْئًا، قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ»<sup>(۳۲)</sup>.

یعنی «دوزخ به من نشان داده شد، دیدم که بیشتر اهل دوزخ، زنان هستند. زیرا ناسپاسی می‌کنند». سؤال شد: آیا از خدا ناسپاسی می‌کنند؟ رسول الله ﷺ فرمود: «نه خیر از شوهران شان ناسپاسی می‌کنند». (یعنی خدمت و محبت شوهران خود را نادیده می‌گیرند). اگر تمام عمر به همسرت خدمت کنی، ولی یک بار از شما، چیزی (خلاف میلش) مشاهده کند، می‌گوید: من هرگز از تو خیری ندیده‌ام.

همچنان ترمذی با اسناد حسن حدیث دیگری را طور ذیل روایت نموده است:  
وعن معاذ بن جبل رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: « لا تُؤْذِي امْرَأَةً زَوْجَهَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا قَالَتْ زَوْجَتُهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ لَا تُؤْذِيهِ قَاتِلُكَ اللَّهُ، فَإِنَّمَا هُوَ عِنْدَكَ دَخِيلٌ يُؤْشِكُ أَنْ يُقَارِقَكَ إِلَيْنَا »<sup>(۳۳)</sup>

یعنی از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: هیچ زنی شوهرش را در دنیا اذیت نمی‌کند، مگر اینکه همسرش از حور العین می‌گوید: خدا ترا بکشد او را اذیت مکن، او مهمان تو است و زود است از تو جدا گشته به ما بپیوندد.

روایت دیگری است که حصین ابن محصن رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت نموده است: یکتن از عمه‌های من -جهت رفع مشکل خود نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد، بعد از اینکه مشکل او حل گردید، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از وی پرسید! آیا شوهر دار هستی؟ عمه من در پاسخ گفت: بلی! رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پرسید روابط تان چگونه است؟ گفت روابط ما خوب است اما من دیگر ناتوانم، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: متوجه باش که رفتارت با او چگونه است؟ شوهرت برایت جنت و یا هم آتش

۶۲- صحیح البخاری (۵۱۹۷) و صحیح مسلم (ص ۶۲۷).

۶۳- ترمذی (۱۱۷۴).

خواهد بود. (رضایت شوهرت سبب رفتن به بهشت برایت می شود و عدم رضایت او سبب رفتن ات به جهنم می گردد).

## خود داری ازبید پنداشتن خانم توسط شوهر

برای شوهر مسلمان لازم نیست که خانم مسلمان خود را نا پسند بداند زیرا؛ اگر احیانا یک عمل نا پسندی از وی سر می زند بسا اعمال پسندیده دیگری در او وجود دارد که سبب خوشنودی او می گردد<sup>(۶۴)</sup> از این جهت است که الله تعالی می فرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾<sup>۶۵</sup>

ترجمه: و با آنها (زنان) به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوش تان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می دهد.

بنا بر آن بسیار نادر است که یک خانم دارای تمام و یژگی های پسندیده باشد از همین جهت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إِنَّمَا النَّاسُ كَالْإِبِلِ الْمِائَةِ، لَا تَكَادُ تَجِدُ فِيهَا رَاحِلَةً».

یعنی مردم مانند صد شتری هستند که یک سواری در میان آنها یافت نمی شود. پس مردی یافت نمی شود که تمام خوبی ها از قبیل شجاعت، سخاوت، اخلاص، صداقت، برده باری، صبوری، تهجد، پابندی بر نوافل، صله رحمی، احترام به والدین و دیگر مواصفات در او جمع شوند، همان طوری که در میان صد شتر، یک شتر صد در صد خوب، برای سواری پیدا نمی شود، در میان این همه انسان ها، یک نفر که صد در صد خوب باشد، یافت نمی شود، همین طور ممکن نیست که تمام صفات خوب در یک خانم جمع شود، بنا بر آن اگر یک خانم زیبا باشد ممکن بد زبان باشد و یا اگر

---

۶۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « لا يَفْرُكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ » أَوْ قَالَ: « غَيْرُهُ » رواه مسلم. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هیچ مرد مؤمنی از هیچ زن مؤمنی بد نبرد، زیرا اگر اخلاقش را نمی پسندد، چیز دیگری را می پسندد. یا گفت: از غیر آن راضی می شود.

زیبا و خوش گفتار باشد ممکن است که اسراف کننده باشد و ممکن است زیبا، خوش گفتار و غیر مسرف باشد اما امکان دارد که نقصی در پختن غذا داشته باشد<sup>(۶۶)</sup>

همین طور ممکن است که تمام مواصفات فوق را داشته باشد اما در انجام عبادات و غیره... ضعفی داشته باشد، خلاصه ممکن نیست که در دنیا خانمی بدون نقص دریافت شود، پس چه باید کرد؟ همان حدیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را سر مشق خود قرار دهیم که قبلاً بیان شد و در قسمتی از آن فرموده بود: با زنان نیکویی کنید؛ زیرا آنان از قبرغه کجی خلق شده اند، اگر تو بخواهی که آن را راست کنی او را می شکنی و اگر بگذاری همیشه کج می ماند، پس با آنان نیکی نمایید» راست کردن آن طلاق دادن وی است، همین طور فرموده است: با زن مدارا نموده و با او (خوش) زندگی کن. منظور ما این نیست که در مقابل زن با تمام عیوب وی چشم پوشی کن، بلکه منظور ما این است که در قسمت اصلاح خانم خود به شیوه نیکو و ملایم؛ قدر توان خویش عمل کن (به اصطلاح طوری رفتار کن که هم لعل به دست آید و هم دل یار نرنجد) و تکراراً باید عرض نمود که این فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را می باید انسان نصب العین قرار دهد گفته است: (زن مانند استخوان پهلوی است، اگر راستش کنی، آنرا می شکنی و اگر از آن استفاده کنی با کجی اش از آن باید استفاده کنی).

از بارگاه الله تعالی خواهان استعانت و اصلاح احوال هستیم، بدون شك که تمام قدرت ها به دست خداست و حلال همه مشکلات اوست.

## خود داری از بد پنداشتن خانم توسط شوهر و

### نقش اعوذ بالله گفتن، هنگام قهر و غضب

الله تعالی در قرآن کریم فرموده است:

---

۶۶ - طور مثال به اساس روایت صحیح البخاری، خود با تمام صفات خوبی که داشت در غذا پختن مهارت نداشت، و ام المؤمنین زینب بنت جحش، با وجودی که صدقه و خیرات میکرد، دار حسن و جمال هم بود اما زیاد تندگفتار بود، همین طور عائشه رضی الله عنها، بسیار خشمناک بود..



﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ﴾ (الأعراف/۲۰۱)

ترجمه: در حقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به ایشان رسد [خدا را] به یاد آورند فوراً بدانند.

خانواده ای وجود ندارد که گاه گاهی در آن خشم و غضب بر پا نشود، حتی بهترین خانواده ها ، اما خانواده های منسجم فوراً جلو چنین حالات را می گیرند و اجازه نمی دهند که شیطان در امور آن ها دخالت نماید و شیرازه خانوادگی آن ها را برهم زند، نگاه کنید به قصه ابوبکر صدیق رضی الله عنه:

هنگامی که ابوبکر صدیق رضی الله عنه مهمانان خود را همراهی پسرش عبد الرحمن به خانه فرستاد، عبد الرحمن برای آن ها غذا آورد اما آنها قسم یاد کردند تا زمانی که ابوبکر نیامده باشد غذا نخوانند خورد، ابوبکر رضی الله عنه بعد از برگشت، می بیند که مهمانان غذا نخورده اند، بر خانواده خود و مهمانان خشم می گیرد؛ به مهمانان گفت: بخورید اما نه به خوشی یعنی چرا اینقدر وقت زیاد منتظر آمدن من بودید؟ سهم خود را می خوردید و سهم من را می گذاشتید.

به خدا سوگند من هرگز آن را نمی خورم، و خانم او نیز چنین قسمی یاد کرد و مهمانان نیز سوگند خوردند که نخورند تا وقتی که خود ابوبکر رضی الله عنه نخورد، سپس ابوبکر آیت قرآن کریم را به یاد آورده اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفته فرمود: این سوگند خوردن و عصبانی شدن من، از شیطان بود و به خوردن غذا شروع نمود، مهمانان و سایر اعضای خانواده نیز با خوشحالی به خوردن غذا پرداختند.

در روایات دیگر آمده است که: اصحاب صفه مردمی فقیر بودند و پیامبر صلی الله علیه وسلم باری فرمود: کسیکه در نزدش طعام دو نفر است باید که سومی را ببرد و کسیکه نزدش طعام چار نفر است باید پنجمی و ششمی را ببرد، ابو بکر رضی الله عنه سه نفر را آورد و پیامبر صلی الله علیه وسلم ده نفر را.

ابو بکر رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نان شب را خورده و صبر نمود تا نماز عشاء را گزارد. بعد بازگشت و وقتی آمد از شب آنچه که خدا خواسته بود، گذشته بود.

همسرش گفت: چه چیز ترا از مهمان هایت منع کرد؟ گفت: آیا هنوز نان شب را نخورده اید؟ گفت: برای شان عرضه کردیم، ولی آنها امتناع ورزیدند تا خودت بیائی. عبد الرحمن گفت: من رفتم و پنهان شدم. گفت: ای نادان! بسیار دشنام داد. گفت: بخورید نوش جان تان باد، والله هرگز از آن نمی خورم. گفت: سوگند بخدا که لقمه ای نمی گرفتیم، مگر اینکه از زیر آن بیش از آن زیاد می شد، تا اینکه سیر شدند و بیش از آنچه که بود، گردید.

ابوبکر رضی الله عنه به آن نگریسته و به همسرش گفت: ای خواهر بنی فراس این چیه؟ گفت: چیزی نیست و سوگند به روشنی چشمم که حالا سه برابر مقداری است که پیشتر بود. سپس ابوبکر رضی الله عنه از آن خورد و گفت: همانا این کار شیطان بود، یعنی سوگند خوردن ابوبکر رضی الله عنه.

سپس از آن لقمه خورده و آن را خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم برد و تا صبح نزد شان بود.

میان ما و قومی دیگر عهدی بود و مدت آن گذشت.

ما ۱۲ نفر از هم جدا شدیم که با هر مردی از آنها عده ای بودند. خداوند داناتر است که با هر نفر چقدر بودند و همه از آن خوردند.

در روایتی آمده که: پس ابوبکر رضی الله عنه سوگند خورد که از آن نخورد و همسرش سوگند خورد که از آن نخورد و مهمان سوگند خورد که از آن نخورد یا مهمان ها سوگند خوردند که از آن نخورند. بعد ابوبکر رضی الله عنه گفت: این (سوگند) از شیطان است، سپس طعام را خواسته خورد و خوردند و لقمه را بر نمی داشتند، مگر اینکه بیش از آن از زیر آن زیاد می شد. باز گفت: ای خواهر بنی فراس این چیست؟

همسرش گفت: سوگند که آن اکنون از پیش آنکه بخوریم زیادتر است. پس خوردند و آن را خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرستاد و ذکر شده که محمد صلی الله علیه وسلم از آن خورد.

در روایتی آمده که ابوبکر رضی الله عنه برای عبد الرحمن گفت: به مهمان هایت رسیدگی کن که من خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم می روم و پیش از آنکه بیایم از مهمان داری شان فارغ شو.

بعد عبد الرحمن رفته و آنچه که نزد شان بود، آورده و گفت: بخورید. گفتند: صاحب خانه ما کجاست؟

گفت: بخورید!

گفتند: تا صاحب خانه ما نیاید، نمی خوریم.

گفت: مهمانی خود را از ما بپذیرید، زیرا اگر او بیاید و شما نان نخورده باشید، ما با مقابله سختی از سوی او روبرو خواهیم شد. باز هم امتناع ورزیدند و دانستم که او بر من غضب می کند و چون آمد از او دور شدم و گفتم: چکار کردید؟ باخبرش ساختند، وی گفت: ای عبد الرحمن من سکوت کردم باز گفت ای عبد الرحمن و من سکوت کردم، باز گفت: ای نادان ترا به خدا سوگند می دهم که اگر صدایم را می شنوی حتماً بیا.

بعد بیرون آمده و گفتم: از مهمان هایت بپرس! گفتند: راست گفت، طعام را برای ما آورد.

وی گفت: پس شما حتماً انتظار مرا کشیدید، سوگند به خدا که امشب آن را نمی خورم، آنان نیز گفتند: قسم بخدا که تا خودت نخوری ما از آن نمی خوریم، پس گفت: وای بر شما! شما را چه شده که مهمانی خود را از ما نمی پذیرید؟ نان ات را بیاور، سپس نان را آورده دست خود را در آن گذاشته و گفت: بسم الله، (سوگند به نخوردن) کار شیطان بود، پس خورد و خوردند، (خود را حانث ساخت)<sup>(۳۷)</sup>. چنین اتفاقی نه تنها در خانواده

ابوبکر بلکه احیاناً حتی در خانواده محمد صلی الله علیه وسلم نیز رخ داده است، تا اینکه محمد صلی الله علیه وسلم مدت یک ماه از اهل بیت خود، در اتاق بلندی از خانه ای خود، تنها می شود. در صحیح البخاری از (ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نقل شده که می گوید:

در مورد تفسیر این آیت **إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا** (الحجرات/۴)

ترجمه: اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید [بهبتر است] واقعا دلهاي تان انحراف پیدا کرده است.

می گفت: می خواستم از عمر سؤال کنم که آن دو زنی که بر ضد رسول خدا هم پیمان شده بودند، چه کسانی بودند؛ یکسال صبر کردم و مکان مناسبی پیدا نمی شد؛ تا این که در مسافرت مکه همراه او شدم، وقتی به منطقه مر الظهران رسیدیم، عمر برای قضای حاجت رفت؛ سپس گفت: برایم آب بیاور و من برای او آب بردم، وقتی کارش تمام شد و برگشت پیش او رفتم و سؤال را مطرح کردم، سختم به پایان نرسیده بود که عمر گفت: آن دو زن عائشه و حفصه بودند، سپس افزود: به خدا سوگند ما در عصر جاهلیت برای زنان چیزی قائل نبودیم تا اینکه خداوند آیاتی را درباره آنان نازل کرد، حقوقی برای آنان قرار داد، آنها جسور شدند، در آن حدیث آمده است که عمر می گوید: بعد از این ماجرا آگاه شدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم از تمام همسرانش کناره گیری کرده، در محلی بنام (مشربه ام ابراهیم) اقامت گزیده، خدمت اش رسیدم و عرض کردم: ای رسول خدا! آیا همسرانت را طلاق گفתי؟ فرمود: نه خیر، گفتم: الله اکبر، ما جمعیت قریش پیوسته بر زنان مان مسلط بودیم، اما هنگامی که به مدینه آمدیم جمعی را دیدیم که زنانشان بر آنان مسلطند، زنان ما نیز از آنها یاد گرفتند! روزی دیدم همسرم با من مشاجره می کند، من این عمل او را عجیب و زشت شمردم، گفت: چرا تعجب می کنی؟ به خدا همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم هم با او چنین می کنند! حتی گاهی از او قهر می نمایند، و من به دخترم حفصه سفارش کردم که هرگز

چنین کاری را نکنند و گفتم اگر همسایه ات (منظور عایشه است) چنین می کند تو نکن، زیرا شرایط او با تو متفاوت است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم سوگند یاد نموده بود که مدت یک ماه نزد خانم های خود نخواهد رفت، به مدت بیست و نو شب را به تنهایی سپری نمود بعد از شب بیست و نهم نزد خانم اش عائشه صدیقه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا برگشت، عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گوید برای پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتم خودت سوگند یاد کردی که تا مدت یک ماه بر نمی گردی، من آن را حساب گرفتیم هنوز یک ماه نشده، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: این ماه بیست و نو روز است، بعد از آن الله تعالی آیت تخییر را نازل نمود که برای خانم های پیامبر صلی الله علیه وسلم حق اختیار را داده بود که پیامبر را بر می گزینند و یا هم طلاق را اختیار می کنند، پیامبر صلی الله علیه وسلم اولین بار در مورد اختیار و عدم اختیار از من آغاز نمود، من پیامبر صلی الله علیه وسلم را نسبت به طلاق برگزیدم، سپس حق اختیار را به دیگر خانم های خود عرض نمود، آن ها هم پیامبر صلی الله علیه وسلم را نسبت به طلاق برگزیدند و از گرفتن طلاق منصرف شدند.

به زندگی امیر المؤمنین علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، شخصی که خدا و رسول خدا او را دوست دارد و او خدا و رسولش را دوست دارد<sup>(۲۸)</sup> بر خانمی از اهل بهشت خشمگین می شود خانمی که سردار و آقای زنان اهل جنت است، خانمی که فاطمه دختر رسول الله است و خانم خود امیر المؤمنین علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ است، از او خشم می گیرد و میرود در مسجد می خوابد، سهل بن سعد رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می گوید: محبوب ترین اسم برای علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ابو تراب بود و زیاد خوش داشت که به ابوتراب گفته شود، این ام را رسول اکرم رَضِيَ اللهُ عَنْهُ برایش انتخاب کرده بود، روزی رسول الله رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به خانه دخترش فاطمه تشریف برد، علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در خانه نبود، محمد رَضِيَ اللهُ عَنْهُ پرسید: «پسر عمویت کجاست؟» فاطمه عرض کرد: بین ما کدورتی پیش آمد، بر من خشم گرفت و از خانه بیرون رفت و اینجا استراحت نکرد.

رسول الله ﷺ به یکی گفت: «بین او کجاست»؟ آن مرد آمد و گفت: ای رسول خدا! او در مسجد، خوابیده است، رسول الله ﷺ به مسجد تشریف برد، علی ؑ در آنجا دراز کشیده بود در حالی که چادرش روی زمین افتاده و بدنش خاک آلود شده بود، رسول الله ﷺ فاطمه خاکها را از بدن علی ؑ پاک می کرد، به او گفت: «ابوتراب! بلند شو، ابوتراب! بلند شو».

زمانی که میان زن و شوهر مشکلی ایجاد می شود لازم است که آن را به شکل فوری و مسالمت آمیز حل و فصل نموده به خدا پناه ببرند اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفته میان خود صلح نمایند، در ها را بسته کرده و پرده های خانه را پایین کنند (تا به این شکل از سرو و صداهای بیجا جلوگیری به عمل آید) به وضوء گرفتن مبادرت ورزیده و دو رکعت نماز ادا نمایند، اگر یکی از زوجین استاده بود بنشیند و اگر نشسته بود خود را به پهلو کند، و یکی از آنها رو به طرف دیگر نموده او را در آغوش گیرد و در صورت اشتباه از وی معذرت بخواهد و به خاطر کسب رضای الله تعالی گذشت نماید، در اینجا مناسب می دان که قصه فاطمة بنت عتبة ابن ربیعة را با شوهرش عقیل ابن ابی طالب تذکر دهم:

ابن سعد در (الطبقات) با سند صحیح از ابی ملکه روایت نموده که فرموده است: عقیل بن ابی طالب با فاطمه که خانم ثروتمندی بود ازدواج نمود، اما قبل از ازدواج فاطمه شرط گذاشته بود بر اینکه مصارف شوهرش را او می پردازد و شوهرش نیز تضمین می دهد که خانم دیگری بر وی نمی گیرد، اما بعد از ازدواج، فاطمه همواره یادی از پدرش عتبه و برادرش شیبه (که در جنگ با مسلمانان کشته شده بودند) یاد می کرد و می گفت: پدرم عتبه کجاست؟ شیبه چه؟ روزی از روها که شوهرش عقیل ناراحت بود و نزد وی رفت باز هم همین سخنان را تکرار نموده و گفت: پدرم عتبه کجاست؟ شیبه چه؟ عقیل که ناراحت بود، در جواب اش گفت: زمانی که به جهنم داخل شدی، طرف دست چپ نگاه کن، آنها در همان جا قرار دارند. فاطمه خشمگین شده و گفت: میان من و تو سازگاری ناممکن است، لباس های خود را برداشت که از خانه بیرون رود، او این کار را کرد اما نخست نزد عثمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ رفت و موضوع را با او شریک ساخت، عثمان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فوراً معاویه و ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا را جهت اصلاح به خانه آن ها فرستاد، در قسمتی از راه ابن عباس

گفت: قسم است که این ها را از همدیگر جدا خواهم کرد، اما معاویه گفت: نه خیر! من هرگز نفر بزرگ سن را و آن هم از قبیله بنی عبد مناف، از همدیگر جدا نخواهم کرد، زمانی که آنها به خانه ایشان رسیدند، هردوی آن ها با همدیگر بدون میانجی و حکم بین خود صلح نموده بودند.

نگاه کن! چگونه مشکل خانوادگی را میان خود بدون دخالت دیگران حل و فصل نمودند؟ به شیوه بسیار آسان! صرف در را بستند با همدیگر آشتی نمودند، در حالی که او خانم غیرتمندی بود؛ به جمال و زیبایی پدر و برادر خود افتخار می نمود حتی در برخی روایات آمده است که او می گفت: کجا شدند آن گردن فرازانی که گردن های آنان مانند گردن ظرف های نقره ای می درخشیدند. اما شوهرش عقیل آن را تحمل می کرد، صرف در یک روز که از تحمل نمودن آن عاجز ماند و آن همان روزی بود که عقیل نهایت خسته به خانه بر می گردد و این خانم باز هم همان سخنان قبلی خود را تکرار می کند و عقیل به لهجه ملایم برایش می گوید: زمانی که به جهنم داخل شدی، طرف چپ نگاه کن، آنها در همان جا قرار دارند. فاطمه خشمگین شده و لباس های خود را برتن نموده و جهت شکایت نزد امیرالمؤمنین عثمان بن عفان رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می رود، اما قبل از اینکه میانجی گری صورت گیرد آن ها بین خود مشکل را رفع نموده با همدیگر آشتی نموده و در را بسته می کنند (تا اینکه کسی دیگر در امور خانوادگی آن ها دخالت نکند) پس سپاس الله تعالی را که میان آن ها صلح را برقرار نمود. آری! براهل فضل و مردمان خیر اندیش لازم است که همچو مسائل را به زودترین فرصت حل و فصل نموده و به توبه و ندامت رو آورند، مشکلات و چالش هایی فرا راه زندگی زنا شوهری را هرچه عاجل از میان بر دارند تا الله تعالی آن ها را مشمول رحمت خود قرار دهد زیرا؛ ا و تعالی توبه کنندگان را میامرزد و شامل رحمت خویش قرار می دهد.<sup>(۱۹)</sup>

## خوش رفتاری توأم با تشویق نمودن بر عبادت

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با وجود اینکه همراهی خانواده خود، خوش رفتار و ملایم بود در عین زمان آن‌ها را به اطاعت و عبادت الله تعالی تشویق می نمود، از جمله خوش رفتاری های پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم یکی این بود صحیح البخاری و صحیح آن را در کتاب های خود قرار ذیل تذکر داده اند: «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا عَلَى بَابِ حُجْرَتِي وَالْحَبَشَةُ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ، وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْتَرْتُمِي بِرِدَائِهِ، أَنْظُرُ إِلَى لَعِبِهِمْ. وَفِي رِوَايَةٍ: يَلْعَبُونَ بِحِرَابِهِمْ»<sup>(۷۰)</sup>.

یعنی عایشه می گوید: روزی، رسول الله ﷺ را دیدم که کنار دروازه خانه من ایستاده است در حالی که عده‌ای از مردم حبشه، داخل مسجد، تمرین نیزه می کردند، محمد ﷺ چادرش را روی من انداخت تا در کنار ایشان، نیزه بازی آنها را تماشا کنم» عایشه در ادامه می افزاید: پس به دختر خورده سالی که بازی را خوش دارد ارزش قایل شوید. در وایت دیگری چنین است «قسم به خداوند رسول خدا را دیدم که دم درب حجره مسلمان ایستاده بود. گروهی از حبشی‌ها با ابزار جنگ در فضای مسجد به بازی پرداخته بودند، رسول خدا صلی الله علیه و سلم مرا با جامه‌اش پوشانید تا بتوانم از روی شانه پیامبر به سرگرمی آنان نگاه بکنم.

پیامبر به اندازه‌ای ایستاد تا من خود منصرف شوم، شما خود اندازه بگیرید که یک کینزک تازه جوان چه مقدار حریص به سرگرمی است»<sup>(۷۱)</sup>.

در وایت دیگری آمده است که به عایشه فرمود: ای لباس سرخک! آیا خوش داری که نیزه بازی آن‌ها را نگاه کنی؟ گفتم: بلی<sup>(۷۲)</sup>.

۷۰- صحیح البخاری (۵۱۹۰) و صحیح مسلم (۸۹۱).

۷۱- مرجع قبلی.

۷۲- حافظ آن را در (الفتح) به نسائی منسوب نموده (۴۴/۲) و سند آن را صحیح می داند.



در مسند امام احمد آمده است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا كَانَتْ مَعَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي سَفَرٍ قَالَتْ فَسَابَقْتُهُ فَسَبَقْتُهُ عَلَى رِجْلِي فَلَمَّا حَمَلْتُ اللَّحْمَ سَابَقْتُهُ فَسَبَقَنِي فَقَالَ « هَذِهِ بَيْتُكَ السَّبَقَةِ » (۷۳).

عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا گفته است: من در یک سفر با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم همرايش مسابقه نمودم از او پیش شدم هنگامیکه وزمین شدم همرايش مسابقه دادم بر من سبقت کرد و فرمود: این با آن مساوی.

همین طور در صحیح البخاری و صحیح مسلم آمده است: عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَتْ أُمُّ سُلَيْمٍ فِي النَّقْلِ، وَأَنْجَشَةُ غُلَامُ النَّبِيِّ ﷺ يُسَوِّقُ بِهِنَّ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: « يَا أَنْجَشُ، رُوَيْدُكَ سَوِّقُكَ بِالْقَوَارِيرِ » (۷۴).

یعنی انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: ام سلیم در میان زنان مسافر بود و انجشه برده رسول اکرم ﷺ؛ شتران آنان را سوق می‌داد، پیامبر ﷺ فرمود: «ای انجش! شیشه‌ها را آهسته‌تر ببر».

زمانی رسول اکرم ﷺ در مسجد معتکف بود، خانمش نزد او می‌آید، رسول اکرم ﷺ تقریباً یک ساعت با او ملاقات می‌کند، بعداً خانمش می‌خواهد که به خانه برگردد، در حالی که خانه دور هم نبود اما خود رسول اکرم ﷺ از جای خود بر می‌خیزد و او را تا خانه همراهی می‌کند (۷۵).

و نیز از عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت شده است که: «من در نزد رسول اکرم ﷺ با دختران و همسالان ام بازی می‌کردم، آنگاه که رسول اکرم ﷺ می‌آمد، دوستانم فرار می‌کردند.

---

۷۳ - مسند احمد (۲۶۴/۶).

۷۴ - صحیح البخاری همراهی الفتح (۵۳۸/۱۰) و صحیح مسلم (۱۷۷/۵). در حدیث یاد شده رسول اکرم صلی الله علیه وسلم زنان را در لطافت و نرمی به شیه تشبیه نموده است و برای اینکه از رفتار سریع شتر اذیت نشوند، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به غلام خود که انجشه نام داشت فرمود که شتر را آهسته آهسته براند تا اینکه خانم از رفتار تند شتر اذیت نشود.

۷۵ - صحیح البخاری (۲۰۳۵) و صحیح مسلم (۱۷۱۲) نام خانم صفیه بنت حبی (مادر مؤمنان و خانم رسول الله صلی الله علیه وسلم) بود.

رسول الله ﷺ آنان را به سوی من برمی گرداند تا با من بازی کنند (۷۶).

مادر مؤمنان عائشه خانم رسول اکرم ﷺ در شش سالگی با او نامزد می شود و در نه سالگی با وی ازدواج می نماید و نه سال با او زندگی می کند، عائشه همراهی دختران همسال خود با گودی ها (عروسک ها) باز می کند، زمانی که دختران همسال او رسول اکرم ﷺ را می بینند فرار می کنند اما رسول اکرم ﷺ آن ها را دوباره فرا می خواند و نزد عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می فرستد تا با وی باز کنند.

نگاه کن! لطف و خوش رفتاری رسول اکرم ﷺ را با خانمش، چه لطف و شفقتی می تواند که از این محبوب تر باشد؟ روزی رسول اکرم ﷺ کاروان مجاهدین را صرفاً به خاطر لاکت های مهره ای اسماء رَضِيَ اللهُ عَنْهَا که از گردن عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا فرو ریخته بود، توقف می دهد (۷۷).

از عائشه صدیقه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا پرسیده می شود: رسول اکرم ﷺ زمانی که در خانه می بود مصروف چه کار ها می شد؟ عائشه پاسخ می دهد: رسول اکرم ﷺ در خدمت خانواده خود بود، هرگاه وقت نماز فرا می رسید؛ به طرف مسجد می رفت (۷۸).

عقبه ابن عامر از پیامبر ﷺ روایت کرده: هر سرگرمی کار باطل و بیهوده ای است، جز تیراندازی با کمان، تربیت اسب و بازی با همسران و خانم ها (۷۹).

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تشویق نموده است که زن وشوهر با همدیگر بازی نمایند طور مثال:

جابر بن عبد الله می گوید: در غزوه ای همراه رسول الله ﷺ بودم رسول الله ﷺ از من پرسید: «ازدواج کرده ای؟» عرض کردم: بلی. فرمود: «با دختری یا بیوه زنی؟» گفتم: با بیوه ای، محمد ﷺ فرمود: «چرا با دوشیزه ای ازدواج نکردی تا تو با او و او با تو، بازی

۷۶- صحیح البخاری همرا یالفتح (۵۲۶/۱۰) و صحیح مسلم همراهی شرح نوی (۲۹۵/۵).

۷۷- متفق علیه.

۷۸- صحیح البخاری همراهی الفتح (۱۶۲/۲).

۷۹- ابوداود (۲۵۱۳).

کند، جابر بن عبدالله می‌گوید: زمانی که نزدیک شهر شدیم نبی اکرم ﷺ فرمود: صبر کنید شب هنگام، وارد شوید، تا اینکه همسران تان خبر شده و موهای زائد بدن خود را بر طرف کنند و موهای خود را شانه زنند و سر و سامان دهد<sup>(۸۰)</sup>.

در حدیث شریف آمده است: **عَنْ أَنَسٍ أَنَّ جَارًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَارِسِيًّا كَانَ طَيِّبَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - « لَا » فَعَادَ يَدْعُوهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - « وَهَذِهِ ». قَالَ لَا. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - « لَا ». ثُمَّ عَادَ يَدْعُوهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - « وَهَذِهِ ». قَالَ نَعَمْ. فِي الثَّلَاثَةِ. فَقَامَا يَتَدَاَفَعَانِ حَتَّى أَتِيَا مَنْزِلَهُ. أَلْمَرَقِ فَصَنَعَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ثُمَّ جَاءَ يَدْعُوهُ فَقَالَ « وَهَذِهِ ». لِعَائِشَةَ فَقَالَ لَا. فَقَالَ رَسُولُ**

یعنی از انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که روزی همسایه ای فارسی، پیامبر اکرم ﷺ که در تهیه شورا مهارت داشت از وی می‌خواهد که مهمانش شود رسول اکرم ﷺ مهمانی را به شرطی می‌پذیرد که در آن برای خانمش عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا نیز سهمی باشد اما او نمی‌پذیرد و رسول اکرم ﷺ مهمانی را نمی‌پذیرد تا اینکه چندین بار سخنان میان ایشان رد و بدل می‌شود، بالاخره همسایه ای رسول اکرم ﷺ شرط او را می‌پذیرد و هردوی شان به طرف منزل بر می‌گردند.<sup>(۸۱)</sup>

روز دیگری رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وارد خانه می‌شود، عائشه صدیقه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قصه ای یازده خانمی را که بسیار طولانی است برای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیان می‌کند اما رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بدون اینکه خسته شود به قصه او گوش می‌گیرد که جهت فوائد زیاد آن لازم دانسته شد ذیلاً بیان گردد:

عائشه می‌گوید: یازده زن نشستند و با یکدیگر، عهد و پیمان بستند که هیچ چیز از احوال شوهرانشان را کتمان نکنند، اولی گفت: شوهرم مانند شتر لاغری است که بالای کوهی قرار دارد، نه هموار است که به آن صعود شود و نه گوشت چاقی دارد که به خانه‌ها برده شود. (یعنی بد اخلاق است و ویژگی مثبتی ندارد که مردم به او مراجعه کنند).

۸۰- صحیح البخاری (۵۲۴۷) و صحیح مسلم (۷۱۵) با طرق متعدد.

۸۱- صحیح مسلم (۲۰۳۷).

دومی گفت: من اسرار شوهرم را فاش نمی‌کنم زیرا می‌ترسم که به اتمام نرسد، و اگر از او سخن بگویم، همه عیوب اش را ذکر می‌نمایم.

سومی گفت: شوهرم فرد قد بلندی است که اگر حرف بزنم، طلاقم می‌دهد و اگر سکوت کنم، مرا معلق می‌گذارد (بجز بدی، هیچ حسنی ندارد).

چهارمی گفت: شوهرم مانند شب سرزمین تهامه، معتدل است نه بسیار سرد است و نه بسیار گرم، ترس و وحشتی از او ندارم (چون خوش اخلاق است) و همنشینی با وی، ملال آور نیست.

پنجمی گفت: شوهرم هنگامی که وارد خانه می‌شود، مانند یک پلنگ است (زیاد می‌خوابد) و هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، مانند شیر است (بسیار شجاع است) و از مال و اموالی که در خانه وجود دارد، نمی‌پرسد.

ششمی گفت: شوهرم هنگام خوردن، همه چیز را می‌خورد و هیچ چیز باقی نمی‌گذارد و اگر آب بنوشد، تا آخر می‌نوشد و ظرف را خالی می‌کند و هنگام خوابیدن، خود را یک گوشه می‌پیچد و می‌خوابد و دست‌اش را وارد لباس نمی‌کند تا محبت مرا نسبت به خودش بداند.

هفتمی گفت: شوهرم، فرد کودنی است و یا اینکه توان نزدیکی با زنان را ندارد، احمق و نادان است، همه عیوب، در او جمع شده است، سرت را زخمی می‌کند و یا عضوی از اعضایت را می‌شکند و یا اینکه هم زخمی می‌کند و هم می‌شکند.

هشتمی گفت: نوازش شوهرم مانند نوازش خرگوش است یعنی بسیار متواضع و خوش اخلاق می‌باشد، و بویی مانند بوی زرنب<sup>(۸۲)</sup> دارد.

نهمی گفت: شوهرم از نسب بالایی برخوردار است، قد بلندی دارد، خاکستر خانه‌اش بسیار زیاد است، یعنی فرد سخاوتمندی می‌باشد، همچنین خانه‌اش نزدیک محل تجمع مردم است.

دهمی گفت: شوهرم، مالک، نام دارد. مالک کیست؟ مالک بهتر از این حرفها است، او شتران زیادی دارد که بیشتر اوقات، کنارخانه خوابیده‌اند و کمتر به چرا می‌روند،

۸۲- زرنب، گیاه خوشبویی است.

و هنگامی که صدای موسیقی را بشنوند، می‌دانند که هم‌اکنون ذبح خواهند شد. (یعنی فردی بسیار سخاوتمند است طوری که شتران را بیشتر اوقات، کنار خانه نگه می‌دارد تا هنگام آمدن مهمان در دسترس باشند و به محض اینکه مهمان بیاید، مجلس موسیقی برپا می‌کند و شتری ذبح می‌نماید).

یازدهمی گفت: شوهرم ابوزرع است، می‌دانید ابوزرع چه کسی است؟ او گوش هایم را با زیورآلات آراسته و بازوهایم را چاق و فربه نموده و باعث خوشحالی من گردیده است. من هم خوشحال شده‌ام. او مرا در میان صاحبان گوسفند یافت که به دشواری زندگی می‌کردم. پس مرا به میان اسب‌داران و شترداران و کشاورزان آورد، سخنانم را می‌پذیرد، صبح‌ها می‌خواهم چرا که به اندازه کافی، خدمت گزار دارد، نزد ما آب زیادی وجود دارد، اما مادر ابوزرع، آیا مادرش را می‌شناسید؟ او انبارهای بسیار وسیعی دارد که مملو از غذا و سایر کالاها می‌باشد و دارای خانه بسیار بزرگی است.

اما فرزند ابوزرع، آیا فرزند ابوزرع را می‌شناسید؟ خوابیدنش به شمشیری شباهت دارد که از نیام، بیرون آورده شده باشد. یعنی زیبا است، و با یک ران بزغاله، سیر می‌کند، یعنی کم خوراک است.

و دختر ابوزرع، آیا می‌دانید که دختر ابوزرع چه کسی است؟ او دختری فرمانبرداری است، از مادرش اطاعت می‌کند، چاق و چهارشانه است و به اندازه‌ای زیبا است که باعث ناراحتی همسالانش می‌شود، اما کنیز ابوزرع، آیا می‌دانید او کیست؟ او فرد راز داری است که سخنان ما را به مردم نمی‌گوید و امانت داری است که غذای ما را حیف و میل نمی‌کند و نظافت کاری است که اجازه نمی‌دهد خانه ما خس و خاشاک بگیرد، روزی، ابو زرع از خانه بیرون رفت در حالی که مشک‌ها پر از شیر بودند، او در مسیر راه با زنی برخورد کرد که دو بچه مانند دو یوزپلنگ داشت، آن بچه‌ها، با پستان‌های مادرشان که به انار می‌ماند، بازی می‌کردند، ابوزرع مرا طلاق داد و با آن زن، ازدواج کرد. من هم بعد از او با مردی شریف، سرمایه‌دار، اسب سوار و نیزه به دست، ازدواج کردم که شتران زیادی به من ارزانی داشت و از هرچیز، یک نوع برای من تدارک دید و به من گفت: ای ام زرع! بخور و به خانواده‌ات نیز بخوران، ولی در عین حال، اگر همه

چیزهایی را که او به من داده است، یک جا جمع کنم، به اندازه کوچک‌ترین ظرف ابوزرع نمی‌شود.

عایشه می‌گوید: رسول الله ﷺ بعد از شنیدن این سخنان فرمود: «من برای تو مانند ابوزرع برای ام زرع هستم»<sup>(۸۳)</sup>.

الله تعالی با حسن معاشرت با زنان توصیه نموده می‌فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرِهَتْهُنَّ﴾ [النساء/۱۹]

ترجمه: و با آنها (زنان) به شایستگی رفتار کنید. ابن کثیر رحمه الله در تفسیر آیت فوق نگاشته است: منظور این است که مردان باید در مقابل زنان؛ گفتار، اعمال و اشکال خود را زیبا و آراسته نمایند طوری که مرد ها دوست دارند که خانم های آنها چنین باشند یعنی مردها باید که در مقابل زنان در گفتار خود ملایم و در اعمال خود خوش رفتار و در صوت های خود بشاش، خندان و نظیف باشند طوری که خود آن ها در مورد زنان آن را خوش دارند. و نیز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: بهترین شما کسی است که برای خانواده خود، بهتر باشد<sup>(۸۴)</sup>.

از جمله اخلاق محمد صلی الله علیه وسلم هم این بود که در خانواده خود، دارای صفات خوش رفتاری، خوش کلامی، خوش طبعی، مهربانی بود و بر خانواده خود مصرف خوب نموده آن ها را خوش و خندان نگه می داشت، حتی اینکه او روزی با عائشه صدیقه مسابقه دوش انجام می دهد، (طوری که گذشت) عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا گفته است: من در یک سفر با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم همرايش مسابقه نمودم از او پیش شدم هنگامی که وزمین شدم همرايش مسابقه دادم بر من سبقت کرد و فرمود: این با آن مساوی<sup>(۸۵)</sup>

۸۳- صحیح البخاری (۵۱۸۹) و صحیح مسلم (۲۴۴۸).

۸۴- با سند صحیح که بعدا می‌آید.

۸۵- با نقل از تفسیر ابن کثیر (۴۶۷/۱).

## تفریح و خوش طبعی وقتا فوقتا

حسن معاشرت، تفریح و اظهار خوشحالی همراه با اهل و عیال گاه گاهی، امر مطلوبی است که حدیث ذیل به آن دلالت دارد:

از ابو ربیع حنظله بن ربیع آسیدی، یکی از کاتبان رسول صلی الله علیه وسلم روایت شده که گفت: ابوبکر رضی الله عنه مرا دیده و گفت: حنظله چطوری؟ گفتم: حنظله نفاق ورزیده. گفت: سبحان الله چه می گوئی؟ گفتم: ما نزد رسول صلی الله علیه وسلم می باشیم و ما را به دوزخ و بهشت پند می دهد که گویی آن را به چشم سر مشاهده می کنیم و چون از نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بر می آییم با زنها و اولادها و مسائل زندگی سروکار پیدا کرده، بسیاری را فراموش می کنیم.

ابوبکر رضی الله عنه گفت: ما هم با این چنین چیزی روبرو می شویم. من با او خدمت محمد صلی الله علیه وسلم مشرف شدیم، من گفتم: یا رسول الله حنظله نفاق ورزید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: این چه سخنی است که می گویی؟

گفتم: وقتی نزد شما می باشیم ما را به بهشت و دوزخ پند می دهید، گویی که آن را به چشم می بینیم، و چون از حضور شما مرخص می شویم، با زنان و فرزندان و مسایل زندگی مخالفت نموده بسیاری چیزها را فراموش می کنیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: سوگند به ذاتی که نفسم به ید اوست، اگر همیشه به شکلی که در نزد من می باشید، بسر برید و بیاد خدا باشید، فرشتگان شما را در خانه های شما و راه های شما مصافحه خواهند کرد، ولی ای حنظله ساعتی است (برای ادای عبادت) و ساعتی است (برای کار دنیا). سه بار این سخن را تکرار کردند<sup>(۸۶)</sup>. همین طور در صحیح البخاری آمده که عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما گفته است: درز مانی که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حیات داشت، ما از هیبت اینکه مبادا در مورد ما چیزی نازل شود، همراهی خانم های خود، در سخن

گفتن و مزاح نمودن احتیاط می کردیم، اما بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، این موضوع به همان شکل باقی نماند بلکه مزاح و خوش طبعی ما با هم دیگر بیشتر شد.

## تشویق نمودن اهل و عیال به عبادت

در کنار تمام خوش رفتاری ها، حسن معاشرت و اخلاق عالی با اهل و عیال، باز هم پیامبر صلی الله علیه وسلم خسته نمی شود از اینکه خانواده خود را به عبادت، انجام دادن اعمال خیر و نیکی؛ نصیحت و تشویق نماید، زیرا الله تعالی او را به همین اعمال دستور داده است طوری که می فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ (طه/۱۳۲)

ترجمه: اهل خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می دهیم و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است.

و یک تن از پیامبران خود را که اسماعیل نام داشت چنین توصیف نموده است: ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا . وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾ (مریم: ۵۵/۵۶).

ترجمه: و در این کتاب از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود، خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود.

همین طور صحیح البخاری و صحیح مسلم حدیث را روایت نموده اند که قرار ذیل می باشد: عَنْ عَائِشَةَ ل قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُصَلِّي وَأَنَا رَاقِدَةٌ، مُعْتَرِضَةً عَلَى فِرَاشِهِ، فِإِذَا أَرَادَ أَنْ يُوتِرَ أَقْبَضَنِي فَأَوْتَرْتُ<sup>(۸۷)</sup>.

۸۷- صحیح البخاری (۹۷۷) و صحیح مسلم (ص: ۳۹۵).



یعنی «عایشه می فرماید: رسول الله ﷺ نماز می خواند در حالی که من جلو او ﷺ و روی رخت خوابش خوابیده بودم، سپس هنگامی که می خواست نماز وتر بخواند، مرا نیز بیدار می کرد. من هم نماز وتر می خواندم».

و صحیح البخاری نیز حدیث دیگری را طور ذیل آورده است: «عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَ قَالَتْ: اسْتَيْقَظَ النَّبِيُّ ﷺ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ مَاذَا أَنْزَلَ اللَّيْلَةَ مِنَ الْفِتَنِ، وَمَاذَا فُتِحَ مِنَ الْخَزَائِنِ، أَيْقِظُوا صَوَاحِبَاتِ الْحَجْرِ، فَرُبَّ كَاسِيَةٍ فِي الدُّنْيَا عَارِيَةٌ فِي الْآخِرَةِ»<sup>۸۸</sup>.

یعنی ام المؤمنین؛ ام سلمه؛ روایت می کند که: شبی رسول الله ﷺ بیدار شد و فرمود: «سبحان الله! امشب چه فتنه‌هایی نازل شده است و چه دروازه گنج‌هایی گشوده شده است! آنهایی را که در اتاق‌ها خوابند (ازواج مطهرات را) بیدار کنید چه بسا کسانی که در دنیا پوشیده‌اند ولی در آخرت، لخت و عریان می شوند»<sup>(۸۹)</sup>.

امام احمد ابن حنبل ﷺ با سند حسن حدیث دیگری را قرار ذیل روایت نموده است: وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ، فَصَلَّى وَأَيْقَظَ امْرَأَتَهُ، فَإِنْ أَبَتْ نَضَحَ فِي وَجْهِهَا الْمَاءَ، رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً قَامَتْ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّتْ، وَأَيْقَظَتْ زَوْجَهَا فَإِنْ أَبِي نَضَحَتْ فِي وَجْهِ الْمَاءِ»<sup>۹۰</sup>.

یعنی از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که: رسول صلی الله علیه وسلم فرمود: خدا رحمت کند مردی را که از طرف شب برخاسته نماز بگزارد و همسرش را هم بیدار کند و اگر چنانچه مخالفت ورزید، بر رویش آب پاشد و خدا رحمت کند زنی را که در شب برخاسته نماز گزارد و شوهرش را بیدار نماید و اگر چنانچه امتناع ورزد، بر رویش آب پاشد.

همین طور شبی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به خانه علی و فاطمه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا

تشریف برده و دروازه را دق الباب می نماید و می فرماید: آیا نماز نمی خوانید؟<sup>(۹۱)</sup>

۸۸ - (بخاری: ۱۱۵)

۸۹ - صحیح البخاری (۱۱۵).

۹۰ - مسند امام احمد حنبل

۹۱ - صحیح البخاری (۴۲۲۴) و صحیح مسلم (۷۷۵) به روایت علی رضی الله عنه.

عبدالله بن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا می‌گوید: (روزی،) نبی اکرم ﷺ به منزل فاطمه تشریف برد ولی به داخل خانه نرفت (و برگشت). پس از آنکه علی ﷺ آمد، فاطمه او را در جریان امر قرار داد، علی ﷺ از رسول الله ﷺ علت را جویا شد، رسول الله ﷺ فرمود: «بر درب خانه فاطمه، پرده‌ای آراسته و نقاشی شده دیدم» و افزود: «مرا با دنیا چه کار؟» علی ﷺ نزد فاطمه آمد و جریان را گفت. فاطمه گفت: رسول الله ﷺ در باره آن، هر حکمی، صادر کند (من حاضریم) رسول الله ﷺ فرمود: «آن را برای فلان خانواده که به آن نیاز دارند، بفرست» (۹۲).

بنا بر آن بر شخص لازم است که در پهلوی حسن معاشرت اهل و عیال خود را به عبادت تشویق نموده و برای آن‌ها تعلیم دهد که عبادات را به بهترین شیوه آن انجام دهند.

### تشویق خانم به آرایش و تشویق شوهر به مباشرت

مرد می‌باید که غرایز جنسی همسر خود را درک نموده و آن را در حد توان خویش، مشبوع نماید، و بر زن نیز لازم است که شوهر داری را رعایت نموده و خود را برای شوهر خود آراسته نماید، طوری که در حدیث گذشته گفته شد: از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام زن بهتر است؟ فرمود: **خَيْرُ النِّسَاءِ الَّتِي تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ، وَ تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ، وَ لَا تُخَالِفُهُ فِي نَفْسِهَا وَ لَا مَالِهَا...** (۹۳).

یعنی بهترین زنان، زنی است که شوهرش به او نگاه کند، خوش شود، زمانی که به وی کار را امر نماید آن را انجام دهد، مال و جان خود را از شوهرش دریغ ننماید.

فرموده است: **«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»** (۹۴).

یعنی خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد.

۹۲- صحیح البخاری (۲۶۱۳).

۹۳- نسائی (۳۲۴۴).

۹۴- صحیح مسلم (۹۱) به روایت عبد الله بن مسعود.

کبر سرکشی در برابر حق و حقیر شمردن مردم است. (تمایل به زیبایی و جمال در فطرت انسان به ودیعت نهاده شده است و دین مقدس اسلام این تقاضای طبیعی را لحاظ نموده و آراستگی را برای همه مردان و زنان مشروع دانسته است)، پس زمانی که مرد وارد خانه می‌گردد از عوامل سرور و خوشی او این است که خانم خود را تا حد ممکن، آراسته و با لباس های زیبا نگاه کند، زیرا زمانی که مرد ها از خانه بیرون می شوند ممکن است که با زنان بیگانه مقابل شوند و در قلب آن ها اثری نماید، پس زمانی که بر می‌گردد و خانم خود را آراسته و زیبا نگاه کند، آن اثر از قلب وی دور می‌گردد، همین طور بر مرد لازم است که، تجمل و زیبایی را بر ای خانواده خود رعایت نماید طوری که خود او دوست دارد؛ تا خانم اش خود را برای او آراسته نماید، الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم فرمود است: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾<sup>۹۵</sup>

ترجمه: و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان هم] است.

از برخی سلف صالح روایت شده که گفته: خوش دارم که برای خانم خود، خود را آراسته نمایم طوری که او نیز برای من خود را آراسته می‌کند.

آنچه گفته شد عواملی اند که باعث خوشنودی مرد و زن در زندگی زنا شوهری می‌گردد. از همین جهت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم امت خود را به مباشرت جنسی میان زن و شوهر ترغیب نموده، زیرا این عمل باعث پاکدامنی، محبت و دوستی میان آن ها گردیده و بسیار مشکلات بر خواسته میان زوجین بر اساس امتناع یکی از طرفین بر پا می‌گردد که در اثر همین مباشرت جنسی آن مشکلات رفع گردیده، روح و روان هر دو طرف آرامش حاصل می‌کند، از همین جهت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در این عمل اجر و پاداش را برای امت خود تذکر داده است<sup>(۹۶)</sup>

که ذیلاً نگاهشته می‌شود:

---

۹۵- [البقرة/۲۲۸].

۹۶- صحیح مسلم (۴۶/۲).

از ابوذر رضی الله عنه روایت است که: عده ای از مردم گفتند: یا رسول الله، پاداش را ثروتمندان بردند، مثل ما نماز گزارده و روزه می گیرند، از آنچه از مالشان از حاجت افزون باشد، آن را صدقه می دهند، فرمود: آیا خداوند برای شما چیزی نداده که آن را صدقه دهید؟ همانا در هر تسبیح گفتن صدقه است و هر تکبیر گفتن صدقه است و هر حمد گفتن صدقه است و هر تهلیل صدقه است، امر به کارهای خوب صدقه است و نهی از کارهای بد صدقه است و در همبستری با زن صدقه است. گفتند: یا رسول الله! یکی از ما شهوت خود را برآورده می سازد در آن اجر و مزد است؟ فرمود: بگوئید هرگاه آن را در حرام بنهد آیا بر وی گناه است؟ همچنان اگر آن را در حلال بنهد برای او اجر است. در حدیثی که آن را بخاری و مسلم روایت نموده اند چنین آمده است<sup>(۹۷)</sup>:

جابر بن عبد الله می گوید: در غزوه ای همراه رسول الله ﷺ بودم.

شترم خسته شده بود و راه نمی رفت. رسول اکرم ﷺ که از کنارم می گذشت، پرسید: «جابر هستی؟» گفتم: بلی فرمود: «چه خبر است؟» گفتم: شترم خسته شده است و آهسته می رود. بدین جهت از کاروان عقب مانده ام، رسول الله ﷺ از مرکب خود پیاده شد و با عصایی که در دست داشت، شتر مرا راند. سپس، فرمود: «سوار شو». من سوار شدم و مهار شترم را که با سرعت پیش می رفت، به سوی خود می کشیدم تا از رسول خدا ﷺ سبقت نگیرم. رسول الله از من پرسید: «ازدواج کرده ای؟» عرض کردم: بلی. فرمود: «با دختری یا بیوه زنی؟» گفتم: با بیوه ای. فرمود: «چرا با دوشیزه ای ازدواج نکردی تا تو با او و او با تو، بازی کند؟» گفتم: یا رسول الله! چند خواهر یتیم داشتم. میخواستم با همسری ازدواج کنم که خواهرانم را سرپرستی کرده، امور آنان را اداره کند و به نظافت آنان پردازد. فرمود: «اکنون، مدینه نزدیک می شود، باید هوشیار و بیدار باشی» بعد فرمود: «شترت را نمی فروشی؟» عرض کردم: بلی یا رسول الله! آنحضرت ﷺ شترم را در برابر یک اوقیه نقره، خرید. سپس، قبل از من، وارد مدینه شد و من صبح روز بعد، وارد مدینه شدم. وقتی به درب مسجد رسیدم، رسول الله ﷺ را در آنجا دیدم. فرمود: «اکنون، وارد مدینه شدی؟» گفتم: بلی. فرمود: «شترت را بگذار و داخل مسجد برو و دو رکعت نماز بخوان». وارد

مسجد شدم و دو رکعت نماز خواندم. رسول الله ﷺ به بلال رضی الله عنه دستور داد تا یک اوقیه نقره، برای من وزن کند. او نیز یک اوقیه نقره، برایم وزن کرد و چیزی بر آن افزود من به راه افتادم و رفتم، رسول الله ﷺ فرمود: «جابر را صدا کنید و نزد من بیاورید». من فکر کردم الآن، رسول الله ﷺ شترم را به من، برمی گرداند (و معامله را فسخ می نماید). چیزی برای من ناراحت کننده تر از این نبود. رسول الله ﷺ فرمود: «شترت را بگیر و قیمت اش نیز از آن تو باشد.

احیاناً رسول الله ﷺ با تمام خانم های که جمعاً نو خانم بودند، هم بستر می شدند که موضوع فوق را صحیح البخاری طور ذیل تذکر داده است<sup>(۹۸)</sup>:

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ در بخشی از روز یا شب، با همه همسران خود که تعداد آنها یازده نفر بود، همبستری می کرد، از او پرسیدند: آیا رسول الله ﷺ توانایی چنین کاری را داشت؟ انس رضی الله عنه گفت: به نظر ما، محمد ﷺ به اندازه سی نفر، توانایی داشت. در روایت دیگری از صحیح البخاری آمده است که رسول الله ﷺ همراهی تمام همسران خود که مجموعاً نه خانم، بود همبستر می شد و یک غسل می نمود<sup>(۹۹)</sup>.

عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا گفته است: من رسول اکرم ﷺ را با عطر خوشبو می کردیم، او نزد خانم هایی خود می رفت سپس در حالی که در احرام قرار داشت، خوش بویی استعمال می نمود<sup>(۱۰۰)</sup>.

این عمل منحصر به محمد ﷺ نبوده بلکه پیامبران قبلی نیز مانند او نیرومند و دانا بودند، که مانند محمد ﷺ عمل می کردند، در صحیح البخاری از ابو هریره رضی الله عنه روایت است: سلیمان عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ گفت: من، همین شب با هفتاد خانم خود تماس جنسی برقرار خواهم نمود؛ تا اینکه تمام آن ها حمل برداشته و آن ها در راه الله تعالی جهاد کنند، کسی برایش گفت: (إن شاء الله) بگو: سلیمان (إن شاء الله) نگفت، در نتیجه صرف یک خانم

۹۸- البخاری (۲۰۶۸)

۹۹- حدیث فوق در مسلم ص: (۳۰۹) نیز روایت شده است.

۱۰۰- متفق علیه.

بار دار شد، که آن هم یک بخش بدنش ناقص بود، محمد ﷺ فرمود: اگر (إن شاء الله) می گفت، آن ها در راه خدا جهاد می کردند<sup>(۱۰۱)</sup>.

همچنان بعد ختم تماس جنسی مستحب است که شوهر؛ در صورتی که می خواهد بعداً بار دیگر همراهی خانم خود تماس بگیرد، وضوء نماید زیرا؛ رسول اکرم ﷺ همین طوردستور داده است:

می فرماید: هرگاه یکی از شما با اهل خود، تماس جنسی بر قرار نمود و می خواست که بار دیگر نیز تماس بر قرار نماید باید که قبل از آن وضوء نماید<sup>(۱۰۲)</sup>. همین طور مستحب است که شوهر قبل از برقراری تماس این دعا را بخواند: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا).

زیرا در حدیث شریف چنین آمده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَمَا لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ يَقُولُ حِينَ يَأْتِي أَهْلَهُ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا، ثُمَّ قَدَّرَ بَيْنَهُمَا فِي ذَلِكَ أَوْ قُضِيَ وَكَلْدٌ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا» (۱۰۳).

به این مفهوم که ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «اگر شخص، هنگام همبستری با همسرش بگوید: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا.

یعنی به نام خدا، الهی! شیطان را از ما و از آنچه به ما عنایت می کنی، دور نگهدار، اگر از آن همبستری، فرزندی بوجود آید، هیچ شیطانی، هرگز به او ضرری نمی رساند».

پیامبر ﷺ تشویق نموده است، هرگاه مرد زنی را دید که خوشش آمد، می باید با خانم خود رابطه جنسی بر قرار نماید، در کتاب صحیح مسلم روایت است که رسول اکرم ﷺ خانمی را دید، سپس به خانه برگشت و با خانمش زینب بنت جحش در حالی که پوستی را جهت رنگ نمودن آن صیقل می نمود، همبستر شد، بعداً برای اصحاب خود فرمود: هر گاه یکی از شما خانمی را دید که خوشش آمد می باید همراهی خانم خود، همبستر شود، زیرا؛ این کار وسواس نفسانی او را بر طرف می کند<sup>(۱۰۴)</sup>.

۱۰۱- صحیح البخاری (۳۴۲۴).

۱۰۲- صحیح مسلم (حدیث ۳۰۸).

۱۰۳- صحیح البخاری (۵۱۶۵) و صحیح مسلم (۱۰۵۸).

۱۰۴- صحیح مسلم (۵۵۱/۳).

## ترک همبستر شدن با شوهر گناه کبیره است

خانمی که از همبستر شدن با شوهر خود (بدون عذر) امتناع ورزد رسول اکرم ﷺ آن را نکوهش کرده است که ذیلاً بیان می‌گردد: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضَبَانَ عَلَيْهَا لَعْنَتَاهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ» (۱۰۵).**

ترجمه: ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه، مرد، همسرش را به رخت خواب فرا خواند و زن، اجابت نکند و شوهرش، شب را با خشم بر او، سپری نماید، فرشتگان تا صبح، او را لعنت می‌کنند.

در روایت دیگری رسول الله ﷺ فرموده است: سوگند به خدایی که وجودم در دست اوست هیچ مردی نیست که همسرش را به بسترش بطلبد، و زن امتناع ورزد، مگر اینکه ذاتی که در آسمان است بر وی خشمگین است، تا که شوهرش راضی سازد (۱۰۶).

## خود داری از گیر ماندن در چنگ زنان

محبت میان زن و شوهر نباید باعث شود که آنها مرتکب، معاصی و محرّمات شوند، یا اینکه حلال را حرام نمایند و یا حرام را حلال نمایند، نگاه کنید که الله تعالی رسول اکرم ﷺ در قرآن کریم مورد عتاب قرار داده می‌فرماید: **﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴾ (التحریم: ۲/۷۱).**

ترجمه: ای پیامبر چرا برای خوشنودی همسرانت آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی خدا [ست که] آمرزنده مهربان است، قطعاً خدا برای شما [راه] گشودن سوگندهای تان را مقرر داشته است و خدا سرپرست شماست و اوست دانای حکیم.

۱۰۵- قبلاً تخریح شده است.

۱۰۶- قبلاً تخریح شده است.

در صحیحین روایت است: «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَشْرَبُ عَسَلًا عِنْدَ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ، وَيَمْكُثُ عِنْدَهَا، فَوَاطَيْتُ أَنَا وَحَفْصَةَ عَلَى أَيْتِنَا دَخَلَ عَلَيْهَا فَلْتَقَلَ لَهُ: أَكَلْتُ مَغَافِيرَ؟ إِنِّي أَجِدُ مِنْكَ رِيحَ مَغَافِيرَ، قَالَ: «لَا، وَلَكِنِّي كُنْتُ أَشْرَبُ عَسَلًا عِنْدَ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ، فَلَنْ أَعُودَ لَهُ، وَقَدْ حَلَفْتُ، لَا تُخْبِرِي بِذَلِكَ أَحَدًا» (۱۰۷).

عایشه می گوید: رسول الله ﷺ برای خوردن عسل نزد زینب دختر جحش می رفت و آنجا می ماند، من و حفصه با یکدیگر، توافق کردیم که هرگاه، رسول خدا ﷺ نزد هر یک از ما آمد، به او بگویم: آیا مغایر (صمغی شیرین و بد بو) خورده‌ای؟ زیرا از تو بوی مغایر به مشام می‌رسد، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خیر، بلکه نزد زینب دختر جحش، عسل می‌خوردم ولی سوگند می‌خورم که دیگر این کار را نخواهم کرد و شما هم احدی را از این کار، باخبر نسازید. حاکم و نسائی از انس رضی الله عنه روایت نموده اند که پیامبر اکرم ﷺ کنیزی داشت که با او همبستر می شد، عایشه و حفصه رضی الله عنهما تصمیم گرفتند که پیامبر اکرم ﷺ را از او باز دارند؛ تا اینکه رسول اکرم ﷺ آن کنیز را بر خود حرام نمود سپس این آیت کریمه نازل گردید: ﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (التحریم: ۱) (۱۰۸)

ترجمه: ای پیامبر چرا برای خوشنودی همسرانت آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی خدا [ست که] آمرزنده مهربان است

بنا بر آن لازم است که مردان مورد فتنه زنان و زنان مورد فتنه مردان قرار نگیرند، الله تعالی فرموده است: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمِنَ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (التغابن: ۱۴).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما هستند از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشایید و درگذرید و بیامزید به راستی خدا آمرزنده مهربان است.

۱۰۷- صحیح البخاری (۶۵۶/۸) و صحیح مسلم (ص: ۱۱۰۰).

۱۰۸- آیت قبلا ترجمه شده اما در مورد سبب نزول اشکالی ندارد که یک آیت دارای شأن نزول متعدد باشد.



پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: « مَا تَرَكْتُ بَعْدِي فَتْنَةٌ هِيَ أَضْرُّ عَلَى الرَّجَالِ: مِنَ النِّسَاءِ » (۱۰۹).

یعنی نگذاشتم بعد از خود فتنه‌ای که زیان بارتر بر مردان از زنان باشد. و در جای دیگری می‌فرماید: متوجه باشید که مادیات دنیا و زنان شما را به خود مشغول ن سازد، زیرا نخستین فتنه بنی اسرائیل زنان بودند (۱۱۰).

پس می‌باید که مسلمان جدا در حذر باشد از اینکه مبادا از جهت محبت زیاد با خانم خود مورد فتنه قرار گرفته و به سبب آن مرتکب، نافرمانی والدین، قطع صلہ رحمی و فساد در زمین، گردیده و مورد لعنت الله تعالی قرار گیرد که می‌فرماید: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾ [محمد: ۲۳/۲۲].

ترجمه: پس [ای منافقان] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید، اینان همان کسانی‌اند که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشم‌هایشان را نابینا کرده است.

و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ [الزمر: ۲۵].

ترجمه: و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان راست.

برخی‌ها به خاطر خوش نمودن خانم خود، دست به حرام‌خوری می‌زنند، برخی‌ها، با همسایه‌های خود جهت واقع شدن در فتنه خانم خود، با همسایه‌ی خود دست و گریبان می‌شود، پس می‌باید که متوجه چنین فتنه‌ها بود، تا مرد‌ها در آن واقع نگردند و

۱۰۹- متفق علیه.

۱۱۰- صحیح مسلم (۲۷۴۲) از ابی سعید خدری رضی الله عنه.

اگر خُلُق بدی از خانم خود را می بیند، محبت وی باعث نشود که شوهر از منع کردن منکرات اجتناب ورزد، بلکه می باید؛ در صورت ظاهر شدن منکر از طرف خانم، شوهر دست خانم خود را گرفته و او را به خوبی ها سوق دهد.

## اصلاح خانم هنگام کجروی و ستمگری

هنگامی که از خانم اشتباهی رخ می دهد می باید که شوهر خانم خود را تعلیم و تربیت نماید، زیرا او طوری که در متن قبلی گذشت سرپرست خانه است، نگاه کند به مادر مؤمنان عائشه صدیقه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا هنگامی که به صفیه بنت حُیّی، خانم رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نگاه می کند، به اشاره می گوید: چقدر قد کوتاه است! چه فکر می کنید رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای عائشه صدیقه چه فرمود، با وجود آن که وی مادر مؤمنان بود؟ برایش فرمود: همانا کلمهء گفتی که اگر به آب دریا خلطش کنی با آن مخلوط شود!<sup>(۱۱۱)</sup>

یعنی آب دریا را بد بوی و بد مزه می سازد. با وجودی که محمد صلی الله علیه وسلم با عائشه صدیقه محبت زیاد داشت اما این محبت زیاد وی هم مانع نمی شود از اینکه خانمش را از تعرض به آبروی خانمی و از غیبت کردن خواهر مسلمانش؛ منع نموده و مانع شود از اینکه گوشت خواهر مسلمان خود را بخورد (زیرا غیبت کردن در اسلام؛ به مثابه خوردن گوشت مسلمان است).

زمانی که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در اتاق عائشه صدیق بالشت تصویر داری می بیند، بر عائشه صدیقه جدی شده و نمی خواهد که وارد اتاق او گردد<sup>(۱۱۲)</sup>.

۱۱۱- الترمذی (۲۵۰۲).

۱۱۲- صحیح البخاری همراهی الفتح (۳۲۵/۴) و صحیح مسلم (۲۱۳/۸) چنین روایت نموده اند: «عائشه می گوید: متکابی (پشتی) خریدم که دارای تصویر بود. هنگامی که رسول الله ﷺ آن را دید، کنار در، توقف

همین طور محبت عائشه صدیقه باعث نمی شود که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم انصاف را رعایت نموده و از انتقام گیری حق دیگران چشم پوشی نماید: طوری که در صحیح البخاری از انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت شده است: محمد صلی الله علیه وسلم در حالی که در اتاق عائشه صدیق نشسته بود، یک تن از امهات المؤمنین، توسط خادمی، برای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم غذا می فرستد، اما عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا از این وضعیت خشمگین می شود؛ ظرف را به زمین زده و آن را می شکند، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای خادم می گوید، صبر کن که مادر تان خشمگین شده است، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با دستان مبارک خود غذا را از روی زمین جمع نموده و میرود از اتاق عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا ظرف دیگری را که درست است، بر می دارد، و به عوض آن برای خانمی که ظرف او شکسته است ظرف درست را می فرستد و ظرف شکسته را در خانه عائشه می گذارد<sup>(۱۱۳)</sup>.

عائشه صدیقه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا گفته است: روزی غذایی پختم و آن را نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بردم در حالی که خانم او سوده همراهش بود و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در میان ما قرار داشت، سوده از خوردن غذا امتناع ورزید، برای سوده گفتم، بخور! اگر نخوری، رویت را با همین غذا آلوده خواهم کرد، اما سوده نخورد، من هم قدری غذا را گرفته و روی سوده را با آن آلوده نمودم. پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که خنده در دهان داشت، قدری از غذا برداشته و آن را در دست سوده ماند و گفت: تو

---

کرد و وارد خانه نشد. آثار ناراحتی را در چهره اش دیدم. گفتم: ای رسول خدا! به پیشگاه خدا و رسولش توبه میکنم. چه خطایی مرتکب شده ام؟ رسول الله ﷺ فرمود: «این متکا چیست؟» عرض کردم: یا رسول الله! آن را برای شما خریدم تا روی آن بنشینید و بر آن تکیه زنید. رسول الله ﷺ فرمود: «روز قیامت، ترسیم کنندگان این تصاویر عذاب داده خواهند شد. و به آنان گفته می شود: آنچه را که آفریده اید، زنده کنید.» و افزود: «هر خانه ای که در آن، تصویر باشد، فرشتگان (رحمت) وارد آن نخواهند شد.»

۱۱۳ - صحیح البخاری (۵۲۵۲) و سنن النسائی (۷۰/۷) صحیح البخاری نام ها عائشه و ام سلمه را تذکر نداده است اما در سنن النسائی صراحت شده است که غذا را امسلمه به اتاق عائشه رضی الله عنها فرستاده بود.

هم با این غذا روی او را آلوده کن، در این وقت عمر فاروق از راه می گذشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم گمان کرد که او به منزل میاید، حضرت عمر فرمود: ای بنده خدا! ای بنده خدا! مگر عمر به راه رفتن خود ادامه داد و محمد صلی الله علیه وسلم فرمود برخیزید و روی های خود را بشوید، بعد از این واقعه من همیشه در دل خود احساس هبیتی از عمر رضی الله عنه می کردم زیرا، رسول صلی الله علیه وسلم را دیدم که از او چگونه احساس بزرگی و وقار نمود <sup>(۱۱۴)</sup>.

### حدود رضایت شوهر

خانم نباید جهت رضایت شوهر خود، و جهت تملق اعمال حرام را انجام دهد، زیرا کسی که مردم را به خاطر خوشنودی الله تعالی ناراض نماید، الله تعالی از وی راضی شده و مردم را نیز از وی راضی می گرداند اما کسی که الله تعالی را به خاطر رضایت مردم ناراض نماید الله تعالی از وی ناراض شده و مردم را نیز از وی ناراض می گرداند، پس خانم می باید که در محدوده شریعت اسلامی خود را آراسته نماید، زیرا: الله تعالی زیبا است و زیبایی را خوش دارد طوری که فرموده است: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۲]

ترجمه: [ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می باشد این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان می کنیم.

پس جواز ندارد که خانم، ابرو های خود را باریک نماید، یابدن خود را خال کوبی، یا اینکه موی خانم دیگری را به مو های خود وصل نماید و یا هم اینکه میان دندان های خود فاصل ایجاد نماید، زیرا؛ صحیحین از طریق علقمه رضی الله عنه چنین روایت نموده

اند<sup>(۱۱۵)</sup>: وعن ابن مسعود رضي عنه قال: لعن الله الواشمات والمستوشمات والمتنمصات، والمتفلجات للحسن، المعيرات لله، فقالت له امرأة في ذلك. فقال: وما لي لا ألعن من لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو في كتاب الله؟ قال الله تعالى: { وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا } [الحشر: ۷]

یعنی از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: خدا لعنت کند زنان سوزن زننده را، زنانی را که می خواهند سوزن زده شوند و زنانی را که از دیگری می خواهند ابروی شان را اصلاح کند و زنانی که میان دندانهای شان را گشاد نموده خلقت خدا را تغییر می دهند. زنی در این مورد بر وی اعتراض نمود. او گفت: چرا کسی را که رسول الله صلی الله علیه وسلم لعنت کرده لعنت نکنم؟ در حالیکه آن در کتاب الله است! الله تعالی می فرماید: هر آنچه پیامبر برای شما بدهد، آن را بگیرید و آنچه شما را از آن نهی کند از آن باز ایستید و در گذرید.

همین طور نباید خانم ها موهای خود را وصل نمایند زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از آن منع فرموده است که در حدیث ذیل بیان می گردد:

وعن أسماء رضي الله عنها أن امرأة سألت النبي صلى الله عليه وسلم فقالت: يا رسول الله إن ابنتي أصابتها الحصبه، فتمرق شعرها، وإنني زوجتها، أفأصل فيه؟ قال: «لعن الله الواصلة والموصولة»<sup>(۱۱۶)</sup>.

یعنی از اسماء رضی الله عنها روایت است که: زنی از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال نموده و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم دخترم به مریضی حصبه (تیفوئید) گرفتار شده و موهایش ریخته که اکنون او را به شوهر دادم آیا مویش را پیوند زنم؟ فرمود: خداوند پیوند کننده و پیوند کرده شده را لعنت کرده است.

۱۱۵- صحیح البخاری همراهی الفتح (۳۷۷/۱۰) و صحیح مسلم (۸۳۶/۴).

۱۱۶- متفق علیه.

همین طور هرگاه شوهر از خانم خود تقاضای مباشرت جنسی را در ایام حیض و نفاس نمود نباید از شوهر خود اطاعت نماید زیرا؛ الله تعالی فرموده است: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ <sup>[البقرة/ ۲۲۲]</sup>

ترجمه: از تو در باره عادت ماهانه [زنان] می پرسند بگو آن رنجی است پس هنگام عادت ماهانه از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند پس چون پاک شدند از همان جا که خدا به شما فرمان داده است با آنان آمیزش کنید خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد.

همچنان خانم نباید از شوهر خود در تماس جنسی از طریق مقعد، اطاعت نماید زیرا؛ رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به انجام دهنده چنین عمل نفرین و لعنت فرستاده است <sup>(۱۱۷)</sup>.

همین طور خانم نباید خانم دیگری را بدون نیاز به شوهر خود توصیف نماید زیرا؛ رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه وسلم: «لَا تَبَاشِرِ الْمَرْأَةَ الْمَرْأَةَ، فَتَتَعْتَهَا لِزَوْجِهَا كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا» <sup>(۱۱۸)</sup>

ترجمه: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «هیچ زنی، نباید به بدن زن دیگری، نگاه کند و یا آن را لمس نماید و سپس او را نزد شوهرش، چنان توصیف کند که گویا او به آن زن، نگاه می کند». خلاصه اینکه مرد و زن نباید در امور حرام و گناه از همدیگر اطاعت نمایند، زیرا عدم اطاعت در حرام سبب از بین رفتن دوستی و محبت میان زن و شوهر می گردد و دلیل آن این است که محبت و مودت از نعمت های الهی بوده که با مرتکب شدن گناه این مودت و محبت از بین می رود الله تعالی در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ <sup>[الشوری/ ۳۰]</sup>

۱۱۷- در مجموع حدیث صحیح است.

۱۱۸ - صحیح البخاری همرا الفتح (۳۳۸/۹) ابن حجر در الفتح از قابسی نقل نموده است که حکمت از این منع آنست که مبادا شوهر، زن دیگری را بر خانم خود ترجیح داده و منجر به طلاق گردد.

ترجمه: و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماسست و [خدا] از بسیاری درمی گذرد.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: « الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ »<sup>(۱۱۹)</sup>.  
یعنی اطاعت، فقط در انجام کارهای خوب است.

## اساس و میانه روی در معیشت

تعداد و میانه روی در امور خانوادگی میان زن و شوهر اصلی است در اسلام که پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را تأیید نموده است، طوری که در حدیث شریف آمده است:

ابوجحیفه رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله بین ابودرداء و سلمان، پیمان اخوت و برادری، برقرار نمود، روزی سلمان به خانه ابودرداء رفت و أم درداء را ژولیده و ژنده پوش، دید. پرسید: چرا ژنده پوش و ژولیده ای؟ گفت: برادرت؛ ابودرداء؛ به زندگی دنیا توجهی ندارد، سپس، ابودرداء آمد و غذایی درست کرد و برای سلمان آورد، سلمان گفت: غذا بخور، ابودرداء گفت: من روزه هستم، سلمان گفت: تا تو نخوری من نیز نخواهم خورد، سرانجام، سلمان غذا خورد، وقتی شب شد و هنگام خواب، فرا رسید، ابودرداء بلند شد تا عبادت کند، سلمان رضی الله عنه گفت: بخواب، ابودرداء کمی خوابید و دوباره بلند شد تا عبادت کند، سلمان گفت: بخواب، وقتی شب با آخر رسید، سلمان رضی الله عنه به ابودرداء گفت: اکنون بلند شو، آنگاه، هر دو، نماز شب خواندند، بعد، سلمان رضی الله عنه به ابودرداء رضی الله عنه گفت: پرودگارت بر تو حقی دارد، جسمت بر تو حقی دارد، عیال تو بر تو حقی دارد، حق هر صاحب حقی را ادا کن، سپس، ابودرداء نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را برایش تعریف کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سلمان، راست گفته است»<sup>(۱۲۰)</sup>.

---

۱۱۹- صحیح البخاری (۴۳۴۰).

۱۲۰- صحیح البخاری (۱۹۶۸).

در روایتی آمده که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای عبد الله بن عمرو بن العاص فرمود: آیا به من خبر نرسیده که روزها را روزه گرفته و شبها را زنده می داری؟ گفت: آری یا رسول الله فرمود: این کار را مکن.

هم روزه بگیر، هم بخواب و هم نماز شب بخوان. زیرا بدنت بر تو حقی دارد و چشمانت بر تو حقی دارد و همسرت بر تو حقی دارد و مهمانت بر تو حقی دارد...<sup>(۱۲۱)</sup>.

### پیامدهای ناگوار تشدد و بُخل

تشدد و تند رفتاری شوهر در مقابل خانمش باعث دروغ گفتن وی شده و بخیلی او سبب می شود که خانم سرقت نماید، زیرا؛ زمانی که شوهر تند خوی و تند رفتار باشد، خانم مجبور می شود که از ترس شوهر خود، دروغ بگوید؛ من در اینجا لازم می دانم که قصه خانمی را بیان نمایم که از ترس خشوی خود، دروغ گفته و بعداً از آن پشیمان شده است و در این مورد از بنده خواهان فتوی شده است که آیا توبه او قبول می شود و یا خیر؟ خلاصه قصه خانم طوری بود که موصوفه هفده سال قبل همراه شوهر و خشوی خود زندگی می کرد، اما خشوی وی به اندازه تند خوی بوده که همواره حق و ناحق، وی را مورد محاسبه و سرزنش قرار می داد حتی کوچکترین عمل او را بدون محاسبه رها نمی کرد، روزی؛ خشوی او برای خانم یاد شده؛ پول میدهد که از بازار برایش مرغ بیاورد، خانم به بازار رفته و مرغ را خریداری می کند و از جهت زیاد محافظه کاری؛ مرغ را زیر چادر خود گرفته و آن را بسته نموده است، اما یک وقت متوجه می شود که مرغ مرده است، وی از شدت ترس بی حال می شود، بعد از اینکه دوباره سر حال می شود، با خود فکر می کند که چه کاری کند، مرغ مرده را با خود به خانه آورده و مستقیماً وارد آشپزخانه می گردد، کارد را برداشته و گردن مرغ را می برد، سپس آن را پاک کرده و با مصالحه جات خوشبو آن را پخته نموده و از خشوی خود می خواهد که قبل از آمدن اطفال آن مرغ را به تنهایی نوش جان کند، خشو که هم خوب گرسنه بوده مرغ را همراهی شوربای آن به

۱۲۱- صحیح البخاری (۱۹۷۵) و صحیح مسلم (ص: ۸۱۷).



تنهایی خود نوش جان می کند! سوال خانم این بود که من هرگاه این قصه را به یاد میاورم زیاد غمگین می شوم و از کردار خود پشیمان هستم آیا توبه من قبول می شود یا خیر؟ من برایش گفتم: بلی توبه شما قبول می شود، زیرا الله سبحانه و تعالی در توبه را تا طلوع آفتاب از مغرب، باز گذاشته است و هر شب دست خود را باز می گذارد تا اینکه گنهکار روز توبه نماید و از طرف روز دست خود را باز می گذارد تا گنهکار شب توبه نماید، طوری که در قرآن کریم فرموده است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر/۵۳]

ترجمه: بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است. منظوم از قصه فوق این بود که تند خویی و تند رفتاری باعث چه کارهایی است که نمی شود؟

اما اینکه بخل سبب سرقت می شود، مثال آن در کتاب صحیح البخاری و صحیح مسلم موجود است خانم ابو سفیان نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمده و می پرسد: ای رسول الله! ابو سفیان مرد بخیلی است، آیا اگر من از اموال و ی طور پنهانی مصرف کنم گنهکار می شوم و یا خیر؟ رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برایش می فرماید: به اندازه نیاز خود و نیاز فرزندان از مال او به شیوه نیکو بگیر (۱۲۲).

صحیح البخاری در کتاب خود بابی را تحت عنوان (زمانی که شوهر مصرف خانم خود را ندهد خانم حق دارد که از مال شوهر خود به اندازه کفاف خود و فرزندش به شیوه معروف اخذ نماید) تذکر داده است.

### عدم بدگمانی همراه احتیاط و محافظه کاری

لازم است که شوهر در مقابل خانم خود بدگمان نباشد اما در عین وقت محتاط، محافظه کار بوده و از تمام عواملی که سبب بروز فتنه، فساد و مخالفت های شرعی می

گردد اجتناب نماید. در قسمت بدگمانی و سوء ظن، الله سبحانه و تعالی فرموده است:  
 ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾ (النور/۱۲).  
 ترجمه: چرا هنگامی که آن (بهتان) را شنیدید مردان و زنان مؤمن گمان نیک به  
 خود نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است.

الله سبحانه و تعالی در جای دیگر فرموده است: [ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا  
 مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا... ] {الحجرات/۱۲}  
 ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از  
 گمان ها گناه است و جاسوسی مکنید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: هرگاه یکی از شما از مسافرت طولانی بر  
 گشت، نباید در شب وارد خانه گردد (۱۲۳).

و در مورد احتیاط پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

در خانه هایی که تنها زنان باشند، داخل نشوید، مردی پرسید: ای رسول الله! در  
 مورد خویشاوندان شوهر (برادر شوهر) چه نظر دارید؟ گفت: برادر شوهر مرد است و  
 فرموده است هیچ گاه مرد نامحرم با زن نامحرم تنها نشود (۱۲۴).

گمان نیک و احتیاط از قصه خانم عزتمند اسماء بنت عمیس رَضِيَ اللهُ عَنْهَا - هویدا  
 می گردد که عبد الله بن عمرو بن العاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفته است: روزی ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ بعد از اینکه با  
 اسماء بنت عمیس رَضِيَ اللهُ عَنْهَا - ازدواج کرده بود وارد خانه می شود و نفری را در خانه خود  
 می بیند که از آن خوشش نمی آید، ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم رفته و  
 می گوید: من در مورد خانم ام اسماء بنت عمیس بدگمان نیستم اما خوش ندارم که فردی  
 وارد خانه من شود که از آن خوشم نمی آید، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: الله  
 تعالی اسماء را عفیف و پاکدامن قرار داده است، سپس رسول اکرم صلی الله علیه وسلم  
 بر منبر بالا شده فرمود: بعد از امروز هیچکس حق ندارد که در خانه ای خانمی که شوهرش

۱۲۳- صحیح البخاری (۵۲۴۴) از جابر بن عبد الله رضي الله عنهما.

۱۲۴- متفق علیه.

نیست، تنها داخل شود مگر اینکه یک یا دو مرد دیگری نیز با او باشد (۱۲۵). دیده می شود که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از یک طرف بدگمانی را در مورد اسماء بنت عمیس رَضِيَ اللهُ عَنْهَا نفی نموده و در عین زمان برای امت خود شیوه را بیان می کند که محتاط باشند و اجازه ندهند که وسوسه های شیطانی زندگی آن ها را تلخ نماید، زیرا همین وسوسه های شیطانی و شک شبه های بی مورد، سبب برهم خوردن نظام خانوادگی گردیده و شیرازه زندگی خانواده ها را بر هم می زند و سبب فرو پاشی خانواده ها می گردد از این جهت مرد می باید که در مورد خانم خود خوش گمان بوده و در عین حال می باید که محتاط و محافظه کار نیز باشد و از بی تفاوتی اجتناب ورزد؛ به این طور که برای خانم خود اجازه ندهد که وقت و ناوقت، گاهی یکی را خانه بیاورد گاهی دیگری را و هر چه خواسته باشد انجام دهد.

### حکم دروغ گفتن میان زن و شوهر

لازم است که شوهر با خانم خود رفتار ملائم انجام داده و در گفتار نیز با وی ملاطفت و نرمش نشان داده و تمام چیز هایی که سبب خوشحالی، سبب ایجاد محبت و سبب آرامش روحی و روانی خانمش می گردد انجام دهد و بر زن نیز لازم است که با شوهر خود رفتار خوب نموده و در سخن گفتن با او نرمش نشان داده و تمام سخنان خوبی که باعث خوشحالی، سبب جلب محبت و سبب آرامش روحی و روانی او می گردد از گفتن آن برای شوهر خود دریغ نرزد، حتی در برخی موارد اگر ایجاب می کرد که شوهر در وصف خانم خود مبالغه نماید و وی را زیباتر توصیف نماید و یا خانم در وصف شوهر خود مبالغه نماید و او را- به هدف جلب محبت و آرامش خاطر شجاع تر توصیف نماید باکی ندارد، زیرا دروغ گفتن جهت اصلاح و دروغ گفتن میان زن و شوهر در شریعت اسلامی جواز دارد، طوری که در احادیث شریف قرار ذیل آمده است: **وَعَنْ أُمِّ كَلْبُومٍ بِنْتِ عَقْبَةَ بْنِ أَبِي مُعَيْطٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:**

---

۱۲۵- صحیح مسلم (۱۶/۴). اسماء بنت عمیس رَضِيَ اللهُ عَنْهَا نخست با جعفر بن ابی طالب از دواج نموده بود، بعد از کشته شدن او با ابوبکر صدیق ازدواج نمود و بعد از وفات او با علی رضی عنه ازدواج نمود.

«لَيْسَ الْكُذَّابُ الَّذِي يُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ فَيَنْمِي خَيْرًا، أَوْ يَقُولُ خَيْرًا» (۱۲۶). وفي رواية مسلم زيادة، قالت: وَكَمْ أَسْمَعُهُ يُرْحِصُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَقُولُهُ النَّاسُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ، تَعْنِي: الْحَرْبَ، وَالْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ، وَحَدِيثَ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ، وَحَدِيثَ الْمَرْأَةِ زَوْجَهُ.

یعنی از ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط رَضِيَ اللهُ عَنْهَا روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: کذاب کسی نیست که در میان مردم صلح می آورد، سخن خیری را می رساند و یا خیری می گوید. در روایت مسلم زیادتی است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که در چیزی از آنچه که مردم می گویند اجازه داده باشد، مگر در سه چیز منظورش: جنگ، اصلاح بین مردم و سخن مرد به زنش و یا سخن زن برای شوهرش بود.

امام نووی رحمته الله گفته است: منظور از دروغ گفتن میان زن و شوهر اظهار نمودن محبتی است که الزامی نمی باشد، اما دروغ گفتن جهت فریب دادن و ضایعه نمودن حقوق همدیگر به اتفاق مسلمانان حرام است، والله اعلم (۱۲۷). ابن حزم رحمته الله در کتاب المحلی گفته است: دروغی که سبب جلب محبت میان خانم و شوهر شود، باکی ندارد، سپس همان حدیث را تذکر می دهد (۱۲۸).

برخی از علماء حدیث فوق را بر توریه حمل نموده اند (و معنای توریه این است که از عبارتش مقصد صحیحی را در نظر داشته باشد که نسبت به آن دروغگو نیست، هر چند در ظاهر لفظ و نسبت به آنچه که مخاطب آن را می فهمد، دروغگو است).

خطابی رحمته الله گفته است: منظور از دروغ گفتن شوهر برای خانم این است که شوهر برای خانم خود جهت جلب رضایتش وی را وعده دهد و در بر آوردن آرزوهایش خانم خود را خوش بسازد، تا خانم با او سازگار شده و با درست شدن اخلاقش زندگی خوشی داشته باشند (۱۲۹) و الله اعلم.

۱۲۶- متفق علیه.

۱۲۷- شرح مسلم (۴۶۵/۵).

۱۲۸- المحلی (۷۵/۱۰).

۱۲۹- مع عون المعبود (۲۶۳/۱۳).

## منظور از تنبیه بدنی زنان

الله سبحان و تعالی در قرآن کریم فرموده است :

﴿ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴾ (النساء/۳۴)

ترجمه: و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزیند (یاترک کنید) پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است.

### شرح جملات و کلمات:

اینکه الله تعالی فرموده است: ﴿ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ ﴾ (النساء/۳۴)

معنی نشوز چه است:

نشوز در اصل به معنی ارتفاع و بلندی است پس خانم ناشزه هم خانمی است که در مقابل شوهر خود تکبر و بلند پروازی نموده و در اثر کبر و غروری که دارد از شوهر خود اطاعت نمی‌کند؛ خوش دارد که از شوهر خود نافرمانی نموده و اعمال خلاف میل او را انجام دهد و معنی ﴿ فَعِظُوهُنَّ ﴾ در آیت فوق این است که برای زنان حقوق زن و شوهر را از قرآن کریم و احادیث نبوی تذکر داده و برای آنان، توسط قرآن و حدیث، نصیحت کنید و گناه نافرمانی شوهر را برای زنان متذکر شوی. والله اعلم.

﴿ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ ﴾ (النساء/۳۴) برخی از علماء گفته اند که منظور از هجر در

این جا دوری از تماس جنسی است یعنی در یک بستر بخوابند اما از مباشرت جنسی با وی خود داری نماید. برخی دیگری گفته اند که منظور از آن عدم سخن گفتن است.

برخی دیگری گفته اند منظور از آن عدم خوابیدن در یک بستر است، اما جمهور علماء به این نظر هستند که بنا بر ظاهر آیت، منظور از آن ترک دخول و اقامت نزد آن ها می باشد<sup>(۱۳۰)</sup>

اما احادیثی که در مورد هجر ذکر گردیده اند این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم سوگند یاد نموده بود که مدت یک ماه نزد خانم های خود نخواهد رفت، و به مدت بیست و نو شب را در محل بلندی از خانه بنام (مشربه) به تنهایی سپری نمود بعد از شب بیست و نهم نزد خانم هایش برگشت، برایش گفته شد: خودت سوگند یاد کردی که تا مدت یک ماه بر نمی گردی! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: این ماه بیست و نو روز است<sup>(۱۳۱)</sup>.

«ام سلمه می گوید: رسول الله ﷺ سوگند یاد کرد که تا یک ماه، شب نزد همسران خود نرود، پس از گذشت بیست و نه روز، هنگام صبح یا شب، نزد همسران خود رفت، برایش گفتند: شما برای یک ماه، سوگند یاد کرده اید؟! فرمود: «یک ماه، بیست و نه روز است»<sup>(۱۳۲)</sup>.

ابوداود با سند صحیح روایت نموده است: وعن معاوية بن حيدة رضي الله عنه قال: قلت: يا رسول الله ما حق زوجة أحدنا عليه؟ قال: «أن تطعمها إذا طعمت، وتكسوها إذا اكتسيت ولا تضرب الوجه، ولا تقبح، ولا تهجر إلا في البيت»<sup>(۱۳۳)</sup>

ترجمه: از معاویه بن حیده رضی الله عنه روایت است که: گفتم: یا رسول الله زنان ما بر ما چه حقی دارند؟ فرمود: چون طعام خوردی طعام شان دهی و چون لباس پوشیدی او را لباس بپوشانی، به صورت زن سیلی مزین و به وی نگو خدا ترا زشت سازد و جز در خانه از او دوری مکن.

۱۳۰- این سخن را حافظ در الفتح گفته است (۳۰۱/۹).

۱۳۱- صحیح البخاری همرا الفتح (۳۰۰/۹).

۱۳۲- متفق علیه.

۱۳۳- ابوداود (۲۱۴۲).

**مفهوم «وَاصِرٌ يُوْهُنٌ»:** هنگامی که زن با نصیحت و هجر از مخالفت شوهر دست برداشت مرد می تواند که وی را تنبیه بدنی نماید که همانا ضرب است و اکثر مفسرین آیت فوق همین گونه تفسیر نموده اند، از سیاق آیت چنان بر میاید که شوهر حق دارد تا همزمان هر سه عمل را انجام دهد یعنی نخست نصیحت، سپس، هجر و بعداً تنبیه بدنی. اما چگونگی تنبیه بدنی آن است که خود رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آن را در حجة الوداع قرار ذیل بیان نموده است:

در مورد زنان از خدا بترسید (بر آن ها ظلم نکنید) شما آن ها را بر اساس تعهدی از جانب خدا گرفتید و آن ها را بر اساس کلمه الله تعالی برای خود حلال گردانیدید، حق شما بر آن ها این است که کسی را وارد خانه شما نکنند که شما آن را خوش نمی پندارید، اگر چنین کاری را انجام دادند آن ها را طوری تنبیه بدنی نمایید که افکار نشوند، و حق زن ها بر شما این است که آن ها را لباس و نفقه دهید (۱۳۴). در کتاب های صحیح البخاری و مسلم روایت است که عبدالله بن زمعه رضی الله عنه می گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله در سخنرانی خود، سخن از شتر صالح و کسی که آن را پی کرده بود، به میان آورد و فرمود: ﴿إِذْ أُنْبِئَتْ أَشْقَاهَا﴾ [الشمس: ۱۲].

یعنی مردی که مانند ابوزمعه در میان قوم اش بی نظیر، خشن، با شهامت و مقتدر بود، برخاست (و آن را پی کرد) سپس سخنی از زنان به میان آورد و فرمود: «بعضی از شما همسران شان را مانند برده، کتک می زنند و چه بسا که در پایان همان روز، با او همبستر می شوند» (۱۳۵).

حدیث دیگری را ترمذی از عمرو بن الأحوص رضی الله عنه روایت کرده که موصوف در حجة الوداع شاهد سخن رانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و بعد حمد و ثناء و نصیحت های زیادی در قسمتی از سخنان خود فرمود: آگاه باشید و در مورد زنان وصیت به خیر نمایید، زیرا آنها نزد شما اسیرند، شما از آنها هیچ چیزی را به جز استمتاع مالک نیستید، مگر اینکه عمل فحشاء را آشکار مرتکب شدند. اگر چنین کردند همبستری با آنان را ترک کنید و

۱۳۴- مسلم همراهی انووی (۳/۳۴۵) ضرب غیر مبرح آن است که اثرگذار و شاقه نباشد.

۱۳۵- صحیح البخاری (۴۹۴۲) و صحیح مسلم (۲۱۹۱).

باز آنها را بزیند، زدن که نه چندان سخت باشد، اگر فرمان شما بردند، بر آنها راهی را جستجو نکنید، با خبر باشید، که همانا شما بر زنان تان حقی دارید و زنان شما بر شما حقی دارند. حق شما بر آنان این است که بر فرش شما کسانی را نه نشانند که از آنها بد می برید و در خانه تان به کسی اجازه ورود ندهند که شما از آنان متنفرید و آگاه باشید که حق آنها بر شما این است که به آنها در لباس شان و طعام شان نیکی و احسان کنید<sup>(۱۳۶)</sup>.

از ایاس بن عبد الله بن ابی ذباب رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: زنان را بزیند، عمر رضی الله عنه خدمت محمد آمده گفت: که زنان بر شوهران شان دلیر شدند. همان بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در زدن شان اجازت فرمود، سپس زنان بسیاری به خانه های ازواج مطهرات آمده، از شوهران شان شکایت کردند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: همانا زنان بسیاری به نزد اهل بیت محمد صلی الله علیه وسلم آمده و از شوهران شان شکوه کرده اند. بدانید که آنان برگزیده گان شما نیستند<sup>(۱۳۷)</sup>.

لازم است که به جز در صورت ضرورت، نباید به تنبیه بدنی اقدام شود و آن هم به خاطری باشد که نصیحت نافذ شود و یا مفادی را برای هجر، کسب نماید تا اصلاح امور خانوادگی صورت گیرد، زیرا؛ در حدیث شریف ذکر است که: عائشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا گفته است: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگز چیزی را به دست خویش نزدند، نه زنی را و نه خادمی را، مگر اینکه جهاد فی سبیل الله نموده باشد و هیچ گاه نشده که برای خویش انتقام گرفته باشد، مگر اینکه به حریم شریعت الهی تجاوز شده باشد و محمد صلی الله علیه وسلم فقط برای حق تعالی انتقام گرفته باشد<sup>(۱۳۸)</sup>.

۱۳۶-ترمذی (۱۱۶۳).

۱۳۷-ابن ابی شیبه (حدیث ۲۱۴۶).

۱۳۸-صحیح مسلم (۱۸۱۴).



## صلح میان زن و شوهر

طوری که قبلاً گفته شد، می باید که زن و شوهر در فضای دوستی و صمیمیت با همدیگر زندگی مشترک خو در به پیش برده، حق و حقوق همدیگر را رعایت نماید و اگر موضوع به حدی می رسد که مشکل آفرین بود، در این صورت لازم است که آن را دفع نمایند و لو که به تلف شدن حقی از حقوق یکی از آن ها منجر شود زیرا؛ بنا بر فرموده الله تعالی (والصلح خیر) صلح بهتر است، یعنی صلح بهتر از طلاق و جدایی است، صلح بهتر برای آینده اطفال آن ها است که از همدیگر متفرق نگردند و وقت ایشان ضایعه نشود، صلح هم برای خانواده های طرفین بهتر است تا میان ایشان عدوات و دشمنی ایجاد نشود و نیز صلح برای تمام مسلمانان بهتر است زیرا صلح سبب دوستی و محبت می گردد. صلح بهتر از طلاق است زیرا طلاق عملی است که شیطان به آن خوش می شود و از افعال هاروت و ماروت است، طوری که الله تعالی فرموده است: ﴿وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَعْلَمُونَ مِنْهُمَا مَا يَفْتَرُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة/۱۰۲].

ترجمه: لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوی ولی [ آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی رسانید و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره ای ندارد و که چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می دانستند.

در صحیح مسلم از جابر بن عبد الله رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: شیطان تخت خود را بر آب می نهد، بعداً سپاهیان خود را به هر طرف می فرستد و هر کدام آن ها خبری را برای وی میاورد، قریب ترین آن ها برای شیطان کسی است که بزرگترین فتنه را مرتکب شده باشد، هر کدام آن ها که میآمد و از فتنه خود گزارش می دهد؛ شیطان برایش می گوید: چندان کار نکردی، تا اینکه یکی از آن ها نزد شیطان آمده و می گوید: من میان زن و شوهر طلاق ایجاد نمودم: شیطان او را به طرف خود نزدیک کرده و برایش می گوید: تو بهترینی<sup>(۱۳۹)</sup>

﴿وَإِنَّ أُمَّرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾<sup>۱۴۰</sup>

ترجمه: یعنی بهترین عمل را برایم انجام دادی.

پس از این معلوم شد که طلاق باعث خوش حالی شیطان می گردد و در روایت صحیحی از عبد الله ابن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا آمده است که موصوف خانم خود را طلاق نمود، خانم برایش گفت آیا از من کدام عمل بدی را دیدی؟ گفت نه خیر! خانم گفت: پس چرا یک زن مسلمان و پاک دامن را طلاق می دهی؟ عبد الله بن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا از قول خود بر گشته و از طلاق دادن منصرف شد، پس طوری که قبلاً گفته شد صلح بهتر است<sup>(۱۴۱)</sup> و

۱۳۹- صحیح مسلم (۲۱۶۷).

۱۴۰- النساء: ۱۲۸

۱۴۱- ﴿وَإِنَّ أُمَّرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۸]. «و اگر زنی از نشوز یا اعراض شوهرش بیمناک باشد» نشوز مرد از زنش: دوری گزیدن و بدبردنش از وی، میلش به جدایی از وی، بازداشتن نفقه از وی و زدن یا دشنام دادن وی است. و «اعراض» وی از زنش این است که به سبب کبرسن، یا زشتی و ناهنجاری ای در خلقت یا خلق وی، یا به سبب دلتنگی از وی و چشم دوختن به ازدواج با زنی دیگر، یا غیر این از علل، با وی انس و الفت نگیرد و با وی کمتر سخن بگوید «پس» اگر چنین بود «بر آن دو گناهی نیست در آن که صلح آورند در میان خود به نوعی از» انواع «صلح» مثلاً با ساقط کردن

لو که یکی از آن‌ها از برخی حقوق خود گذشت هم نمایند و در صورتی که خوف عداوت میان آن‌ها بیشتر متصور شود، در این صورت لازم است که حکام وقت<sup>(۱۴۲)</sup>.

دو حکمی را از خانواده ای طرفین جهت اصلاح نزد آن‌ها بفرستند؛ اگر بین ایشان صلح نمودند؛ جای شکر است و اگر صلح ممکن نبود و موضوع به حدی می‌رسید که طرفین حدود الهی را رعایت کرده نمی‌توانستند؛

حقوقی همدیگر از نزد آن‌ها ضایعه می‌شد؛ پس در این صورت حکم طوری است که الله تعالی فرموده است: **﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كِلَا مِّنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا﴾**  
(النساء / ۱۳۰).

تمام نوبت زن، یا بخشی از نوبت وی، یا ساقط کردن بخشی از نفقه یا بخشی از مهرش. و در مقابل؛ امتیازی که مرد به زن می‌دهد این است که او را همچنان در حباله نکاح خویش نگه دارد «و صلح بهتر است» یعنی: صلح و سازشی که دل‌ها بر آن آرام گرفته و اختلافات با آن برطرف شود، بهتر از جدایی، یا ادامه کشمکش و خصومت میان زن و شوهر است.

ابن جریر طبری از عائشه ل روایت کرده است که گفت: «این آیه ناظر بر مردی است که دو زن دارد و یکی از آنها بدشکل یا بزرگسال است، و او به‌وی چندان مایل نیست، پس این زن به شوهرش می‌گوید: طلاقم نده و در مقابل آن تو دربار من مخیر هستی (که حقم را در نوبت شب رعایت نکنی). چنان که سوده بنت زمعه همسر رسول خدا ص نیز که پا به سن گذاشته بود، از بیم آن که مبادا رسول خدا ص طلاقش دهند، به آن حضرت ص گفت: یا رسول‌الله! نوبت من از آن عائشه باشد». آری! او ترجیح داد که افتخار همسری رسول خدا ص را از دست ندهد و رسول خدا ص هم درخواست وی را پذیرفتند تا امتشان در مشروعیت و جواز این امر به ایشان تأسی و اقتدا کنند «و بخل در نفوس حضور دارد» حق تعالی خبر می‌دهد که بخل در نفس هریک از زن و شوهر، بلکه در تمام نفس‌ها لانه دارد، به طوری که گویی همیشه در نفس‌ها حضور و غلبه داشته و به حکم سرشت و طبیعت، در هیچ حالی از آنها غایب نمی‌شود، لذا این بخل است که مرد را وامی‌دارد تا از حسن معاشرت، تأمین نفقه زن به‌طور پسندیده و مانند آن از حقوقی که بر عهده وی است امتناع کند، همچنین این بخل است که زن را وامی‌دارد تا وجایی را که در قبال شوهرش دارد، به ایفا نگرفته و حاضر نباشد تا از چیزی از حقوقش در برابر وی درگذرد «و اگر نیکوکاری و پرهیزگاری کنید» یعنی: اگر شما مردان با زنان خویش معاشرت نیکو داشته و از آنچه که جایز نیست؛ چون ناسازگاری و رویگردانی، پرهیزید «قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» و شما را در قبال آن به زودی پاداش می‌دهد.

۱۴۲- جمهور علماء به این نظر هستند که منظور از (فابعثوا حکما) حاکمان وقت است اما برخی دیگری به این نظر هستند که منظور از آن زن و شوهر است.

ترجمه: و اگر آن دو از یکدیگر جدا شوند خداوند هر يك را از گشایش خود بی نیاز می گرداند و خدا همواره گشایش گر با حکمت است.

همین طور در صورتی که یکی از آن ها حدود الهی را رعایت نکرده دك مورد آن بی پروا باشد و یا هم ناسپاس نعمت های الهی بوده، و دیگری بپند به حدود الهی و سپاس گزار او باشد، در این صورت نیز بهتر است که از همدیگر جدا شوند، طوری که در صحیح البخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است: بعد از ازدواج اسماعیل، پدر او ابراهیم رضی الله عنهما به خانه پسر خود اسماعیل رضی الله عنهما آمد تا خانواده اش را که به خاطر خدا، رها کرده بود، سر بزند، زمانی که به خانه اسماعیل آمد او آنجا نبود، از همسرش درباره او پرسید؛ همسرش گفت: برای کسب رزق ما، بیرون رفته است، سپس، ابراهیم رضی الله عنهما جویای وضع معیشتی و زندگی آنان شد، گفت: وضع ما خیلی بد است، در تنگنا و سختی بسر می بریم، خلاصه اینکه زبان شکوه گشود، ابراهیم رضی الله عنهما گفت: هنگامی که همسرت آمد، به او سلام برسان و بگو تا آستانه دروازه خانه اش را تغییر دهد. هنگامی که اسماعیل آمد بوی آشنایی، احساس کرد، لذا پرسید: آیا کسی نزد شما آمده است؟ گفت: بلی. پیرمردی چنین و چنان، نزد ما آمد و جویای احوال تو شد، به او گفتم که تو کجا رفته ای. همچنین از وضع زندگی ما پرسید، به او گفتم که در سختی و مشقت بسر می بریم، اسماعیل گفت: آیا به تو سفرashi کرد؟ گفت: بلی، به من دستور داد که به تو سلام برسانم و گفت: آستانه درب خانه ات را عوض کن، اسماعیل گفت: او پدر من است و دستور داده است تا از تو جدا شوم، پس نزد خانواده ات برو. اینگونه او را طلاق داد و با زنی دیگر از آن قبیله، ازدواج کرد<sup>(۱۴۳)</sup>.

### انجام دادن امور منزل توسط خانم و کمک نمودن شوهر با او

مستحب است که زن در حد توان خود، خدمت شوهر و اطفال خود را انجام دهد زیرا وی نگهبان و مسئول خانه است، این نوع انجام خدمات اعمال اند که زنان معزز، صحابیات و غیر از آن ها دیگران نیز آن را انجام می دادند.

از آن جمله اسماء بنت ابی بکر صدیق رَضِيَ اللهُ عَنْهَا خانمی بود که برای اسب شوهر خود زبیر رضی الله عنه، علف می داد، آب بر او می آورد و خسته های خرما را به خانه انتقال می داد <sup>(۱۴۴)</sup>.

زمانی فاطمه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا نزد پدر خود آمده؛ از سختی کار توسط آسیاب کوچک، شکایت داشت و درخواست خدمت‌گاری را می نماید که صحیحین آن را طور ذیل نقل کرده اند:

عَنْ عَلِيٍّ: أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ شَكَتْ مَا تَلْقَى مِنْ أَثَرِ الرَّحَا، فَأَتَى النَّبِيَّ ﷺ سَبِيًّا، فَأَنْطَلَقَتْ، فَلَمْ تَجِدْهُ، فَوَجَدَتْ عَائِشَةَ فَأَخْبَرَتْهَا، فَلَمَّا جَاءَ النَّبِيُّ ﷺ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِمَجِيءِ فَاطِمَةَ، فَجَاءَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَيْنَا وَقَدْ أَخَذْنَا مَضَاجِعَنَا، فَذَهَبْتُ لِأَقُومَ فَقَالَ: «عَلَى مَكَانِكُمْ». فَفَعَدْتُ يَتِينًا حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَ قَدَمَيْهِ عَلَى صَدْرِي وَقَالَ: «أَلَا أَعْلَمُكُمْ خَيْرًا مِمَّا سَأَلْتُمَانِي؟ إِذَا أَخَذْتُمَا

---

۱۴۴- صحیح البخاری (۵۲۲۴) و صحیح مسلم (۲۱۸۱) روایت نموده اند که اسماء دختر ابوبکر می‌گوید: زبیر با من ازدواج کردم در حالی که بجز اسب و شتری که آب می‌کشید، هیچ نوع سرمایه‌ای اعم از برده یا چیز دیگری، در روی زمین نداشت. من اسب‌اش را علف می‌دادم، آب می‌کشیدم، دلوش را می‌دوختم و آرد، خمیر می‌کردم. اما نان پختن را خوب نمی‌دانستم. بدین جهت، تعدادی از همسایگان انصاری من که زنان بسیار خوبی بودند، برایم نان می‌پختند. همچنین از زمین زبیر که رسول الله ﷺ آنرا به او واگذار کرده بود (تا صرفاً از آن استفاده کند و مالک آن نبود) و دو سوم فرسنگ با ما فاصله داشت، هسته می‌آوردم. یکی از روزها که هسته‌ها بر سرم بود و داشتم می‌آدمم با رسول الله ﷺ که تعداد زیادی از انصار، همراهش بودند، برخورد نمودم. آنحضرت ﷺ مرا صدا زد و گفت: «إِخْ إِخْ» یعنی خواست شترش را بخواباند تا مرا پشت سرش سوار کند ۱۴۴. اما من شرم کردم که با مردان، همراه شوم. علاوه بر این، از آنجا که زبیر با غیرت‌ترین مردم بشمار می‌رفت، بیاد او و غیرت‌اش افتادم. رسول خدا ﷺ هم دانست که من خجالت می‌کشم. لذا به راهش ادامه داد. من نزد زبیر رفتم و گفتم: رسول خدا ﷺ که چند نفر از یارانش نیز همراه او بودند، مرا دید که هسته بر سرم دارم. شترش را خواباند تا بر آن سوار شوم. اما من خجالت کشیدم. علاوه بر آن، به یاد غیرت‌ات افتادم. زبیر گفت: سوگند به خدا که حمل هسته‌ها بر سرت، از سوار شدن با رسول اکرم ﷺ برایم دشوارتر بود. اسماء می‌گوید: چنین وضعی داشتم تا اینکه سرانجام، پدرم؛ ابوبکر رضی الله عنه؛ خدمتگزاری برایم فرستاد که کارهای اسب را انجام می‌داد. او با این کار، گویا مرا آزاد ساخت.»

مَصَاجِعِكُمْ تَكْبِيرًا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ وَتُسَبِّحًا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَتَحْمَدًا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ  
مِنْ خَادِمٍ (۱۴۵).

یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام می گوید: فاطمه از سختی کار با آسیا، شکایت داشت. بدین جهت، پس از اینکه چند اسیر نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله آوردند، خدمت محمد صلی الله علیه و آله رفت ولی او را نیافت، بلکه عایشه را دید و در این مورد، با وی سخن گفت. هنگامی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمد، عایشه او را از آمدن فاطمه باخبر ساخت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزد ما آمد در حالی که ما به رخت خواب رفته بودیم. خواستم بلند شوم که فرمود: «بلند نشوید». آنگاه بین ما نشست تا جایی که سردی قدم هایش را بر سینه ام احساس کردم و فرمود: «آیا به شما چیزی بهتر از خواسته تان نیاموزم؟ هرگاه به رخت خواب رفتید، سی و چهار بار الله اکبر، سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار، الحمد لله بگوئید. اینها برای شما از خدمتکار، بهتراند.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه با خانم بیوه ای ازدواج نموده بود و چنین روایت می کند: رسول الله صلی الله علیه وسلم از من پرسید: ازدواج کرده ای؟ عرض کردم: بلی. فرمود: با دختری یا بیوه زنی؟ گفتم: با بیوه ای، فرمود: چرا با دوشیزه ای ازدواج نکردی تا تو با او و او با تو، بازی کند؟ گفتم: ای رسول الله! چند خواهر یتیم داشتم، می خواستم با همسری ازدواج کنم که خواهرانم را سرپرستی کرده، امور آنان را اداره کند و به نظافت آنان بپردازد (۱۴۶).

و نیز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم زنان انصار را چنین توصیف نموده است:  
«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: «نِسَاءُ قُرَيْشٍ خَيْرٌ نِسَاءِ رِكْبَنِ الْإِبِلِ،  
أَحْنَاهُ عَلَى طِفْلِ، وَأَرْعَاهُ عَلَى زَوْجٍ فِي ذَاتِ يَدِهِ» (۱۴۷).

یعنی ابوهریره رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: زنان قریش، بهترین زنان شتر سوار عرب اند، آنان از همه زنان، به فرزندان خود، مهربان تراند و بهتر از همه اموال همسران خود را حفاظت می کنند.

۱۴۵- صحیح البخاری (حدیث ۵۲۶۱) و صحیح مسلم (ص: ۲۰۹۱).  
۱۴۶- صحیح البخاری (حدیث: ۵۳۶۷) و صحیح مسلم (ص: ۱۰۸۷).  
۱۴۷- متفق علیه.

لازم است که مرد نیز در امور منزل سهیم شده و همراهی خانم خود کمک نماید طوری که قبلاً در حدیث بیان شد و در اینجا قابل تذکر می باشد: **عَنِ الْأَسْوَدِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: مَا كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُ فِي بَيْتِهِ؟ قَالَتْ: كَانَ يَكُونُ فِي مَهْنَةِ أَهْلِهِ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ، خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ** (۱۴۸).

یعنی از اسود بن یزید رضی الله عنه روایت است که گفت:

از عائشه رضی الله عنها سؤال شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم در خانه اش چه می کرد؟ گفت: ایشان به کار خانه خویش مشغول بودند و چون هنگام نماز می رسید، به نماز برمی آمدند.

### مثالی که می باید آن را سرمشق قرار داد

خانمی است برتر، از جمله صحابیات است، هوشیار، دارای ویژگی هایی از خیر و نیک اندیشی است، از اهل بهشت است، دعوت گر است، مجاهده است، در مقابل مصیبت ها صبر کننده است، در مورد دین خود جستجو کننده است، دارای سخاوت و عزت نفس در خانواده است، به پیمانی که با خدا و رسولش بسته، متعهد و ثابت قدم است.

(می دانید آن خانم کی است؟)

آن خانم ام سلیم رضی الله عنها، است، رُمیصاء بنت ملحان، مادر انس بن مالک رضی الله عنه که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد وی فرموده است: جنت برایم نمایان شد، من در آن خانم ابوطلحه (رمیصاء بنت ملحان) را دیدم (۱۴۹).

در روایت دیگری آمده است: وارد بهشت شدم و در آنجا صدای پایی شنیدم، پرسیدم: این کیست؟ گفتند: این رُمیصاء دختر ملحان، مادر انس بن مالک است (۱۵۰).

۱۴۸- صحیح البخاری (حدیث: ۵۳۶۳).

۱۴۹- صحیح مسلم (۲۴۵۷) به روایت جابر بن عبد الله رضي الله عنه.

۱۵۰- النسائي (۱۱۴/۶).

نسائی با سند صحیح از انس رضی الله عنه روایت نموده است که: ابو طلحه به خواستگاری ام سلیم آمد، ام سلیم در جواب گفت: قسم است مثل خودت انسان ها قابل رد کرد را ندارد، اما از این جهت که من مسلمان و تو کافر هستی، برایم حلال نیست که با تو ازدواج نمایم، اگر مسلمان شوید، همین اسلام آوردن شما را به حیث مهر قبول کرده و مه دیگر از شما نمی خواهم، ابو طلحه مسلمان شد و مهر و ی اسلام آوردن ابو طلحه بود. ثابت گفته است: در بین زنان، معززترین مهر، مهر ام سلیم را دیدم که همانا اسلام بود، سرانجام ابوطلحه با وی ازدواج نمود که فرزندی از آن ها به دنیا آمد<sup>(۱۵۱)</sup>.

ابن سعد در کتاب (الطبقات) آورده است: ابو طلحه به خواستگاری ام سلیم آمد، ام سلیم در جواب گفت: برای من مناسب نیست که با مشرکی ازدواج نمایم، ای ابو طلحه آیا نمی دانی بت هایی را شما عبادت می کند فلان قوم نجار، آن ها درست کرده اند، اگر به آن ها آتش زنید، می سوزند، این سخن بر قلب ابو طلحه اثری گذاشت و هر روزی که میامد، پاسخ ام سلیم همان پاسخ اول بود، تا این که روزی ابو طلحه آمد و گفت: چیزی را که شما گفتید من قبول کردم، سپس با همدیگر ازدواج نمودند که مهر ام سلیم همان اسلام آوردن ابوطلحه بود<sup>(۱۵۲)</sup>.

#### • جهاد ام سلیم رضی الله عنها:

ام سلیم رضی الله عنها در برخی غزوات با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اشتراک و رزیده است که از جمله آن ها، در صحیح مسلم طور ذیل روایت است:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَغْزُو بِأُمَّ سَلِيمٍ وَنِسْوَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ مَعَهُ إِذَا غَزَا فَيَسْقِينَ الْمَاءَ وَيُدَاوِينَ الْجُرْحَى <sup>(۱۵۳)</sup>.

یعنی انس بن مالک رضی الله عنه گفته است: پیامبر صلی الله علیه وسلم را در غزوات (ام سلیم) و دیگر زنان انصار نیز همراهی می نمودند؛ کار آنها توزیع آب و تداوی زخمی ها بود.

۱۵۱- النسائی (۱۱۴/۶).

۱۵۲- ابن سعد، الطبقات (۳۱۲/۸).

۱۵۳- صحیح مسلم (۱۸۱۰).



همچنان در صحیح مسلم از انس رضی الله عنه روایت است: در روز حنین، ام سلیم با خود خنجری را برداشته بود، ابو طلحه آن را دید، ابو طلحه به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم گفت: ای رسول الله! این خانم، ام سلیم است که با خود خنجر برداشته است! رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برایش گفت: این چه است؟ ام سلیم گفت: این خنجر است، من از این جهت آن را برداشته ام که اگر مشرکی خواسته باشد به طرف من نزدیک شود، شکمش را با آن پاره نمایم! با شنیدن سخنان وی، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به خنده آمد، بعداً ام سلیم گفت: ای رسول الله! افرادی که در این غزوه از ما تخلف ورزیدند و با ما نیامدند، همان افرادی که در مقابل شما شکست خوردند (منظورش اهل مکه بود که مورد عفو قرار گرفتند و مسلمان شدند) آن ها را می کشم، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ام سلمه! الله تعالی (قتل آن هارا) بس نموده و احسان فرموده است <sup>(۱۵۴)</sup>.

#### • صبر ام سلیم در مقابل مصیبت ها:

در صحیح البخاری و صحیح مسلم از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: پسر ابو طلحه مریض شد، ابو طلحه از خانه بیرون آمد پسرش وفات یافت، چون ابو طلحه آمد گفت: پسرم چه کار شد؟ ام سلیم مادر پسر گفت: حالش بهتر است و غذای شب را برایش آماده ساخته و او هم غذا صرف کرد ابو طلحه با خاطری آسوده خوابید و آن شب با همسرش نزدیکی نمود و چون کار را تمام کرد همسرش گفت: پسر را بخاک سپردند، هنگام صبح ابو طلحه خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده ایشان را از جریان با خبر ساخت. محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: خدایا بر ایشان برکت نازل فرما!

مدتی بعد همسر ابو طلحه پسری ولادت نمود، انس می گوید: ابو طلحه به من گفت: او را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم ببر، چند دانه خرما هم همراهش فرستاد، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا با او چیزی هست؟ گفتم: بلی چند دانه خرما هست، پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را جویده و بعد آن را گرفته به دهن طفل نهاده و به کامش مالیده و نامش را عبدالله گذاشتند <sup>(۱۵۵)</sup>.

۱۵۴- صحیح مسلم (۱۸۰۹).

۱۵۵- صحیح البخاری (حدیث: ۵۴۷۰) و صحیح مسلم (ص: ۱۶۹۰).

### • جستجوی ام سلیم در مورد تعالیم دینی

در صحیح البخاری و صحیح مسلم روایت است:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَ قَالَتْ: جَاءَتْ أُمُّ سَلِيمٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ، فَهَلْ عَلَى الْمَرْأَةِ مِنْ غَسْلِ إِذَا احْتَلَمَتْ؟ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِذَا رَأَتْ الْمَاءَ». فَعَطَّتْ أُمُّ سَلَمَةَ تَعْنِي وَجْهَهَا وَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْتَحْتَلِمُ الْمَرْأَةُ؟ قَالَ: «نَعَمْ تَرَبَّتْ يَمِينُكَ، فِيمَ يُشْبِهُهَا وَلَكِنَّهَا»<sup>(۱۵۶)</sup>.

یعنی ام سلمه می گوید: ام سلیم نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! خداوند از بیان حق، شرم و حیا نمی کند؛ اگر زنی احتلام شود، غسل بر وی واجب است؟ رسول الله ﷺ فرمود: «بلی، اگر آب (منی) را ببیند». ام سلمه صورتش را پوشید و گفت: ای رسول الله! مگر زن هم احتلام می شود؟ رسول الله ﷺ فرمود: «بلی، و گر نه چگونه فرزند، با مادرش شباهت پیدا می کرد؟ آب مرد غلیظ و سفید است، آب زن رقیق و زرد رنگ مانند است.

### • سخاوت و عزت نفس ام سلیم رَضِيَ اللهُ عَنْهَا

اما سخاوت ام سلیم رَضِيَ اللهُ عَنْهَا از قصه وی هویدا است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با جمعی از اصحاب خود به خانه اش تشریف میاورند و ام سلیم بدون تعمق آنان را پذیرایی می کند، زیرا؛ وی می دانست و معرفت داشت که الله تعالی برای مصرف کننده، مصارفش را دو باره جبران می کند، طوری که در صحیح البخاری و صحیح مسلم ذکر است:

انس صلی الله علیه وسلم گفته است: ابو طلحه برای ام سلیم گفت: من صدای رسول الله صلی الله علیه وسلم را خفیف شنیدم که گرسنگی اش را دانستم، آیا چیزی داری؟ گفت: بلی و چند قرص نان جوین را کشیده و در روسری اش پیچیده و زیر لباسم پنهان نموده و بعداً مرا نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاد، من هم آن را بردم دیدم که در مسجد نشسته و مردم با او بودند، من بالای سرشان ایستادم، محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا ترا ابوطلحه فرستاده؟ گفتم: بلی! باز گفت: آیا برای طعام مرا

خواست؟ گفتم: بلی! رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: برخیزید، آن ها رفتند و من هم در پیشاپیش می رفتم تا اینکه نزد ابوطلحه آمده او را خبر کردم، ابوطلحه گفت: ای ام سلیم رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را آورده و ما هم طعامی نداریم که به آنان بخورانیم! گفت: خدا و رسول او دانا تر اند، ابوطلحه رفت تا که به ملاقات رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید و رسول الله صلی الله علیه وسلم با او رو آورده داخل شدند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ام سلیم هر چه داری بیاور و او آن نان را آورد. رسول الله صلی الله علیه وسلم امر نمود که آن را تکه و نرم نموده و ام سلیم مشکی را که روغن داشت بر آن فشرود و با آن نان خورش ساخت، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم آنچه را که خدا خواسته بود گفت و فرمود: که به ده نفر اجازه بده تا اینکه همه آن گروه خورده سیر شدند، باز گفت: برای ده نفر اجازت ده و برای شان اجازه داد و خوردند و سیر شدند و بر آمدند باز فرمود: برای ده نفر اجازت ده و اجازت داد و خوردند و سیر شدند و بر آمدند تا اینکه همه خوردند و سیر شدند و آنان هفتاد یا هشتاد نفر بودند<sup>(۱۵۷)</sup>.

نگاه کن! ثبات و اعتماد ام سلیم را و نگاه کن! یقین وی را که الله تعالی در غذای آن ها برکت نازل خواهد کرد و الله تعالی آن ها را در مقابل مهمانان ایشان رسوا نمی کند، او فقط همین قدر می گوید: الله و رسولش بهتر می داند. ای کاش! دیگر زنان همانند ام سلیم همین سخن را متذکر شوند.

### • وفا به تعهد و عدم پیمان شکنی ام سلیم

صحیح البخاری و صحیح مسلم آورده اند:

ام عطیه می گوید: رسول الله ﷺ با ما بیعت کرد و این آیه را خواند که:

﴿أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْءٌ﴾ [المنحة: ۱۲].

یعنی با خداوند، چیزی را شریک نسازیم. و همچنین ما را از نوحه خوانی، نهی فرمود، آنگاه زنی دست اش را جمع کرد و گفت: فلائی در غم من نوحه خوانده است، می خواهم پاداش اش را بدهم (در غم او نوحه بخوانم) نبی اکرم ﷺ به او چیزی نگفت،

پس آن زن رفت و دوباره برگشت اما به جز ام سلیم، ام العلاء و خانم معاذ، هیچ زن دیگری در تعهد خود ثابت قدم، باقی نماندند.

## صبر و سپاس گزاری

لازم است که زن و شوهر همیشه متمسک به دین الله سبحانه و تعالی بوده، صبر و سپاس گزاری را جزء لاینفک زندگی خود قرار دهند، در مقابل مشکلات زندگی صبر نمایند و در مقابل نعمت های الله تعالی شکر گزار باشند، زیرا، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده است:

((عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ: إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ))<sup>(۱۵۸)</sup>.

یعنی کار مسلمان، انسان را به شگفتی و تعجب وا میدارد، زیرا؛ همهء کارش برای او خیر است، و این امر برای هیچکس جز مسلمان ممکن نیست، اگر به وی فراخی و آسانی روی دهد شکر کند، برایش خیر است و اگر به او سختی برسد هم صبر کند برایش خیر است.

بنا بر آن بر زن و شوهر لازم است که بدانند فرزند آوردن و عقامت در اراده الله تعالی است، پس در همه حالات می باید زن و شوهر غمگین نگردیده بلکه در برخی حالات می باید شکر نمایند و در برخی حالات صبر نمایند؛ این الله تعالی است که به کسی بخواهد فرزند می دهد و به کسی نخواست نمی دهد، کسی را عقیم و کسی را غیر عقیم می آفریند، برای کسی فرزندان زیادی می دهد و برای کسی کمتر از آن و برای کسی هیچ فرزندی نمی دهد، برای برخی ها پسر اعطاء می کند و برای برخی دیگر دختر طوری که فرموده است: ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ. أَوْ يَزُوْجَهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾<sup>الثوری/۴۹-</sup>

ترجمه: فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن خداست هر چه بخواهد می آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می دهد، یا آنها را پسران و دخترانی توام با یکدیگر می گرداند و هر که را بخواهد عقیم می سازد اوست دانای توانا.

پس طفل آوردن مرتبط به، کوشش، مهارت، مرد بودن، ذکاوت و نیرو، نمی شود، زیرا بسا نیرومندانی در جهان وجود دارند اما عقیم اند و بسا هوشیارانی در دنیا وجود دارند اما از طفل داشتن محروم اند.

نگاه کنید به ازواج مطهرات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که بجز از خدیجة الکبری و کنیزش ماریه دیگر از هیچ خانمش فرزندی نداشت.

نگاه کنید به سلیمان علیه السلام طوری که قبلاً بیان شد گفت: من، همین شب با هفتاد خانم خود تماس جنسی بر قرار خواهم نمود؛ تا اینکه تمام آن ها حامل برداشته و آن ن ها در راه الله تعالی جهاد کنند، در نتیجه صرف یک خانم بار دار شد، که آن هم یک بخش بدنش ناقص بود (۱۵۹).

الله تعالی برای زکریا علیه السلام در کهن سالی، در حالی که استخوان هایش سست، مو هایش سفید و خانمش عقیم است، فرزندی می دهد.

همچنان به ابراهیم علیه السلام نگاه کنید در حالی که کهن سال شده و خانمش عقیم است اما الله سبحانه و تعالی او را فرزندی می دهد که خانمش تعجب نموده و آن را در قرآن کریم چنین بیان نموده است: ﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ [هود/۷۲]

ترجمه: [همسر ابراهیم] گفت ای وای بر من آیا فرزند آورم با آنکه من پیر زنم و این شوهرم پیرمرد است واقعا این چیز بسیار عجیبی است.

---

۱۵۹- صحیح البخاری (۳۴۲۴). مترجم گوید: این عمل از نگاه زمانی اشکالی را وارد نمی کند؛ زیرا الله تعالی قادر است که یک پیامبر خود را به چنین ویژگی تخصیص دهد که به دیگران مستحیل باشد، طوری که محمد صلی الله علیه وسلم را در یک شب به معراج مشرف نمود که در همان شب به معراج رفت و در همان شب دوباره برگشت نیز نمود.

و الله تعالی برای مریم علیها السلام بدون اینکه ازدواج نماید؛ فرزندی اعطاء می کند، تا مردم به قدرت و عظمت الله سبحانه و تعالی پی ببرند، پس فرزند آوردن و عقیم ماندن در اراده و قدرت الله تعالی است نه در توان مخلوق.

پس زمانی که زن و شوهر دچار عقامت می شوند نباید از زندگی مأیوس شوند بلکه می باید صبر نمود و به قضاء الهی گردن تسلیم نهاد، زیرا؛ ممکن است که این عقامت به خیر آن ها باشد و آن ها ندانند و یا آن طفل سبب طغیان و کفر آن ها گردد، نگاه کنید به قصه جوانی که با خضر علیه السلام در قرآن کریم ذکر شده است: ﴿وَأُمَّا الْعَلَمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾ (الکهف/ ۸۰).

ترجمه: و اما نوجوان، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشد.

بسا فرزندانند که در بطن مادر، در قسمت ایشان شقاوت نوشته می شود. الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (التغابن/ ۱۴).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشایید و درگذرید و بیامزید به راستی خدا آمرزنده مهربان است.

و فرموده است: ﴿أَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا﴾ (النساء/ ۱۷).

ترجمه: شما نمی دانید پدران و فرزندان کدام یک برای شما سودمندترند.

به یحیی علیه السلام نگاه کنید، سید، پاکدامن و بی نیاز از خانم بود.

پس طفل آوردن در تمام اوقات به خیر انسان نمی باشد و فرزندان در تمام حالات نمی توانند که والدین خود را خوشبخت سازند، نگاه کنید به فرزند نوح علیه السلام که قرآن کریم در مورد او فرموده است:

﴿يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ . قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرِقِينَ﴾ [هود: ۴۲-۴۳].

(نوح به فرزندش گفت:) ای پسرک من! با ما سوار شو و با کافران مباش گفت: به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد گفت امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاهدارنده‌ای نیست مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند و موج میان آن دو حایل شد و [پسر] از غرق‌شدگان گردید.

تا اینکه نوح می‌گوید: ﴿وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ . قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [هود: ۴۵-۴۶].

ترجمه: و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسر من از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای] کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان باشی.

پس وقتی برای زن و شوهر عدم طفل آوردن مقدر شده باشد می‌باید صبر و دعاء نموده و خود را به قضاء و قدر الهی عادت دهد.

هرگاه الله تعالی برای والدین دختر اعطاء نمود، این هم از خواست و خلقی الهی است که چیزی را خواسته باشد انجام می‌دهد طوری که فرمود: ﴿وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾ [الشوری: ۴۹].

(آیت قبلاً ترجمه شد) بنا بر آن در این صورت نیز می‌باید که والدین، الله تعالی را شکرگزاری نموده

و به اعطاء الله تعالی راضی باشند و مانند مشرکین زمان جاهلیت نشوند که الله تعالی از حال ایشان برای

فرموده است: ﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ . يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾<sup>۱۶۰</sup>  
 النحل/۵۸-۵۹.

ترجمه: و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند چهره اش سیاه می‌گردد در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد؛ از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبيله [خود] روی می‌پوشاند آیا او را با خواری نگاه دارد؟ یا در خاک پنهانش کند؟ واه چه بد داوری می‌کنند!

در مورد داشتن دختر و نیکی با آن‌ها، پاداش‌های بزرگی را رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیان نموده، طوری که در صحیح مسلم از انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّىٰ تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ» وَضَمَّ أَصَابِعَهُ<sup>(۱۶۰)</sup>.

یعنی کسی که سرپرستی دو دختر را بدوش گیرد، تا اینکه بالغ گردند، در روز قیامت می‌آید، در حالیکه من و او مانند این دو می‌باشیم و انگشتان خود را با هم یکجا نمود.

بخاری و مسلم حدیث دیگری را از عائشه صدیقه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا چنین روایت نموده

اند:

وعن عائشة رضي الله عنها قالت: دَخَلَتْ عَلَيَّ امْرَأَةٌ وَمَعَهَا ابْتِنَانِ لَهَا تَسْأَلُ فَلَمْ تَجِدْ عِنْدِي شَيْئًا غَيْرَ تَمْرَةٍ وَاحِدَةٍ ، فَأَعْطَيْتَهَا إِيَّاهَا فَفَقَسَمَتْهَا بَيْنَ ابْنَتَيْهَا وَلَمْ تَأْكُلْ مِنْهَا ثُمَّ قَامَتْ فَخَرَجَتْ ، فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْنَا ، فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: «مَنْ ابْتَلَىٰ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ»<sup>(۱۶۱)</sup>.

۱۶۰- صحیح مسلم (۴۸۶/۵).

۱۶۱- متفق علیه.



یعنی از عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: زنی با دو دخترش، به خانه ام داخل شده سؤال نمود و در نزد من چیزی جز یک خرما یافت نشد، من آنرا به او دادم، و او آن را در میان آن دو قسمت کرد و خودش از آن چیزی نخورد، سپس برخاسته و بیرون شد، بعداً پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد خانه شد، و من جریان را به او گفتم، فرمود: کسی که به چیزی از این دخترها آزمایش شود و به آنها نیکی کند، برایش حجابی از آتش دوزخ می‌باشند. و در روایت دیگری از صحیح مسلم چنین آمده است: «عن عائشة رضي الله عنها قالت: جاءتني مسكينة تحمِل ابنتين لها، فأطعمتها ثلاث تمرات، فأعطت كل واحدةٍ منهما تمرّة ورفعت إلى فيها تمرّة لتأكلها، فاستطعمتها ابنتاهما، فشقت التمرّة التي كانت تريد أن تأكلها بينهما، فأعجبنى شأنها، فذكرت الذي صنعت لرسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: «إن الله قد أوجب لها بها الجنة، أو أعتقها بها من النار» (۱۶۲).

یعنی از عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: زن مسکینی که دو دختر را در بغل داشت، نزد من آمد، من سه دانه خرما برایش دادم، او برای هر دو یک، یک دانه خرما داده و یک دانه را به دهن خویش نزدیک نمود تا آن را بخورد، دخترانش آن را از او خواستند، او آن خرمایی را که می‌خواست بخورد، در میان شان دو قسمت نمود، من از حالش به شگفت ماندم، و آنچه را انجام داده بود برای رسول الله صلی الله علیه وسلم یاد آوری کردم، محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: خداوند در برابر این عمل بهشت را برایش لازم ساخت، یا او را در برابر این عمل از دوزخ آزاد نمود.

### نصائح گهربار در مورد فضائل اعمال و خلق نیکو

مستحب است که انسان قبل از داخل شدن به خانه، الله سبحانه و تعالی را (با دعاهای خاص، ذکر نماید از شر شیطان در امان، ماند زیرا صحیح مسلم حدیثی را طور ذیل روایت نموده است:

عن جابرٍ، رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ لِأَصْحَابِهِ: لَا مَيِّتَ لَكُمْ وَلَا عِشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ، فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَدْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ وَالْعِشَاءَ» (۱۶۳).

یعنی از جابر رضی الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: هرگاه شخص به خانه اش داخل شده و در وقت داخل شدن خود و در هنگام نان خوردن خویش نام خدا را یاد کند، شیطان به یارانش می گوید: نه می توانید بخوابید و نه می توانید نان بخورید، ولی هرگاه داخل شود و نام خدا را در وقت دخول خود یاد نکند، شیطان می گوید: جای شب ماندن خود را یافتید و هرگاه خدا را در وقت طعام خود یاد نکند، می گوید: جای نان خوردن و شب ماندن را یافتید.

مشروع و مستحب است که انسان هنگام داخل شدن به خانه، بر اهل خانواده سلام داده، با پیشانی باز و روی خندان با ایشان مقابل شود، این عمل کدام کار مشقت باری نیست که در توان انسان نباشد، بلکه در مقابل آن، الله تعالی برای انسان اجر و پاداش می دهد، هرگاه انسان با خانواده خود با جبین گشاده و روی خندان مقابل شود، الله آن را من حیث صدقه قبول می فرماید، طوری که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئاً وَلَوْ أَنَّ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِيقٍ (۱۶۴).

یعنی هیچ کار خوب و پسندیده را حقیر مشمایید، هر چند با برادرت به چهرهء گشاده روبرو شوی.

الله سبحانه و تعالی فرموده است: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (النور/۶۱).

ترجمه: چون به خانه‌ها درآمدید به یکدیگر سلام کنید، درودی که نزد خدا مبارك و خوش است خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند امید که بیندیشید.

۱۶۳- صحیح مسلم (۲۷۱۲).

۱۶۴- صحیح مسلم (۲۶۲۶) از ابوذر رضی الله عنه.

از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده است: هرگاه وارد خانه شدی، بر اهل خود سلام بده، سلامی که نزد خدا مبارك و خوش است (۱۶۵).

اما اگر در صورتی وارد خانه شوی که پیشانی ات خشمناک، رویت وحشتناک (غیر خندان) رگ های گردنت گرفتگی، در حالی که از چشم هایت شر هویدا است و طوری معلوم می شود که گویا! بر کسی حمله می بری، با دیگران می خندی، خوشحالی می نمایی، اما با خانواده خود، ملول و ناراحت معلوم می شوی، با دیدن خود در آئینه، برایت معلوم می شود که هر فردی از رویت متنفر بوده و به خدا از آن پناه می برد (اعوذ بالله می گوید) این همان صورتی است که تو از خیر محروم شده ای، زیرا؛ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده است: « خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ » (۱۶۶).

یعنی بهترین شما کسی است که در خانواده خود بهتر باشد.

## سخنانی برای شوهر

- ۱- چه مشکلی وجود دارد که خوش و خندان، با چهره بشاش، وارد خانه گردی؛ تا اجر و پاداش نصیبت شود!
- ۲- چه مشکلی وجود دارد که با خوشی و تبسم با اولاد و خانواده خود مقابل شو؟
- ۳- چه زبانی دارد که هنگام وارد شدن به اتاق خانم ات، با وی به شوخی و ملاحظه پردازی! آیا مشکلی وجود دارد که یک لقمه نان را گرفته و آن را در دهن خانم ات بگذاری؟ و به این اساس مستحق ثواب شوی.

---

۱۶۵ - بیه روایت بخاری، ادب المفرد، (اثر: ۱۰۹۵).

۱۶۶ - ترمذی (۴۲۶۹).

- ۴- آیا مشکل است که هنگام داخل شدن به خانه مکمل سلام داده و بگویی: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، تا مستحق سی درجه<sup>(۱۶۷)</sup> پاداش شوی؟
- ۵- چه می شود که هنگام داخل شدن به خانه، سخن خوشایندی بگویی! و لو که با تکلف و دروغ مباح هم باشد، تا خانم ات توسط آن خوش شود؟
- ۶- هنگامی که وارد خانه می شوی با خانواده خود احوال پرسى کن.
- ۷- مشکل نیست که بعد از رسیدن به خانه، برای خانم خود بگویی، فکر می کنم که یک سال خودت را ندیده باشم.
- ۸- چه می شود زمانی که ناراحت بودی، به نیت پاداش با خانم خود مباشرت نمایی تا مستحق اجر و پاداش شوی! طوری که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: در تماس جنسی میان زن و شوهر، اجر و ثواب است<sup>(۱۶۸)</sup>

---

۱۶۷- عن عمران بن حصین رضي الله عنهما قال: جاء رجل إلى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقال: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَرَدَّ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ، فقال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَشْرٌ» ثم جاءَ آخَرَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ فَجَلَسَ، فقال: «عِشْرُونَ» . ثم جاءَ آخَرَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَرَدَّ عَلَيْهِ فَجَلَسَ، فقال: «ثَلَاثُونَ» . رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن. يعني: از عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت شده که گفت: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و گفت: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، جوابش را داد و او نشست. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ده برابر. باز دیگری آمده و گفت: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، جوابش را داد و او نشست و باز فرمود: بیست. باز دیگری آمده و گفت: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، پس جوابش را داد و او نشست و فرمود: سی بار. ش: عشره یعنی حسنه به ده برابر آن مکافات داده می شود و چون تنها سلام گفت، ثواب آن ده برابر است و آنکه به سلام و رحمت دعا نمود ده حسنه در برابر سلام و ده حسنه در برابر رحمت جمعاً بیست حسنه برایش است. و آنکه به سلام و رحمت و برکت دعا نمود، در مقابل هر یک ده حسنه جمعاً سی حسنه برایش داده می شود.

- ۹- ای بنده خدا! آیا مشکل است که بگویی: یا الله! خانم ام را اصلاح کن و وی را برایم مایه برکت بگردان.
- ۱۰- سخن نیکو صدقه است.
- ۱۱- جبین گشاده و تبسم در مقابل خانم صدقه است.
- ۱۲- سلام دادن برای خانم مملو از حسنات است.
- ۱۳- دست پرسی سبب پاک شدن از خطاها است.
- ۱۴- در مباشرت میان زن و شوهر، پاداش است.

### سخنانی برای خانم

- ۱- آیا زیانی دارد، هنگامی که شوهرت به خانه بر می گردد، با او به پیشانی باز و تبسم رو به رو شوی؟
- ۲- آیا مشکل است که گرد و غبار را از سر، صورت و لباس شوهرت، دور نموده و او را ببوسی؟
- ۳- فکر نکنم که برایت سخت تمام شود؛ اینکه تا شوهرت، نه نشسته باشد ایستاده بمانی.
- ۴- فکر نکنم که برایت سخت تمام شود اینکه برایش بگویی خسته نباشی، شکر که به خیر آمدی، ما زیاد منتظر آمدنت بودیم.
- ۵- خود را برای شوهر خود آرایش کن و آن را برای خود ثواب بساز، زیرا؛ الله تعالی زیبا است و زیبایی را خوش دارد، برای استقبال شوهر خود، خود را خوشبو کن، سرمه بکش و بهترین لباس های خود را بر تن کن. هیچ گاه و هرگز پیشانی ترش نباش.
- ۶- هیچ گاه به سخنان اشخاص فریب کار و مفسد که می خواهند زندگی خوش شما را بر هم زند گوش مده.

- ۷- هیچ گاه غمگین و کسل نباش، همواره به الله تعال از غم، کسالت، عجز و ناتوانی، پناه ببر.
- ۸- هیچ گاه با مردیگانه سخنان نرم و ناز مگو، زیرا در موردت بدگمان شده و در دلش -چون که مرض نفاق دارد هوای تو را می پروراند.
- ۹- همیشه دارای صد در صد خاطر آرام و به ذکر الله تعالی مشغول باش.
- ۱۰- مشکلات شوهر خود را از قبیل خستگی، نا راحتی، مصیبت و پریشانی هایی را که متحل شده درک کن و در حل نمون آن با او سهیم باش.
- ۱۱- شوهرت را امر کن که با والدین خود نیکی و همکاری نماید.
- ۱۲- اولاد خود را به بهترین وجه تربیه کن، خانه خود را با ذکر های مأثور چون تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر و تلاوت قرآن کریم به ویژه سوره البقره که مانع ورود شیطان می شود منور کن.
- ۱۳- از خانه خود تصویر، آلت لهو و فساد را دور کن.
- ۱۴- شوهر خود را برای نماز های تهجد بیدار کن، به روزه های نفلی تشویق اش کن و پاداش صدقه را برایش متذکر شده مانع صله رحمی او تشویق
- ۱۵- برای خود، شوهرت و تمام مسلمانان از بارگاه الهی طلب مغفرت نموده و از او تعالی خواهان اولاد صالح، اصلاح نیت و خیر دنیا و آخرت باش، زیرا؛ پروردگارت شنوا و دانا است طوری که می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ﴾ (اعراف/۶۰).
- ترجمه: و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

## سخنانی برای زن و شوهر

- ۱- محروم کسی است که از ثواب محروم بماند. چه بهتر است که هردوی تان خود را به الله تعالی مقرب نماید!
- ۲- چقدر زیبا و بهتر است که با همدیگر تلاوت قرآن نموده و احادیث نبوی را به خوانش گیرید.
- ۳- چقدر زیبا و بهتر است که با همدیگر مسائل فقهی را بیاموزید.
- ۴- چقدر زیبا و بهتر است که با همدیگر به رسول الله درود بفرستید تا الله تعالی بر شما درود و رحمت بفرستد.
- ۵- در صورتی که هردو تان مشغول ذکر باشید، برای تان مژده مغفرت و اجر عظیم را می دهم.
- ۶- برای تان مبارک و آفرین می گویم در صورتی که هردوی تان، از جمله صابران، صادقین، فرمان بر داران، صدقه دهنده گان و مستغفرین در صبح گاهان باشید.
- ۷- برای والدین، دوستان و اقارب خود، هدیه ای ببرید.
- ۸- شگفت آور است که مهمان نواز باشید، با همسایه های خود کمک کنید، صله رحمی را رعایت نموده و در حالی که دیگران خواب باشند و شما مصروف نماز باشید.
- ۹- شیوه نیکو کاران را بیمایید به طوری که خشم خود را فرو برده و از اشتباهات دیگران گذشت نمایید.
- ۱۰- چقدر اجر و پاداش دارد که با همدیگر، در انجام دادن اعمال خیر همکاری نموده و در گناه همکاری را ترک نمایید.
- ۱۱- الله تعالی شمارا از جمله زیان کارا نمی گرداند مادامی که به حق و صبر توصیه نمایید.
- ۱۲- الله تعالی جنت را به شما می دهد در صورتی که ارکان دین را بر پا داشته و الله تعالی را بر خود حاضر و مراقب بدانید.

- ۱۳- آیا در این آیت برای شما سر مشق خوبی نیست که الله تعالی فرموده است: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ (الحشر/۹)
- ترجمه: و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند.
- ۱۴- آیا راه کسانی را تعقیب نمی‌کنید که به سوی الله تعالی رجوع نموده و از هدایت او پیروی نمودند؟
- ۱۵- آیا اقتدا نمودید به هدایت الله تعالی که توسط پیامبران آورده شده است؟
- ۱۶- به شما خطاب می‌کنم: ای خانم و ای شوهر! دعا کنید که الله تعالی دین اسلام و پیروان آن را پیروز نماید، اولاد های تان و تمام مسلمان را اعم از مرد و زن در پناه خود حفظ نموده و شما هر دو را با انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین که بهترین دوستان یکدیگر اند، وارد جنت الفردوس، نموده و هر دوی تان را با همدیگر در آن جا جمع نماید.

### لحظه ای با فرزندان

بر والدین لازم است که در قسمت تربیه اولاد خود توجه خاصی نموده، برای آن ها توحید، اصول دین، ارکان اسلام، احسان را تعلیم دهند، بهشت را برای ایشان توصیف نموده و اعمالی را که سبب رفتن به بهشت می شود به آن ها بفهمانند و آن ها را به رفتن به بهشت تشویق نمایند، همین طور جهنم را برای ایشان توصیف نموده و اعمالی را که سبب رفتن به جهنم می شود به آن ها بفهمانند و آن ها را از اعمالی که سبب رفتن به جهنم می شود بر حذر دارند.

فرزندان خود را به موعظه جامع و نافع که لقمان آن را به فرزند خود توصیه نموده بود، وصیت نمایند طوری که الله تعالی آن را در قرآن کریم چنین بیان نموده است: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان/۱۳).



ترجمه: [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش در حالی که وی او را اندرز می داد گفت: ای پسرک من به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است.

اولاد های خود را از شرک بر حذر داشته، مفهوم و انواع شرک را برای آن ها توضیح دهند که یک نوع آن هم مدد خواستن از غیر الله می باشد، طوری که در قرآن کریم آمده است: ﴿يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ. وَإِذَا حَضِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ﴾ [الأحقاف/۶۵]

ترجمه: و کیست گمراه تر از آن کس که به جای خدا کسی را می خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی دهد و آنها از دعای شان بی خبرند و چون مردم محشور گردند دشمنان آنان باشند و به عبادت شان انکار ورزند.

پس کسی که از مرده ای مدد خواست و از او امیدی نمود، بدون شک که وی مرتکب شرک با الله تعالی گردیده، زیرا، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (الدعاء هو العبادة)<sup>(۱۶۹)</sup>

یعنی دعاء عین عبادت است.

برای فرزندان خود تعلیم دهند که مدد خواستن از اهل قبور در هیچ صورتی جواز ندارد، بلکه مدد خواستن صرف از الله تعالی جواز دارد.

برای فرزندان خود بیان نمایند که بت ها، سنگ ها و درخت ها، نه برای کسی نفع رسانده می توانند و نه مانع زیانی شده می توانند، همین طور مردگان برای خود مالک نفع و زیان نیستند پس به دیگران به طریقه اولی مالک نفع و ضرر نیستند، برای آن ها تعلیم دهند که مستحق رکوع سجده، نذر و ذبح صرف الله سبحانه و تعالی است. طواف به جز از کعبه شریفه به جای دیگری جواز ندارد، سوگند یاد کردن فقط به نام الله جواز دارد، پاداش عمل تنها از الله تعالی قابل رجاء است، نفع و ضرر از الله تعالی خواسته می شود. برای فرزندان تعلیم دهند که حاکمیت، مالکیت و شریعت از آن الله تعالی بوده، تمام چیز های روی زمین فانی می شوند، تنها الله تعالی باقی می ماند و بس.

فرزندان خود را می باید از ریاء و خود نمایی بر حذر دارند زیرا؛ ریاء شرک خفی است.

الله تعال می فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَقِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾<sup>۱۷۰</sup>

ترجمه: و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر بازگرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

انسان می باید دانست که الله تعالی او را با نیکی کردن به و والدین وصیت نموده است و مادر را به این خاطر خاص تذکر داده که وی فرزند خود را در حالت ضعف و ناتوانی با خود حمل نموده و به او شیر داده است، پس باید که با آن ها نیکی نموده نخست سپاس الله تعالی را بجا آورده سپس از والدین خود، شکرگزاری نماید، آن ها را نباید براند و نباید در مقابل آن کلمه (أف) را استعمال نمایند، بلکه با والدین خود به مهربانه و عطف و صحبت نموده در مقابل آن ها متواضع باشد، فرزندان باید برای والدین خود دعا نموده و بگویند، پروردگارا! پدر مادرم را مورد رحمت خود قرار ده، طوری که آن ها من را در کودکی تربیه نموده اند، بر فرزندان لازم است که همیشه و خصوصاً زمانی که به کهن سالی می رسند، خدمت والدین خود را انجام دهند، و احياناً یکی از والدین به حدی کهن سال می شود که حتی ممکن است؛ ادرار خود را گرفته نتواند و یا حتی لباس خود را کثیف نماید، در این صورت نیز لازم است که فرزندان بدون اف گفتن خدمت والدین خود را انجام دهند، و در صورتی که از دهنش (أف) صادر شد چون طبیعت بشری است می باید، آن را متذکر شده و فوراً از آن اجتناب ورزد، الله تعالی فرموده است: ﴿رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُوراً﴾ [الأبراء/۲۵].

ترجمه: پروردگار شما به آنچه در دلهای خود دارید آگاه تر است اگر شایسته باشید قطعاً او آمرزنده توبه کنندگان است.

یعنی برای کسانی که از گناهان خود رجوع نموده و خطاهای خود را ترک می کنند، آمرزنده است.

اما مفهوم اطاعت از والدین این نیست که در شرک و ورزیدن با الله تعالی نیز از آن ها اطاعت نمایند، بلکه لازم است هرگاه والدین فرزندان خود را به شرک دعوت می نمودند، نباید فرزندان در شرک و ورزیدن با الله تعالی ارز آن ها اطاعت نمایند، زیرا اطاعت صرف در معروف است طوری که قبلا در حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم بیان شد، الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿وَلَا تَطَعْ مَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أُمْرُهُ قُرْطًا﴾<sup>۱۷۱</sup>

ترجمه: و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده روی است اطاعت مکن.

اطاعت و متابعت از کسی می شود که به سوی الله تعالی رجوع نموده و طریق او را پیش رو گیرد، یقیناً که مرجع و بازگشت همه تنها به سوی او تعالی است.

اما با وجودی که والدین مشرک باشند باز هم احترام آن ها لازمی می باشد طوری الله تعالی فرموده است: ﴿وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾<sup>۱۷۲</sup>

ترجمه: و در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن.

بنده می باید در کوشش این باشد خود، خانمش، فرزندان و والدین او با توحید و یکتا پرستی از دنیا رحلت نمایند. نگاه کنید به یعقوب علیه السلام زمانی به مرگ او نزدیک می شود تمام فرزندان خود را جمع نموده و چه توصیه می نماید؟

الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾<sup>۱۷۳</sup>

۱۷۱- {الكهف/ ۲۸}.

۱۷۲- {لقمان/ ۱۵}.

۱۷۳- {البقرة/ ۱۳۳}.

ترجمه: آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: پس از من چه را خواهید پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق معبودی یگانه را می‌پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم.

قبل از او جدش ابراهیم خلیل الله، ابراهیمی که متمایل به حق، حلیم و نرم دل بود، ابراهیمی که الله تعالی او را در دنیا برگزید و در آخرت از جمله صالحین است، هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم شو گفت به پروردگار جهانیان تسلیم شدم، همین طور به فرزندان خود وصیت نموده بود که الله تعالی خبر می‌دهد: ﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾<sup>۱۷۴</sup>

ترجمه: و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند [و هر دو در وصیت شان چنین گفتند] ای پسران من! خداوند برای شما این دین را برگزید پس البته نباید جز مسلمان بمیرید.

(در اینجا باز هم بر می‌گردیم به متباقی توصیه‌های لقمان به فرزندش):

لقمان بعد از اینکه فرزندش را از شرک برحذر می‌دارد، در مورد معرفت پروردگار برایش معلومات ارائه نموده و او را می‌فهماند که هیچ چیزی از الله تعالی مخفی نمی‌ماند و هیچ عملی از او ضایعه نمی‌شود، الله تعالی آن را در قرآن کریم چنین بیان نموده است: ﴿يَا بَنِيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾<sup>۱۷۵</sup>

ترجمه: ای پسرک من اگر [عمل تو] به وزن دانه خردلی و در تخته‌سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد، خدا آن را می‌آورد، یقیناً که خدا بسا دقیق و آگاه است.

سیس پسر خود را به ادای نماز، امر به معروف و نهی از منکر تشویق می‌نماید که الله تعالی از آن چنین خبر داده است: ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾<sup>۱۷۶</sup>

۱۷۴-البقرة/۱۳۲.

۱۷۵- لقمان/۱۶.

۱۷۶-لقمان/۱۷.

ترجمه: ای پسرک من نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسبایی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

### چند وصیت های جامعی! (سبحان الله)

• تشویق بر نماز که ستون دین است؛ نمازی که اقامه آن اقامه دین است و ترک آن ترک دین می باشد.

• تشویق بر نماز، نمازی که بعد از ادای شهادتین رکن دوم اسلام است.

• تشویق بر نماز، نمازی که باعث رفتن به بهشت است.

• تشویق بر نماز، نمازی که نور است.

• تشویق بر نماز، نمازی که بجا کرد امر الله تعالی است طوری که می فرماید:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾<sup>۱۷۷</sup>

ترجمه: و اهل و عیال خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش ما از

تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می دهیم و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است.

• تشویق بر نماز، نمازی که شیوه و دستور پیامبران است:

﴿كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾<sup>۱۷۸</sup>

ترجمه: و (اسماعیل) خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد

پروردگارش پسندیده [رفتار] بود.

و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ

سَعِ سِنِينَ، وَاصْبِرُوا لَهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ»<sup>(۱۷۹)</sup>.

۱۷۷- {طه/۱۳۲}.

۱۷۸- {مریم/۵۵}.

۱۷۹- ابوداود(۴۹۵).

یعنی اولاد خود را در هفت سالگی به نماز امر نموده و از ده سالگی به نماز امر نموده و آنها را به خاطر ترک نماز بزیند و خواب گاه شان را جدا کنید.

• تشویق بر نماز، نمازی که سبب نجات از آتش جهنم است، زیرا الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿قَوْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ [الماعون/۴-۵].

ترجمه: پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند.

و فرموده است: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾<sup>۱۸۰</sup>

• تشویق بر نماز، نمازی که در هنگام مصیبت ها، کمک و مانع فحشاء و منکر می شود.

• تشویق بر نماز، نمازی که دارای بیشترین فضایل، بیشترین اجرو پاداش و تعلیم برای فرزندان است، نمازی که انسان را ترغیب به معروف و نهی از منکر می نماید، و در مقابل مصیبت ها به صبر نمودن تشویق می نماید، زیرا! غالبا فردای که امر به معروف و نهی از منکر می نمایند با نوع از چالش ها مواجه می شود که می باید در مقابل آن ها صبر نماید، طوری که الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿وَالْعَصْرِ . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۱۸۱</sup>

ترجمه: سوگند به عصر که واقعا انسان دستخوش زیان است مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند.

سپس لقمان توجه فرزند خود را معطوف می دارد که در تعامل با مردم دارای حسن باشد، الله تعالی آن را چنین بیان نموده است: ﴿وَلَا تَصْعُرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَسَّ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾<sup>۱۸۲</sup>

ترجمه: و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی دارد. یعنی ای فرزندم! هنگام سخن گفتن با مردم، رو در

۱۸۰- (مریم/۵۹-۶)

۱۸۱- (العصر/۱-۳)

۱۸۲- لقمان/ ۱۸.

رو با آن ها سخن بگو، طوری مکن که متکبرانه، بر آن ها پشت گردانیده باشی و با ناز سخن بگویی، بلکه با خوشی با و بشارت با آن ها سخن بگو! همین طور در راه رفتن با خیال و دماغ راه مرو! زیرا خدا انسان های متبکر را دوست نمی دارد. بعد می فرماید:

﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾<sup>۱۸۳</sup>

ترجمه: و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازاها

بانگ خران است.

پس این سخنان ناب را که جامع خیر دنیا و آخرت است به فرزندان خود تعلیم بدهید و بر والدین لازم است تا حدیث ذیل و مفیدی را که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به پسر عموی خود عبد الله ابن عباس رضی الله عنه تعلیم داده است؛ تعلیم دهند: « يَا غُلَامُ إِنِّي أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ: « أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا سَأَعْتَنَ فَاَسْتَعِنِ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ: أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَىٰ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَىٰ أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ، وَجَفَّتِ الصُّحُفُ»<sup>(۱۸۴)</sup>.

یعنی ای فرزندم! چند سخن برایت تعلیم می دهم: خدا را حفظ کن تا ترا حفظ کند. بیاد خدا باش او را در برابرت می یابی. اگر چیزی می خواهی از خدا بخواه و اگر یاری می جویی از خدا بجو و بدان که اگر تمام مردم جمع شوند تا به تو نفعی برسانند، نفع رسانده نمی توانند، مگر چیزی را که خداوند برایت نوشته است و اگر همه جمع شوند تا به تو ضرری برسانند، ضرری رسانده نمی توانند، مگر آنچه خداوند برایت نوشته و مقدر کرده است. قلم ها برداشته شده و صحیفه خشک گردیده است.

بر والدین لازم است که فرزندان خود را از آوان کودکی بر اطاعت، حلال خوری و اجتناب از حرام تعلیم دهند.

۱۸۳- {لقمان/۱۹}.

۱۸۴- ترمذی (۲۵۱۶) صحیح همراه شواهد.

پدر می باید که فرزند خود را همایش به مسجد برده، قرآن، حدیث و نماز را برایش تعلیم دهد، طوری که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ، وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ»<sup>(۱۸۵)</sup>.

یعنی اولاد خود را در هفت سالگی به نماز امر نموده و از ده سالگی به نماز امر نموده و آنها را به خاطر ترک نماز بزنید و خواب گاه شان را جدا کنید.

• والدین می باید که فرزندان خود را به گرفتن روزه نیز عادت دهند طوری که سلف صالح چنین کاری می کردند: ربیع بنت معوذ گفته است: ما روز عاشوراء روزه می گرفتیم و بر اطفال خود هم روزه می گرفتیم، برای آن ها از پنبه اسباب بازی ساخته بودی، هرگاه که از گرسنگی گریه می کردند، اسباب بازی را در اختیار آن ها قرار می دادیم تا اینکه وقت روزه افطاری، فرا می رسید<sup>(۱۸۶)</sup>.

• والدین می باید که فرزندان خود را از حرام بر حذر دارند، زیرا؛ صحیح البخاری

و صحیح

• مسلم روایت نموده اند: وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أخذ الحسن بن علي رضي الله عنهما تمرًا من تمر الصدقة فجعلها في فيه فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كخ كخ، إرم بها، أما علمت أنا لا نأكل الصدقة؟»<sup>(۱۸۷)</sup>.

یعنی از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: حسن بن علی رضی الله عنهما دانه خرمایی از خرماهای صدقه را گرفته به دهن خویش نمود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بنداز، بنداز، آیا نمی دانی که ما مال صدقه را نمی خوریم؟!

والدین می باید که برای فرزندان خود، آداب خوردن و نوشیدن را تعلیم دهند:

زیرا صحیح البخاری و صحیح مسلم روایت نموده اند: عن عمر بن أبي سلمة رضي

۱۸۵- ابوداود(۴۹۵).

۱۸۶- صحیح البخاری

۱۸۷- متفق علیه.



اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كُنْتُ غَلاماً فِي حِجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّخْفَةِ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا غَلامُ سَمِّ اللَّهَ تَعَالَى وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» (۱۸۸).

یعنی از عمر بن ابی سلمه رضی الله عنه روایت شده که گفت: من بجهه بودم در دامان رسول الله صلی الله علیه وسلم و دست من در گوشه های کاسه می گشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم به من فرمود: ای بچه، بسم الله بگو و به دست راست خویش و از نزدیک خود بخور.

در صحیح مسلم روایت است: وَعَنْ حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا إِذَا حَضَرْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَامًا، لَمْ نَضَعْ أَيْدِينَا حَتَّى يَبْدَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَضَعُ يَدَهُ. وَإِنَّا حَضَرْنَا مَعَهُ مَرَّةً طَعَامًا، فَجَاءَتْ جَارِيَةٌ كَانَتْهَا تُدْفَعُ، فَذَهَبَتْ لَتَضَعُ يَدَهَا فِي الطَّعَامِ، فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهَا، ثُمَّ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ كَانَتْهَا يُدْفَعُ، فَأَخَذَ بِيَدِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْتَحِلُّ الطَّعَامَ أَنْ لَا يُذْكَرَ اسْمُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ. وَإِنَّهُ جَاءَ بِهَذِهِ الْجَارِيَةِ لِيَسْتَحِلَّ بِهَا، فَأَخَذْتُ بِيَدِهَا، فَجَاءَ بِهَذَا الْأَعْرَابِيَّ لِيَسْتَحِلَّ بِهِ، فَأَخَذْتُ بِيَدِهِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ يَدَهُ فِي يَدِي مَعَ يَدَيْهِمَا» ثُمَّ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى وَأَكَلَ (۱۸۹).

یعنی از حدیفه رضی الله عنه روایت شده که گفت:

چون همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نان خوردن حضور می یافتیم تا رسول الله صلی الله علیه وسلم شروع نموده و دست خود را می نهاد، ما دست خود را نمی نهادیم و ما با وی برای طعامی حضور یافتیم و دختری آمد که گوئی دنبال می شد (یعنی به سرعت آمده) و خواست دست خود را در طعام نهد که رسول الله صلی الله علیه وسلم دست او را گرفت، باز بادیه نشینی آمد که گوئی دنبال می شد، باز دست او را گرفته و رسول الله صلی الله علیه وسلم سپس فرمود: شیطان طعامی را که در آن نام خدا برده

۱۸۸- صحیح البخاری همراهی الفتح (۵۲۱/۹) و صحیح مسلم (۱۹۲/۱۳).

۱۸۹- صحیح مسلم (۱۸۷/۱۳).

نشود، برای خود حلال می سازد، و او این دختر را آورد که بوسیله اش طعام را به خود حلال سازد، ولی من دست او را گرفتم باز این اعرابی را آورد تا بوسیله او طعام را به خود حلال سازد و من دست او را گرفتم و سوگند به ذاتی که نفس من در دست اوست، که دست او با دست های آن دو در دست من است، سپس بسم الله گفته و طعام را تناول نمود.

دو شخصی نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تشریف آوردند، شخص خورد سن می خواست که سخن بگوید، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: آن بزرگ سن می باید سخن را آغاز کند<sup>(۱۹۰)</sup>.

پس می باید که پدر برای فرزند خود، احترام به بزرگان، شفقت بر کودکان، حق همسایه و حق صله رحمی را نیز تعلیم دهد.

- لازم است که والدین برای اولاد خود، دعای هدایت و اصلاح را نمایند.
- طوری که صالحین چنین دعا هایی را انجام می دادند و یکی از آن ها می گفت :  
﴿وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي﴾<sup>۱۹۱</sup>

ترجمه: و فرزندانم را برایم شایسته گردان.

و می فرماید: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾<sup>۱۹۲</sup>

ترجمه: پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد.

پیامبر ما محمد صلی الله علیه و سلم فرموده است: یا الله! اهل بیت من را از پلیدی دور نگهدار و آن هار پاک و پاکیزه کن<sup>(۱۹۳)</sup>.

---

۱۹۰- متفق علیه.

۱۹۱- (الأحقاف/۱۵)

۱۹۲- (الفرقان/۷۴).

۱۹۳- مسند احمد با سند صحیح (۲۹۸/۶).

والدین می باید فرزندان خود را با دعای های شرعی دم و دعا نمایند طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را انجام می داد، در صحیح البخاری روایت است: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَيَقُولُ: «إِنَّ أَبَاكُمْ كَانَ يُعَوِّذُ بِهَا إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ»<sup>(۱۹۴)</sup>.**

یعنی ابن عباس می گوید: نبی اکرم ﷺ برای حفظ حسن و حسین چنین دعا می کرد: **«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ»** و می فرمود: «پدر شما (ابراهیم عليه السلام) برای حفظ اسماعیل و اسحاق، همین دعا را می خواند».

ترجمه دعا: از هر شیطان، حشره ای گزنده و چشم بد به سخنان کامل خدا، پناه می برم».

سنت فراموش شده را می باید تذکر داد که صحیحین آن را طور ذیل روایت نموده اند: **عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «إِذَا اسْتَجَنَحَ اللَّيْلُ - أَوْ قَالَ: جُنَحُ اللَّيْلِ - فَكُفُّوا صَبِيَانَكُمْ، فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ تَنْتَشِرُ حِينَئِذٍ، فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ الْعِشَاءِ فَخَلُّوهُمْ، وَأَعْلِقُوا بِأَبْكَ وَأَذْكَرِ اسْمَ اللَّهِ، وَأَطْفِئُوا مِصْبَاحَكُمْ وَأَذْكَرِ اسْمَ اللَّهِ، وَأَوْكِ سِقَاءَكَ وَأَذْكَرِ اسْمَ اللَّهِ، وَخَمِّرْ إِثَاءَكَ وَأَذْكَرِ اسْمَ اللَّهِ وَلَوْ تَعَرَّضَ عَلَيْهِ شَيْئًا»<sup>(۱۹۵)</sup>.**

یعنی جابر رضي الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «هنگامی که هوا، تاریک شد، کودکانتان را نگذارید (که از خانه، بیرون بروند) زیرا در این وقت، شیاطین، پراکنده می شوند ولی همین که ساعتی از شب گذشت، آن ها را آزاد بگذارید، سپس در خانه ات را ببند و بسم الله بگو. چراغت را خاموش کن و بسم الله بگو، دهانه مشک ات را ببند و بسم الله بگو. ظرف ات را بپوشان و بسم الله بگو اگر چه قطعه چوبی باشد که فقط بخشی از آن را بپوشاند.

احیاناً اطفال خود را می بینی که بدون هیچ مرضی، زار و نحیف اند و زمانی که اطباء آن ها را معاینه می کنند، در مورد مرض او هیچ چیزی نمی دانند، پس ممکن است که علت دیگری داشته باشد که عبارت از نظر شدن می باشد، صحیح مسلم از جابر فرزند

۱۹۴- صحیح البخاری مع الفتح (۶/۴۰۸).

۱۹۵- متفق علیه.

عبد الله رضی الله عنهما روایت نموده است روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای اسماء بنت عمیس فرمود: « مَا لِي أَرَى أَجْسَامَ بَنِي أَخِي ضَارِعَةً تُصَيِّبُهُمُ الْحَاجَةُ ». قَالَتْ لَا وَلَكِنَّ الْعَيْنَ تُسْرِعُ إِلَيْهِمْ. قَالَ « اِرْقِيهِمْ ». قَالَتْ فَعَرَضْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ « اِرْقِيهِمْ »<sup>(۱۹۶)</sup>.

یعنی چرا برادر زاده هایم را زار و نحیف می بینم؟ آیا آن ها محتاج هستند؟ گفت: نه خیر! آن ها زود نظر می شوند، فرمود: آن ها را دم و دعا کن، من آن ها را نزدش آوردم، فرمود: خودت برای آن ها دم و دعا بخوان.

والدین می باید میان فرزندان خود، عدالت نماید تا این که بی عدالتی آن ها سبب ایجاد کینه و حسد نگردد، صحیح البخاری و صحیح مسلم روایت نموده اند: «عَنْ النُّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: أَعْطَانِي أَبِي عَطِيَّةً، فَقَالَتْ عَمْرَةُ بِنْتُ رَوَاحَةَ: لَا أَرْضَى حَتَّى تُشْهَدَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنِّي أُعْطِيتُ ابْنِي مِنْ عَمْرَةَ بِنْتِ رَوَاحَةَ عَطِيَّةً، فَأَمَرْتَنِي أَنْ أُشْهَدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «أَعْطِيتُ سَائِرَ وَكَذَلِكَ مِثْلَ هَذَا»؟ قَالَ: لَا قَالَ: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ» قَالَ: فَرَجَعَ فَرَدَّ عَطِيَّتَهُ»<sup>(۱۹۷)</sup>.

یعنی نعمان بن بشیر می گوید: پدرم چیزی را به من هدیه کرد، عمه بنت رواحه (مادرم) گفت: تا رسول الله ﷺ را گواه نگیری، من راضی نخواهم شد، پدرم نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: به پسر من که از عمه بنت رواحه است، چیزی اهدا کرده ام، ولی مادرش می گوید که شما را باید گواه بگیرم، رسول الله ﷺ فرمود: «آیا سایر فرزندان را هم، چنین هدیه ای داده ای؟» گفت: نه خیر، رسول الله ﷺ فرمود: «از خدا بترسید و میان فرزندان، با عدالت رفتار کنید» نعمان می گوید: آنگاه، پدرم برگشت و بخشش خود را پس گرفت. درست است که محبت در اختیار انسان نمی باشد و احياناً انسان يك فرزند خود را نسبت به دیگری بیشتر دوست می داشته باشد طوری که الله در مورد فرزندان یعقوب علیه السلام فرموده است: «إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»<sup>(یوسف: ۸)</sup>.

۱۹۶- صحیح مسلم مه النووی (۱۴/۱۸۵).

۱۹۷- متفق علیه.

ترجمه: هنگامی که [برادران او] گفتند یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتی ترند قطعا پدر ما در گمراهی آشکاری است. اما والدین در ظاهر نباید عملی انجام دهند که سبب بغض و کینه گردد، بلکه کاری را کنند که به خیر همه باشد.

اینجا لازم است که ادب مهم دیگری را متذکر شویم و والدین به آن عمل کنند، ادبی که قرآن کریم آن را چنین بیان نموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۱۹۸</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید قطعا باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان [این] سه هنگام برهنگی شماست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید] خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای سنجیده‌کار است و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند باید از شما کسب اجازه کنند همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند، خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد و خدا دانای سنجیده‌کار است.

در این آیات الله تعالی، برای والدین ادب مهمی را ارشاد می‌فرماید که همانا تعلیم دادن فرزندان نابالغ ممیز در قسمت وارد شدن بر والدین در سه وقت است که قبل از داخل شدن می‌باید اجازه بخواهند،

زیرا این اوقات، در معرض کشف عورات و دور کردن لباس می باشد:

- قبل از نماز صبح.
- هنگام خواب قیلوله.
- بعد از نماز خفتن.

غالباً که اوقات سه گانه فوق، اوقات کشف عورات و احیاناً اواق مباشرت جنسی می باشد که می باید والدین اطفال خود را که قادر بر تشخیص دادن مسائل جنسی هستند، تعلیم دهند تا قبل از داخل شدن به خواب گاه آن ها، در خواست اجازه نمایند، زیرا؛ ممکن است که پسر یا دختر، در حالتی داخل اتاق خواب والدین شوند، آن ها کشف عورت نموده باشند یا مصروف مباشرت جنسی باشند که برای والدین بد بوده و هنگامی که آن ها چنین صحنه ای را مشاهده کنند آن را د ذهن خود متصور نموده و افکار آن ها مغشوش می شود، سپس طفل در این فکر فرو می رود که این عمل را با کی تطبیق نماید، اینجا است که مفسده آغاز می گردد، طفل کوشش می کند که آن را با همسایه خود، هم صنفی و یا در خانه هایی که چندان توجه به محافظت اطفال خود ندارند، ممکن است که آن را با خواهر و برادر خود انجام دهند؛ به ویژه در خانواده هایی که بستره هایی اطفال ممیز خود را از همدیگر جدا نمی کنند؛ طفلی که در پهلوی خواهر خود می خوابد و صحنه ای تحریک آمیزی را که از والدین خود دیده است؛ با خواهر خود چه خواهد کرد؟ بدون شک که شیطان فساد پیشه است و می خواهد که طفل را همراهی خواهرش به فساد بکشاند.

دین بر حق ما دین پاکی است که می خواهد اذهان، عقول و قلوب اطفال را پاک و نظیف نگهدارد. پس مسلمان می باید پابند اوامر الهی و سنت نبوی بوده و مادر نباید در مقابل فرزندان خود لباس های خود را از حد زیاد اظهار تجمل نماید، زیرا شیطان در صدد این است که آن ها را به طرف حرام سوق دهد، همچنان پدر نباید در مقابل فرزندان خود با نیکر کوتاه، یا بلوس بسیار تنگ و نازک که عورت و اندام ها ی او را مشخص می کند، ظاهر شود، زیرا این اعمال باعث می شود که فرزندان تحریک شده و عواقب بدی را در پی داشته باشد.

اجازه گرفتن به خاطر عدم مشاهده است زیرا؛ در حدیث آمده است: «عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضی الله عنه قَالَ: اطَّلَعَ رَجُلٌ مِنْ جُحْرِ فِي حَجْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم، وَمَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم مِدْرَى يَحْكُ بِهِ رَأْسَهُ. فَقَالَ: «لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَنْظُرُ لَطَعْنْتُ بِهِ فِي عَيْنِكَ، إِنَّمَا جَعَلُ الْإِسْتِذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصْرِ» (۱۹۹).

یعنی سهل بن سعد رضی الله عنه می‌گوید: مردی از سوراخی به داخل یکی از خانه‌های رسول الله صلى الله عليه وسلم نگاه کرد در حالی که محمد صلى الله عليه وسلم چوب نوک تیزی در دست داشت و با آن، سرش را می‌خاراند، پیامبر خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: «اگر می‌دانستم که تو نگاه می‌کنی، آن را در چشم ات فرو می‌بردم، زیرا بخاطر نگاه است که اجازه خواستن لازم شده است.

در حقیقت حافظ و نگهبان الله تعالی است اما والدین می‌باید که نقش پدری و مادری خود را در محافظت اطفال خویش از دیدن افلام مبتذل و برهنه که فحشا و منکر را دامن می‌زنند، اداء نمایند، چه تصور می‌کنید! زمانی که مرد زن را در آغوش گرفته او را می‌بوسد، لمس می‌کند و در آغوش می‌گیرد؛ آیا فرزند مراهق (قریب البلوغ) شهوت او برانگیخته نمی‌شود؟ و به فساد روی نمی‌آورد؟

آیا آرزو نمی‌کند که مانند آن دختر باشد؟ بدون شک که به فساد سوق داده و در حرام و مکروهات قرار خواهد گرفت نعوذ بالله. برخی علماء گفته‌اند زمانی که زن تماس جنس اسپ و یا پیشک را مشاهده کند، شهوت او برانگیخته می‌شود و آرزو جماع را می‌کند. پس لازم است که والدین در قسمت اولاد خود اعم از دختر و پس بی تفاوت نبوده بلکه در محافظت آن‌ها از واقع شدن در فساد و شر، دریغ نه نمایند. (طوری که گفته شده است: علاج واقعه قبل از وقوع).

به تمام والدین می‌رسانیم که رسالت خود را در مقابل اطفال خود که نزد آن‌ها امانت هستند به درست انجام دهند، زیرا؛ الله تعالی اولاد صالح را سبب انتفاع والدین آن‌ها قرا می‌دهد طوری که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: درجه یک شخص در روز قیامت بلند می‌رود، او می‌پرسد:

ای پرودگار! این در جه برای من از کجا شد، برایش گفته می شود، این درجه به سبب استغفار فرزندان برایت است<sup>(۲۰۰)</sup>.

به تمام مردان غیور می رسانیم که بهترین و با غیرت ترین سرپرست خانواده باشند، دیوث و بی غیرت نباشند که فحشاء منکر را از خانه خو منع کرده نتوانند.

فرزند خود را با خود به اماکن اصلاح ببر، نه به اماکن فساد.

آیا خوش داری که فرزندان در دوره ثانوی با درجه بلند فارغ گردد اما روز قیامت با مفسدین، هرزه گویان و بی نمازان وارد جهنم شود؟

ای بنده الله! برای فرزندان این فرموده الله تعالی را به یاد بیاور که فرموده است:  
 ﴿وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَصَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾  
 (الأبعام/۹۴).

ترجمه: و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده‌اید و شفیعیانی را که در [کار] خودتان شریکان [خدا] می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم به یقین پیوند میان شما بریده شده و آنچه را که می‌پنداشتید از دست شما رفته است.

### سخنانی برای فرزندان

الله تعالی شما را در حفظ و امان خود داشته باشد!

۱- بخاطر به دست آوردن رضای الله تعالی مواظب والدین خود باشید، زیرا الله تعالی شما را به طور ذیل در مورد مراقبت والدین تان وصیت نموده است:  
 ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾<sup>۲۰۱</sup>

۲۰۰- ابن ماجه (۳۷۹۱).

۲۰۱- (الأسراء/۲۳-۲۴).



ترجمه: و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

همین طور در آیات ذیل فرموده است: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

إِحْسَانًا﴾<sup>۲۰۲</sup>

ترجمه: و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید.

به همین طور در آیات دیگر فرموده است: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ

أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾<sup>۲۰۳</sup>

ترجمه: بگو بیابید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي

وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾<sup>۲۰۴</sup>

ترجمه: و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر بازگرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

۲- همچنان زمانی که از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که

کدام عمل بهتر است؟ فرمود: نماز در وقتش، گفته شد که بعد از آن کدام عمل بهتر است؟ فرمود: احسان با والدین<sup>(۲۰۵)</sup>.

۲۰۲- {النساء/۳۶}.

۲۰۳- {الأنعام/۱۵۱}.

۲۰۴- {القمان/۱۴}.

۲۰۵- متفق عیه.

و نیز از او پرسیده شد که کدام شخص زیاد مستحق نیکی، احسان و هم نشینی من است؟ فرمود: مادرت، پرسیده شد، سپس کدام شخص؟ فرمود: مادرت، باز هم پرسیده شد، فرمود: مادرت، در بار چهارم فرمود: بعد از آن پدرت<sup>(۲۰۶)</sup>.

ای فرزندان بدانند که اطاعت از والدین در معروف است، نه در معاصی و شرک طوری که الله تعالی فرموده است: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾<sup>۲۰۷</sup>

ترجمه: و اگر (والدین) تو را و دارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر ولی در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من باز می‌گردد و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است و از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید شما را با خبر خواهم کرد.

۳- برای والدین خود از بارگاه الهی مغفرت بخواهید، همراه والدین خود نرمی کنید؟ و با دستان پدر و مادر رفت و آمد نموده، روابط خود را با درست نگهدارید.

### سخنانی برای تمام اعضای خانواده

- ۱- همگی تان به دین الله تعالی تمسک ورزیده با همدیگر اختلاف نکنید.
- ۲- دوستی و محبت را میان خود گسترش دهید، به خاطر حصول رضای الله تعالی با هم جمع شوید و بخاطر آن از هم جدا شوید.
- ۳- با همدیگر در انجام دادن اعمال خیر همکاری نموده و در انجام دادن اعمال بد با یکدیگر کمک نکنید.

۲۰۶- متفق علیه.

۲۰۷- (لقمان/۱۵).

- ۴- غذای حلال و پاک بخورید تا الله تعالی دعا های شما را مستجاب نماید.
- ۵- خانه های تان را با تلاوت قرآن کریم، تسبیح، تهلیل، تحمید و تکبیر، مملو (پربرکت) نمایید.
- ۶- برادر خود را اگر ظالم یا مظلوم باشد کمک نماید، اگر ظالم بود مانع ظلم او شوید و اگر مظلوم بود، او را از ظلم نجات دهید.
- ۷- هر برادری که قبل از دیگر برادر خود فوت می کند، برادر زنده او باید برایش دعا نموده و قبرش را زیارت نماید، زیرا زیارت قبور آخرت را به یاد انسان میاورد، همه ما نزد الله تعالی رفتنی هستیم و می میریم، فقط الله تعالی باقی می ماند و بس.
- ۸- از بارگاه الله تعالی بخواهید که شمارا در جنت الفرووس، باهم جمع کند طوری که شمارا در دنیا در یک خانه با هم تحت اطاعت خود، جمع نموده است، از الله تعالی مغفرت بخواهید، زیرا او بسیار بخشاینده است و بر پیامبر تان درود و سلام بفرستید، تا الله تعالی بر شما رحمت بفرستد



### خاتمه (یا سخنان پایانی)

سپاس الله تعالی را که با لطف و کرم او این رساله ای دقیق به پایان رسید، از بارگاه او تعالی (عاجزانه) می خواهم که توسط آن، ما و تمام مسلمانان را نفع رساند و به تمام آیت و احادیثی که در این رساله گفته شد، به آن توفیق عمل نصیب فرموده و میان خانواده ها اتحاد و اتفاق را به وجود آورد، همین طور از بارگاه الله تعالی (عاجزانه) می خواهم که توسط این رساله، اخلاق و معاملات ما را اصلاح گردیده و سبب شود که نویسنده، خواننده و خانواده ها، توسط آن داخل بهشت برین گردند.

و صلی الله و سلم و بارک علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم، سبحانک اللهم و بحمدک، أشهد أن لا إله إلا أنت أستغفرک و أتوب إليك.

نویسنده: ابو عبد الله / مصطفی بن العدوی.



# Family jurisprudence & manifestations of the prophetic family.

Written by Abu Abdullah / Mustafa bin Al-Adwi.

Translated by: Ahmad Khalid Aziz-2021

This book is one of the most important and basic topics that every human being needs to know, because this issue belongs to (rights and duties) of father, child, mother, daughter, husband, wife and child, all members of the family from It benefits and each of them (understanding their position and responsibility) plays its role in the family. This book addresses the issues of family jurisprudence, I chose it because all family members have the right and rights of each other in the light of the Holy Quran, the hadiths of the Holy Prophet (PBUH) and the biography of Salaf Saleh; Understand correctly and adjust their lives accordingly; This action will cause each member of the family to take the right path and because of that, he will find his way to the eternal paradise. This book was originally a lecture given by Abu Abdullah / Mustafa bin Al-Adawi in The city (Mansoura) presented the Arab Republic of Egypt, which was warmly welcomed by the people and he was asked to present it in other cities, after which he edited all his lectures and narrated its hadiths. Include the necessary additions and additions to prepare it for publication as a useful book. The translator wishes God Almighty to accept this action of his and to benefit his family and all Muslim families.

ISBN:

Price: